

بوز نامه

دوفصل نامه داخلی انجمن یوزپلنگ ایران

نیمه دوم ۱۳۹۴
شماره ۲۲
۵۰۰۰ تومان
۶۸ صفحه

ناگفته‌هایی از پروژه پلنگ شمال شرقی ایران

در گفتگو با محمدصادق فرهادی نیا

برگزاری اولین مسابقه عکس

دوربین تله ای در ایران

به استقبال «آفتاب» بعد از ۵ سال

گفتگو با دکتر معماریان دامپزشک باغ وحش تهران

رهگذری در نایبندان

از آبشار ویکتوریا تا کرگدن سفید زامبیا!

پایش گونه ای که دیده نمی شود

مسئولیت من!!!

تنها ۷۰ یوزپلنگ در ایران باقی مانده است!!!



@izbank.ir



telegram.me/izbank



www.izbank.ir

مرکز ارتباط با مشتریان: ۲۴۸۰۹

Let's barad your life
barpd[®]



www.babad.co

Let's barad your life

تو میں نے

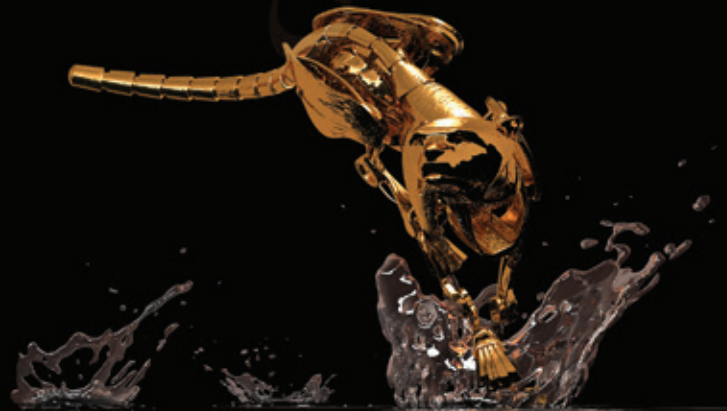
تومی مانرو منس
در هر سلام تازه خورید

تو را دریاد می خوانم
تو می مان و من
در هر نگاه
تو را همراه می دانم

کے لیے

صنایع شیمیایی پارس دیبا

تولید کننده انواع رنگها، پوشش ها
و محصولات شیمیایی مورد مصرف صنعت ساختمان
ارایه دهنده انواع خدمات طراحی
اجرا و نظارت در حوزه دکوراسیون داخلی و نماهای بیرونی
نشانی: شهر صنعتی هشتگرد، فاز ۲، خیابان ۱۳
تلفن: ۰۲۶-۴۴۱۳۴۵۱-۴؛ نامبر: ۰۲۶-۴۴۱۳۴۵۵
www.barad.co
نشانی اینترنتی:
پست الکترونیکی: info@barad.co





خرید برای حفاظت از حیات وحش



خرید آنلاین

shop.wildlife.ir

به ما پیوندید

www.wildlife.ir



"ژاله صادقیان"، گوینده خوش صدای رادیو و تلویزیون
عضو انجمن یوزپلنگ ایرانی



یادداشت سردبیر	۵
پایش گونه‌ای که دیده نمی‌شود	۶
رازگشایی پلنگ ایرانی!	۱۲
نهمین جشنواره روز ملی یوزپلنگ ایرانی	۱۸
بررسی وضعیت کفتار راه‌راه در شمال شرق ایران	۲۰
عکس برداری از گربه پالاس در ساریگل و سالوک	۲۲
لوکوموتیوران ناجی یوزپلنگ	۲۳
با منابع محدود، به کدام پستانداران باید توجه بیشتری نشان داد؟	۲۴
آهوه‌ای جزیره خارگ	۲۵
بقای پلنگ‌های ایرانی در قفقاز در گروی همکاری‌های منطقه‌ای	۲۶
تامین آب برای یوزپلنگ‌ها	۲۸
احداث آبشخور به‌عنوان مهریه	۲۹
دره انجیر، شاهراه ارتباطی یوزپلنگ‌ها در کویر مرکزی ایران	۳۰
گردشگری مسوولانه در تالاب عشق‌آباد	۳۲
به استقبال «آفتاب» بعد از پنج سال	۳۶
گزارشی از بیست‌وچهارمین سمینار حیات‌وحش	۴۰
رهگذری در نایبندان	۴۲
نتایج نخستین دور سرشماری پلنگ‌ها در شمال شرقی ایران	۴۴
گرگ‌ها چگونه رفتار رودخانه را تغییر دادند؟	۴۶
پرواز یوزپلنگ ایرانی در آسمان	۴۸
رکورد گونه‌ی غیربومی نوتریا در شمال ارسباران	۴۹
نقش تکنولوژی در افزایش کارایی مناطق حفاظت‌شده	۵۰
گالشی‌ها و حیات‌وحش	۵۲
سیاه‌گوش‌های انگوران کجا هستند؟	۵۴
چه خبر از چیتال‌ها؟	۵۵
معرفی محیط بانان زیستگاه یوز	۵۶
از آبشار ویکتوریا تا کرگدن سفید زامبیا!	۵۷
باقرقره، رنگین کمان خوش آواز	۶۱
داغ ترین‌ها	۶۴

سردبیر: محمد گائینی

صفحه‌آرا: سارا محمدی فتح

عکس روی جلد: دوربین تله‌ای پروژه پلنگ شمال

شرقی ایران

ویراستاران: مانلی شیرگیری، سولماز پروین

چاپ: گروه صنعتی ایران خودرو

همکاران این شماره:

محمدصادق فرهادی نیا، احسان محمدی مقانکی،
فرناز حیدری، نوید قلی‌خانی، عطیه تک‌تهرانی،
بهنام قربانی، ریحانه روحی، حامد تیز رویان، مهدی
جلالپور، پویان بهنود، علی‌رضا شهرداری، حامد
موسوی، کاوه حب‌علی، پیمان مقدس، حمیدرضا
نوروزی، آرشد محرمی، آرشد مودی، جمشید
پرچی‌زاده، احسان سلیمانی، مریم قزایی، حبیبه
زیدآبادی، محمدعلی رضوانی، فرنوش کوچالی،
امیرعلی بختیاری
با تشکر از:

مرتضی اسلامی دهکردی، صفورا زواران حسینی،
مرتضی پورمیرزایی، دکتر ایمان معماریان، فتح
اله امیری، امید طاری‌فرد، مهسا مولا، جمشید
کریمی زاده، بشیر شریف نیا، آرشد حسینیان، کامبیز
برادرانی، خسرو مهین‌روستا، برات جلالی، صمد
فیروزی، عظیم دانشور، نگار امیری، جواد شکوهی،
مریم محمدی، شیرین شایسته، نگار اکبری، ریحانه
تیزمغز، شیدا عشایری، هادی فهیمی، بارید صفایی،
مهدی چلانی، حمیرا محب‌علی و انوشه میرمجلسی

یوزنامه خبرنامه داخلی انجمن یوزپلنگ ایرانی است که برای اطلاع رسانی پیرامون فعالیت‌های این انجمن درباره یوزپلنگ و سایر گونه‌های حیات وحش و مسائل محیط زیست کشور تهیه و توزیع می‌گردد.

مخاطبان این خبرنامه را اعضای انجمن، دانشجویان، اساتید، کارشناسان، مدیران، محیط بانان و علاقمندان محیط زیست تشکیل می‌دهند.

انجمن یوزپلنگ ایرانی یک سازمان غیر دولتی زیست محیطی، مستقل و غیرانتفاعی است که از سال ۱۳۸۰ برای حفظ آخرین بازمانده‌های یوزپلنگ ایرانی فعالیت می‌کند.

اهداف این انجمن عبارتند از:

۱. مطالعه و پژوهش در مورد حیات وحش، به ویژه یوزپلنگ و زیست بوم‌های مرتبط با آن.
۲. تنویر افکار عمومی به منظور ارتقاء سطح آگاهی جامعه در مورد محیط زیست، حیات وحش و یوزپلنگ.
۳. حفاظت از حیات وحش، به ویژه یوزپلنگ و زیستگاه‌های آن.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد انجمن و فعالیت‌های آن با ما تماس بگیرید.

وبسایت: www.wildlife.ir

پست الکترونیک: info@wildlife.ir

نشانی پستی: تهران، صندوق پستی

۱۸۵۴۹ - ۱۴۵۵۱

نشانی دفتر: تهران، ابتدای جاده مخصوص کرج، نرسیده به شهرک اکباتان، خیابان فلسفی (بیمه ۴)، کوچه

نوروزی، پلاک ۲، طبقه سوم غربی

کدپستی: ۱۳۹۳۷۴۴۳۱۶

تلفن: ۴۴۶۵۹۱۰۰ (داخلی ۳۰۳)

فکس: ۴۳۸۵۱۰۲۱

سخن سردیر



محمد گائینی

با حمایت شما ادامه می دهیم...

بهمن ماه ۱۳۹۴ و درست همزمان با انتشار بیست و دومین شماره یوزنامه، جابجایی دوباره دفتر انجمن به دلیل پاره‌ای مشکلات مالی صورت گرفت. حیات یک موسسه مردمی و غیرانتفاعی آن هم در حوزه محیط زیست در این روزها، سخت تر از آن است که به چشم بیاید. اما هم چنان با پشتیبانی خانواده بزرگ حامیان حیات وحش و به خصوص یوزپلنگ ایرانی، پروژه‌های حفاظتی و پژوهشی را با قدرت ادامه خواهیم داد و این شماره یوزنامه نیز به مرور بخشی از فعالیت‌های شش ماه گذشته می پردازد. از طرفی این شماره به نوعی شماره نوروزی یوزنامه نیز محسوب می‌شد. از این فرصت استفاده کرده و سال نو خورشیدی را به شما عاشقان این سرزمین و همراهان همیشگی انجمن یوزپلنگ ایرانی شادباش می‌گوییم، بدان امید که در سال جدید با حمایت شما بیش از پیش به نگهداری از آن چه از طبیعت ایران زمین باقی مانده است همت گماریم...

بارها و بارها با دوستانی برخورد کرده‌ام که دل پردردی از مشکلات محیط زیست کشور دارند و همواره گله مند هستند که چرا سازمان محیط زیست این کار را نمی‌کند و چرا این مسئولین محیط زیست اینقدر بی‌کفایتند؟! حتی تعدادی از علاقمندان فراتر رفته و به NGOها هم خورده می‌گیرند که چرا کم‌کار می‌کنید و چرا محیط زیست و حیات وحش کشور را نجات نمی‌دهید؟

اما آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که نقش خود ما چیست؟ سهم ما چقدر است؟ مگر مدیران محیط زیست کسانی غیر از ما هستند؟ به دنبال کدام معجزه هستیم که رخ دهد؟ پس کی من و شما باید دست به کار شویم؟

سران ممالک دنیا در پاریس جمع می‌شوند و از هم قول می‌گیرند که به روشی کار و زندگی کنند که حال زمین بدتر از این نشود. «تغییرات آب و هوایی» که یک زمانی واژه‌ای عجیب و غریب به نظر می‌رسید به خوبی قابل درک شده است و از عشایر و روستاییان تا برج‌نشینان شهرهای بزرگ به خوبی معنای آن را درک می‌کنند.

امروز برای آن که حال زمین بدتر از این نشود و تمام ساکنانش در کنار هم بمانند و چرخه زیستی به درستی در گردش باشد، فقط انسان است که باید روش زندگی خود را اصلاح کند... کاری بس دشوار... اما شدنی...

به زبان ساده‌تر: برای این که باشیم و بمانیم و بتوانیم زندگی کنیم، باید بخواهیم که دیگر ساکنان زمین هم بمانند و در کنار ما به حیات ادامه دهند. زمین، زیستگاه میلیون‌ها گونه گیاهی و جانوری است که یک به یک در معرض خطر بیشتر قرار می‌گیرند.

«انقراض» گونه‌ها، انتهای این ماجراست که انسان به آن سرعت می‌دهد. نخواهیم که این در خطر انقراض‌ها را به جایی منتقل کنیم و از آن‌ها مراقبت کنیم (!). آن‌ها از پس خود بر می‌آیند اگر ما بگذاریم...

پایش گونه‌ای که دیده نمی‌شود

گزارش برنامه‌ی ملی پایش یوز در ایران



نوید قلی خانی

آسیایی در کشور آغاز شد. فاز اول این برنامه تا سال ۹۱ ادامه یافت که در آن مجموعاً ۸ منطقه‌ی تحت حفاظت سازمان محیط زیست با بیش از ۱۰۰ دوربین تله‌ای ارزیابی شدند. این ۸ منطقه عبارت‌اند از:



تا اوایل دهه‌ی هشتاد شمسی کمتر کسی اطلاعات دقیقی از یوزپلنگ آسیایی داشت. تمام اطلاعات موجود محدود می‌شد به مطالعات پراکنده‌ی چند کارشناس خارجی و همین‌طور دستاوردهای تجربی چند متخصص حیات وحش داخل کشور. وضعیت جمعیتی و زیستی این گربه‌سان به درستی مشخص نبود. اعدادی که به طور تخمینی از تعداد یوزپلنگ در ایران منتشر می‌شد متفاوت بود و مبنای مختلفی داشت. اسکندر فیروز در سال ۱۳۵۳ تعداد یوزپلنگ‌های کشور را ۲۰۰ الی ۳۰۰ فرد اعلام کرد. ۲۵ سال بعد جورا بچیان، مدیر سابق پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، تعداد یوزپلنگ‌ها را در طبیعت کمتر از ۴۰ عدد تخمین زد؛ در حالی که در همان سال‌ها هرمز اسدی، زیست‌شناس ایرانی، تعداد این گونه را در ایران ۵۰ تا ۱۰۰ عدد می‌دانست. در سال‌های پس از آن کارشناسان دیگری همچون هوشنگ ضیائی، محمدصادق فرهادی‌نیا، هومن جوکار و همچنین متخصصان خارجی اعداد متفاوتی را از تخمین جمعیت این گونه اعلام کرده‌اند.

اما بدون داشتن اطلاعات قابل اتکا از جمعیت یک گونه چه‌طور می‌توان از آن حفاظت کرد؟

اقدامات پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی در جهت کسب دانش و آگاه‌سازی جامعه درباره‌ی یوزپلنگ آسیایی از سال ۱۳۸۰ دیدگاه وسیع‌تری به کارشناسان داد، اما همچنان تا سال‌های اخیر نیاز به مطالعه‌ی علمی گسترده‌ای برای برآورد جمعیت یوزپلنگ در ایران احساس می‌شد. به همین دلیل در سال ۱۳۸۸ انجمن یوزپلنگ ایرانی با همکاری پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و سازمان محیط زیست تصمیم گرفتند این مطالعه را عملی کنند. بعد از برنامه‌ریزی دست‌اندرکاران، از سال ۱۳۸۹ برنامه‌ی پایش جمعیت یوزپلنگ

پارک ملی و منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی سیاهکوه؛ پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر؛ منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی کوه بافق؛ منطقه‌ی شکارممنوع آریز در استان یزد؛ پناهگاه حیات وحش نایندگان در استان خراسان جنوبی؛ پناهگاه حیات وحش میاندشت در استان خراسان شمالی؛ پناهگاه حیات وحش عباس‌آباد در استان اصفهان؛ پناهگاه حیات وحش راور در استان کرمان.

هدف فاز اول برنامه‌ی پایش جمعیت یوزپلنگ آسیایی مطالعه‌ی سیستماتیک برآورد جمعیت یوزپلنگ آسیایی با کمک تکنولوژی دوربین تله‌ای در کشور بود و گزارش آن در وبسایت گربه‌سانان IUCN cats.org منتشر شده است.

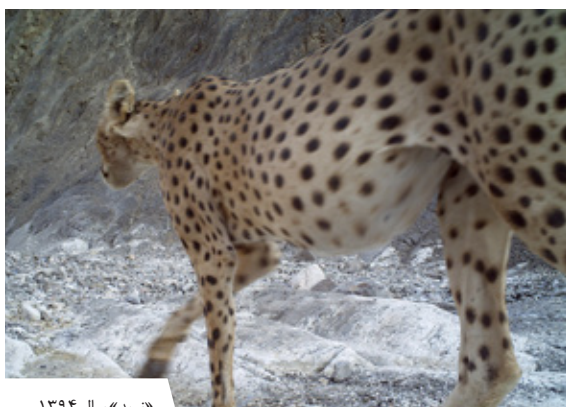
سه سال بعد فاز دوم برنامه‌ی پایش جمعیت یوزپلنگ آسیایی آغاز شد. کمبود بودجه و تجهیزات امکان اجرای مطالعه‌ی منطقه‌ی جامع را برای بار دوم نمی‌داد؛ در واقع فاز دوم نه برای برآورد جمعیت، بلکه به‌منظور دستیابی به اهداف دیگری شکل گرفت:

– پایش افراد یوزپلنگی که در فاز اول این پروژه شناسایی شدند توسط دوربین تله‌ای؛

– ثبت افراد جدید در دوربین‌گذاری‌های متمرکز و غیرمتمرکز در مناطق؛



«نوید» سال ۱۳۹۰ - عکس از: National Geographic



«نوید» سال ۱۳۹۴

اردلان، ارسلان، اردوان و هومینو در دره انجیر

نتیجه‌ی دوربین‌گذاری در پناهگاه حیات وحش دره انجیر اتفاق جالب و مهمی بود. سه برادر در سال ۱۳۸۸، زمانی که همراه مادرشان بودند، رصد شده بودند. دوربین‌گذاری دره انجیر نشان داد که در این پناهگاه به زندگی خود کنار یکدیگر ادامه می‌دهند. جالب‌توجه این که یک یوزپلنگ غریبه‌ی نر به این برادران پیوسته و یک گروه چهارتایی تشکیل داده‌اند.

نام سه برادر اردلان، ارسلان و اردوان است و نام یوزپلنگ غریبه‌ای که حالا عضو این گروه است، هومینو انتخاب شد. هومینو اسم یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رودخانه‌های پناهگاه حیات وحش دره انجیر است.



«اردلان» در دره انجیر

- پایش منابع آب مناطق با دوربین‌های تله‌ای در فصل تابستان برای مقایسه‌ی روش‌های کاربردی دوربین‌گذاری؛
- بررسی‌های اولیه در مناطقی که در آن گزارش حضور یوزپلنگ وجود داشته، اما تا به حال مطالعه‌ی دقیقی صورت نگرفته؛
- تدوین یک پروتکل جامع پایش یوزپلنگ در ایران و به اشتراک گذاشتن آن با کارشناسان و محیط‌بانان.
در فاز دوم دوربین‌گذاری طی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ مناطق زیر پایش شده‌اند:

• پناهگاه حیات وحش نایبندان (دو نوبت در زمستان ۹۳ و تابستان ۹۴)

• پناهگاه حیات وحش دره انجیر (تابستان ۹۴)

• پناهگاه حیات وحش میاندشت (تابستان ۹۴)

علاوه بر تصویری از تنوع زیستی مناطق، نتایج مهم و قابل توجهی از وضعیت یوزپلنگ به دست آمده است.

۱۴ یوزپلنگ در فاز دوم شناسایی شده‌اند

از پاییز ۹۳ تا پاییز ۹۴ با مطالعه‌ی سه منطقه‌ای که در بالا نام برده شد، ۱۴ یوزپلنگ تصویربرداری و شناسایی شدند. این تعداد شامل یک ماده و سه توله، یک مادر و یک توله و یک نر در پناهگاه حیات وحش میاندشت، چهار نر در پناهگاه حیات وحش دره انجیر، سه نر در پناهگاه حیات وحش نایبندان است.



یوزپلنگ نر تنها در میاندشت تابستان ۱۳۹۴

حضور نوید بعد از ۴ سال

تابستان ۱۳۹۴، دوربین‌های تله‌ای نصب شده در پناهگاه حیات وحش نایبندان تصویر یوزپلنگی را ثبت نمودند که آخرین بار سال ۹۰ توسط مؤسسه‌ی نشنال جئوگرافیک تصویربرداری شده بود. بعد از ۴ سال موفق شدیم از بقای این یوزپلنگ در کشور اطمینان حاصل کنیم. این یوزپلنگ نر نوید نام گذاری شده تا نویدبخش خبرهای خوش در پناهگاه حیات وحش نایبندان باشد.

«ارسلان» در دره انجیر



«اردوان» در دره انجیر



«ارسلان» در دره انجیر

مادمی که بعد از ۳ سال یک تولد به میاندشت باز گشته است

یوز ماده ای که سال ۱۳۹۱ به همراه سه تولد در پناهگاه حیات وحش میاندشت توسط دوربین ثبت شده بود، بعد از حدود سه سال به همراه یک تولد در میاندشت ظاهر شد و از او عکس برداری شد.

فرزندی که حالا مادر شده است

در فاز اول برنامه ی پایش، سال ۱۳۹۱ از یک مادر و سه تولدش در پناهگاه حیات وحش میاندشت عکسبرداری شد. دو تولد ماده و یکی نر بودند. یکی از تولد های ماده، تابستان سال جاری (۱۳۹۴) در حالی جلوی دوربین های تله ای ظاهر شد که خود دارای سه فرزند شده است. بعد از گذشت سه سال این یوز ماده توانسته زنده بماند و تولید مثل کند.

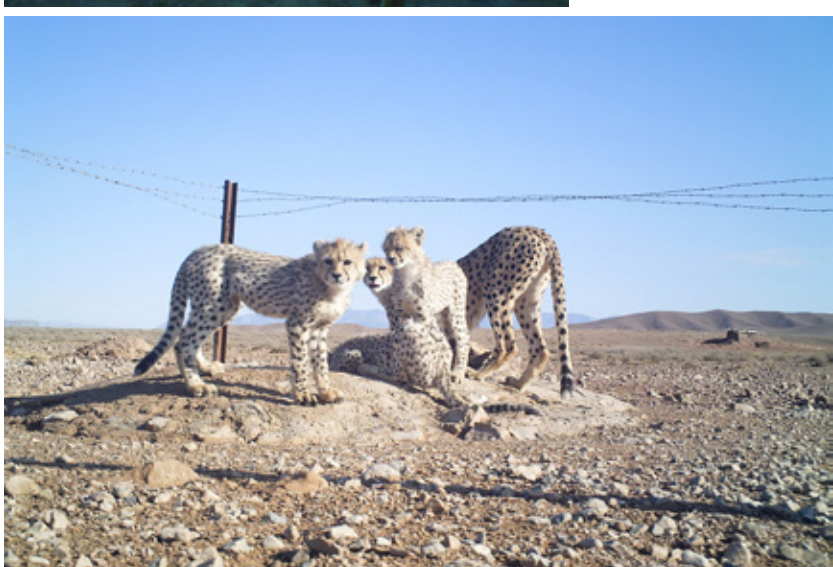


مادر و تولد ها سال ۱۳۹۱

مادر و تولد سال ۱۳۹۴



یوز نامه



ماراتن پویان در قلب کویر

شاید بتوان ویژه‌ترین اتفاقی را که در طول فاز دوم از آن باخبر شدیم رکوردشکنی مهاجرت پویان در کویر مرکزی دانست. پویان نام یوزپلنگ نری است که مسافت بیش از ۴۱۵ کیلومتر را در حدود ۴ سال طی کرد. اولین بار توسط دوربین‌های نشتال جئوگرافیک (سال ۱۳۹۰) در پناهگاه حیات وحش نایبندان در استان خراسان جنوبی، سپس توسط دوربین‌های تله‌ای انجمن یوزپلنگ (سال ۱۳۹۳) در پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر در استان یزد و در نهایت مجدداً در دوربین‌گذاری پناهگاه حیات وحش نایبندان (تابستان ۱۳۹۴) از او تصویربرداری شد.

فاز دوم مطالعه‌ی پایش جمعیت یوزپلنگ همچنان ادامه خواهد داشت. فعالیت‌های مختلفی که برای ادامه‌ی این

مطالعه برنامه‌ریزی شده‌اند، شامل موارد زیرند که در شماره‌های بعدی یوزنامه به هر کدام خواهیم پرداخت:

- ادامه‌ی مطالعه در مناطق فاز دوم که در بالا نام برده شدند.
- مطالعات اولیه و دوربین‌گذاری در مناطقی که تا به حال بررسی جامعی در آن‌ها صورت نگرفته (بدین منظور بررسی‌های اولیه در منطقه‌ی شکار ممنوع کمکی به آباد آغاز شده است).
- پایش مجدد مناطقی که در فاز اول بررسی شده بودند؛ همچون بافق، آریز، سیاهکوه، راور.
- برگزاری کارگاه‌های هم‌اندیشی با کارشناسان حیات وحش و مسئولان مناطق به منظور دستیابی به پروتکل جامع دوربین‌گذاری و پایش یوزپلنگ در مناطق کویری ایران.

فاز دوم برنامه‌ی پایش جمعیت یوزپلنگ آسیایی که تا این‌جا ادامه داشته، بدون همکاری ارگان‌های مرتبط، مسئولان اداره‌های محیط‌زیست و نیز محیط‌بانان مناطق میسر نبود. این نوشتار مجال مناسبی است تا از تمام عزیزانی که ما را در این فعالیت همراهی نموده‌اند تشکر کنیم.

پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، اداره‌ی کل حفاظت محیط‌زیست استان یزد، اداره‌ی کل محیط‌زیست استان خراسان شمالی، اداره‌ی کل

محیط‌زیست استان خراسان جنوبی، اداره‌ی محیط‌زیست شهرستان اردکان، اداره‌ی محیط‌زیست شهرستان جاجرم، اداره‌ی محیط‌زیست شهرستان طبس، اداره‌ی محیط‌زیست شهرستان بافق و محیط‌بانان جواد شکوهی، اکبر جعفرپور، محمد الیاسی، محمدرضا رضامضانی، علی عجمی، محمدرضا حسن‌خانی، شیردل شرفی، عباس میرکلانی، علی خواجه، محسن یوسفی، احمد صفرزاده، بهزاد شرافتی، جواد شرافتی، حسن پوررضوان. همچنین از مؤسسه‌ی کاوشگران حیات وحش پارت و انجمن دوستداران محیط‌زیست اردکان سپاسگزاری می‌گردد. در پایان، انجام این عمل مهم بدون یاری علی اسکویی، محمد بهشتی زواره و آرش مودی امکان‌پذیر نبود که جادار داز آن‌ها تقدیر شود.

عکس‌ها از: دوربین تله‌ای (انجمن یوزپلنگ ایرانی، سازمان حفاظت محیط زیست، پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی)

نقشه مهاجرت پویان از نایبندان به دره‌انجیر



«پویان» در نایبندان سال ۱۳۹۴

پلنگ ایرانی



آرش مودی

برف تازه زمین را سفید پوش کرده بود و ما برای جستجو وارد منطقه شده بودیم که با رد پای تازه پلنگ بر روی برف مواجه شدیم. دو ساعتی مسیر رد پلنگ را کوهپیمایی کردیم اما با رسیدن به دره و گم کردن رد پلنگ، همه امیدها کمرنگ شد. شروع به دوربین کشی کردیم و بعد از چند دقیقه با صدای هیجان زده محمد فرهادی نیا نظرم‌ان به شکافی در کنار دره جلب شد.

پلنگ با شکوهی در پناهگاهش آرام خفته بود و برای دقایقی کوتاه نگاهش با نگاه ما گره خورد. در آن لحظه صدای ضربان قلبم با صدای شات‌های دوربین در هم آمیخته و نفس در سینه‌ام حبس شده بود. آری این گربه باشکوه «ایران» بود که به تازگی صاحب گردنبند ردیاب شده بود.

مرغ حق



◀ بهنام قربانی

در باغ های
اطراف تبریز مشغول به کنکاش
و عکاسی بودم که با کوچکترین جغد ایران
چشم در چشم شدم. فکر نمی کردم به این زودی ها
با این گونه ای زیبا روبرو شوم. چیزی که برایم خیلی
عجیب بود جثه ی بسیار کوچک این پرندۀ زیبا بود که
هرگز تصویری از آن نداشتم.



راز گشایی پلنگ ایرانی!

ناگفته‌هایی از پروژه‌ی گردنبند گذاری پلنگ شمال شرقی ایران در پارک ملی تندوره در گفت‌وگو با دکتر فرهادی‌نیا



فرناز حیدری

پوزنامه

مدرن و امروزی بعد از مدتی مشخص به صورت خودکار از بدن جانور باز و در محیط‌رهای می‌شوند. البته، بسته به نوع ردیاب، یا مجدداً احیا یا کلاً از رده خارج می‌شوند. برای مثال ردیاب نهنگ‌ها معمولاً حدود دو تا چهار ماه و ردیاب پلنگ‌ها حدود یک سال همراه حیوان است.

شکل گرفتن ردیابی با هدف حفاظت از حیات وحش

مهم‌ترین رکن حفاظت از حیات وحش اطلاعات کافی و صحیح از ویژگی‌های رفتاری و وضعیت زیستی جانوران وحشی است. فقدان این اطلاعات سرانجام محققان را بر آن داشت که چاره‌ای متفاوت بیندیشند. زیست‌شناسان و پژوهشگران متخصص در رشته‌های مختلف و بالاخص دست‌اندرکاران امر حفاظت از دهه‌ی ۶۰م تا به امروز شاخه‌ای از علم را به نام «ردیابی حیات وحش» به چنان تکاملی رساندند که امروز نه تنها کشورهای پیشرفته، بلکه کشورهای در حال توسعه هم از فواید آن به شکلی گسترده بهره می‌برند.

سامانه‌ی موقعیت یاب جهانی (GPS)، سنسورهای زیست محیطی انتخابی مختلف، فناوری‌های بازیابی خودکار اطلاعات نظیر سیستم‌های ارتباطی ماهواره‌ای آرگوس، فناوری داده‌های موبایل یا جی پی آر اس (سرویس بسته‌ی امواج رادیویی) و البته طیف وسیعی از نرم افزارهای پردازشی همگی از جمله شناخته شده ترین ابزارها و فناوری‌های مدرن مرتبط هستند و به واسطه‌ی طیف وسیع کاربری،

متخصصان حیات وحش برای ردیابی الگوهای جابه‌جایی و بررسی ویژگی‌های رفتاری حیوانات وحشی در طولانی مدت از سیستمی موسوم به تله‌متری استفاده می‌کنند. برای این منظور، نخست لازم است حیوان وحشی گرفته شود و سپس ردیاب مناسب آن گونه‌ی خاص با مهارت روی جزئی از بدن جانور نصب یا اصطلاحاً سوار شود. بدیهی است که ردیاب‌های حیوانات وحشی بسته به ویژگی‌های خاص بدنی، رفتاری و به خصوص محیطی که حیوان در آن زندگی می‌کند با یکدیگر تفاوت‌های عمده‌ای دارند. مثلاً ردیاب کوسه، که ماهی غضروفی و ساکن آب است، با ردیاب پلنگ، که پستاندار گوشتخوار است و ساکن خشکی و علاقه‌مند به زندگی انفرادی، خیلی فرق دارد.

بنا بر تحقیقات گسترده‌ی علمی، برای نخستین سانان، سگ سانان، خرس‌ها و گر به سانان بزرگ، مثل پلنگ، معمولاً از گردنبندهایی خاص استفاده می‌شود. نصب گردنبند هم به این صورت است که حیوان را از طریق بی‌هوشی زنده‌گیری می‌کنند و گردنبندها را به گردن آن می‌بندند. با تزریق داروی آنتی دوت مجدداً حیوان را به هوش می‌آورند و در طبیعت رهاسازی می‌کنند. برای پستانداران دریایی بزرگ، مانند نهنگ‌ها، ردیاب با پرتاب یک پیکان تیز فلزی به وزن تقریبی چهل گرم به باله‌ی پشتی الصاق می‌شود.

ردیاب‌ها بر مبنای این پیش فرض استفاده می‌شوند که فقط طی یک دوره‌ی خاص وضعیت زیستی رانشان دهند. بنابراین همه‌ی ردیاب‌های

**این نخستین بار در ایران
است که زندگی ساعت
به ساعت گونه‌ی
گوشتخواری همچون
پلنگ رصد می‌شود
و تاکنون اطلاعات در
مورد زندگی پلنگ‌ها
بیشتر متکی بر حدس و
گمان بوده است**

بدن عضلانی و انعطاف پذیرشان قطعاً یکی از مهم‌ترین شکارچیان رأس هرم غذایی در طبیعت ایران‌اند. دانشمندان سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که فقدان شکارچیان رأس هرم غذایی در یک زیستگاه می‌تواند عواقبی همچون بروز بیماری‌های ناشناخته، خصوصاً در میان دام‌های اهلی و حتی انسان، و حضور گونه‌های مهاجم و غیربومی و افزایش تعداد علفخواران و بالطبع تخریب گسترده‌ی زیستگاه، از جمله مراتع، را به دنبال داشته باشد. گفتنی است که افزایش علفخواران و نابودی پوشش گیاهی هر منطقه ضریب آسیب پذیری آن ناحیه را در مواجهه با بلایای طبیعی، از جمله سیلاب، افزایش خواهد داد. مجموع این عوامل حفاظت از پلنگ‌ها را در اولویت قرار می‌دهد. اما سؤال این جاست که آیا می‌توان بدون اطلاعات درست و علمی از حیوانی مثل پلنگ حفاظت کرد؟ بدیهی است که خیر.

دکتر فرهادی‌نادر پاسخ به این سؤال که ردیاب‌ها چه اطلاعات تازه‌ای برای درک بهتر از زندگی پلنگ ایرانی در اختیار ماقرار داده‌اند، می‌گوید: «از آن جایی که پلنگ‌ها همیشه به عنوان شاخص حیات وحش ایران مطرح بوده‌اند، انتظار داشتیم خیلی از دانسته‌های پیشین درباره‌ی آن‌ها درست باشد. اما از زمانی که گردنبندها روی گردن پلنگ‌های تندوره نصب شده و ثانیه به ثانیه‌ی زندگی آن‌ها را رصد می‌کنیم، به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که به خیلی از صحبت‌ها در مورد پلنگ، که تاکنون در ایران مطرح بوده، باید به دیده‌ی شک نگاه کرد.»

ایشان برای نمونه به حضور دو پلنگ مجهز به ردیاب در نزدیکی روستاهای منطقه اشاره کردند و گفتند: «یکی از پلنگ‌های مجهز به ردیاب پروژه، به نام کاوه، خیلی عادت دارد که از منطقه‌ی حفاظت‌شده خارج شود و اطراف روستاها را سرکشی کند. ما از قدیم فکر می‌کردیم که پلنگ‌های جوان‌تر به این دلیل که در منطقه برایشان قلمروی خالی وجود ندارد، یعنی احتمالاً پلنگ‌های بالغ‌تر آن قلمروها را اشغال

انقلابی در عرصه‌ی مدیریت و حفاظت از حیات وحش به وجود آورده‌اند. این تکنیک‌ها به محققان اجازه می‌دهد بدون حضور در قلمروی جانور وحشی، همچون روحی نامرئی، لحظه به لحظه حرکات و رفتارهای آن را رصد کنند.

کشوری مثل هندوستان اکنون بیش از سه دهه (از ۱۹۸۳) است که وارد این عرصه شده و تاکنون قریب ۴۷ گونه از حیوانات این کشور به ردیاب‌های متفاوت مجهز شده‌اند. این در حالی است که دکتر محمدصادق فرهادی‌نیا، مدیر «پروژه‌ی تحقیقاتی بوم‌شناسی پلنگ ایرانی در شمال شرقی ایران»، می‌گوید: «ما ایرانی‌ها خیلی دیر وارد این وادی شدیم، در حالی که پروژه‌های ردیابی سال‌هاست که در دنیا امتحان خود را پس داده‌اند. این نخستین بار در ایران است که زندگی ساعت به ساعت گونه‌ی گوشتخواری همچون پلنگ رصد می‌شود و تاکنون اطلاعات در مورد زندگی پلنگ‌ها بیشتر متکی بر حدس و گمان بوده است.»

در پارک ملی تندوره چه می‌گذرد؟

پارک ملی تندوره در شمال استان خراسان رضوی و در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است که تپه‌ها، صخره‌ها و دره‌های پر فراز و نشیب پوشیده از گیاهان مختلف، منظره‌ی بی‌بدیل را در آن جلوه‌گر ساخته‌اند. این ویژگی‌های منحصر بفرد این منطقه را به یکی از بهترین زیستگاه‌های پلنگ ایرانی مبدل ساخته است. از طرفی در پارک ملی تندوره، نخستین پروژه ردیابی ساعت به ساعت پلنگ ایرانی در حال اجراست. مدیر پروژه‌ی ردیابی پلنگ‌ها در پارک ملی تندوره می‌گوید: «پلنگ‌ها در بیش از ۱۰۰ منطقه در سرتاسر ایران مشاهده و ثبت شده‌اند. در نتیجه، مطالعه روی آن‌ها در حقیقت مطالعه روی یک گونه‌ی پرچم است. حضور پلنگ مؤید حضور تعدادی از اعضای جامعه‌ی گوشتخواران مغلوب نیز هست و لذا

**دانشمندان سال‌هاست
به این نتیجه رسیده‌اند
که فقدان شکارچیان
رأس هرم غذایی در یک
زیستگاه می‌تواند عواقبی
همچون بروز بیماری‌های
ناشناخته، خصوصاً در
میان دام‌های اهلی و حتی
انسان، و حضور گونه‌های
مهاجم و غیربومی و
افزایش تعداد علفخواران و
بالطبع تخریب گسترده‌ی
زیستگاه، از جمله مراتع، را
به دنبال داشته باشد**

حفاظت پلنگ به نوعی تضمین‌کننده‌ی حفاظت سایر گوشتخواران همگون است.» دکتر فرهادی‌نادر ادامه افزود: «پلنگ‌هایی که تاکنون در این پروژه مجهز به گردنبندها قرار داده شده‌اند، چهار نر و یک ماده بوده‌اند که از نظر سنی با یکدیگر تفاوت دارند. برای سهولت شناخت، پلنگ‌هایی که تاکنون گرفته شده‌اند هر کدام نام خودشان را دارند: برنا، بردیا، برزو، کاوه و ایران. از میان این پنج فرد، سه پلنگ آخر کماکان قلاده‌هایشان را دارند. گردنبندها برزو که از سایرین مسن‌تر است، در بهمن ماه و بعد از آن گردنبندهای کاوه و ایران به ترتیب در شهریور و آذر سال آینده خواهد افتاد. پیش از این، برنا و بردیا در شهر یورماه سال گذشته مجهز به ردیاب شدند و گردنبندها هر دو دقیقاً بعد از یک سال به صورت خودکار از گردن‌هایشان باز شد.»

ردیاب‌ها از رازهای پلنگ‌های ایرانی می‌گویند

فرضیات در مورد پلنگ ایرانی کم نیست. پلنگ‌ها با جثه‌ی بزرگ و



نصب تله - عکس از برات جلالی

گاهی دست حیوان در
تله نمی‌ماند، گاهی
حیوان خیلی عصبی
است و... همه این
موارد باعث می‌شود
که هر بیهوشی با
بیهوشی دیگر متفاوت
باشد و درست به
همین دلیل است که
مسئولیت دامپزشک
خیلی زیاد است.

ما سه تا چهار طعمه برای یک پلنگ کافی باشد، در منطقه‌ی استرس‌زا تعداد طعمه‌ها می‌تواند تا پنج تا هم باشد و همین افزایش نیاز غذایی باعث می‌شود جمعیت طعمه‌ها تحت فشار بیشتری قرار بگیرد.

ضریب تحمل پلنگ‌ها بالا است

یکی از ویژگی‌هایی که همیشه به پلنگ‌ها نسبت داده شده قلمروطلبی آن‌هاست. یکی از رخدادهای جالب و کم‌نظیری که در خلال پروژه‌ی ردیابی پلنگ‌ها در تندوره اتفاق افتاد، حضور مسالمت‌آمیز تقریباً ۴۸ ساعته‌ی دو پلنگ نر در قلمروهای فوق‌العاده نزدیک به یکدیگر بود. این مسئله شاید از اتفاقات نادری باشد که بسیاری حتی انتظار آن را هم نداشتند. دکتر فرهادی‌نیا در این مورد می‌گوید: «باور ما همیشه خلاف این مسئله بود؛ یعنی انتظار داشتیم این همجواری به برخورد فیزیکی و یا حتی مرگ یکی از دو طرف منجر شود. اما آن‌چه رؤیت شد، چیزی فراتر از باور خیلی‌ها، از جمله خود ما بود. این که دو پلنگ نر در ساعت‌هایی حتی از یک لاشه تغذیه کنند، بدون تردید گواه این است که ضریب تحمل پلنگ‌ها علی‌رغم قلمروطلبی‌شان در شرایطی خاص بالا است.» ایشان در خاتمه افزودند: «مسئله‌ی مهم این است که بدون داشتن اطلاعات علمی از یک گونه‌ی در معرض خطر به هیچ وجه نمی‌توان از آن حفاظت کرد. آیا اساساً با حدسیات و فرضیات می‌توان در مورد یک گونه نظر داد؟ آیا این حدسیات در دنیای علم حیات وحش امروز پذیرفتنی است؟ بدیهی است که تا زمانی که ندانیم طعمه‌ی پلنگ در سال چه تعداد است، قطعاً نمی‌توانیم در مورد مدیریت اصولی مناطق حفاظت شده هم بحث کنیم. بنابراین محققان باید حتماً سراغ فتاوری‌های نوین بروند.»



نصب گردنبند روی «کاوه» - عکس از: کاوه حب‌علی

کرده‌اند، سراغ دام‌های اهلی می‌روند و آن‌ها را شکار می‌کنند. اما ظرف همین چند روز اواخر دی‌ماه، که تیم پروژه در محل حضور داشت، متوجه شدیم که این پلنگ دقیقاً در چندصدمتری یک روستا کمین کرده است. حدس اول ما، بنا به همان باور قدیمی، این بود که قصد حیوان شکار دام اهلی است؛ اما با کمال تعجب دیدیم که یک گراز را شکار کرد. یا حتی پارسال برنا، که پلنگ نسبتاً جوانی است، به روستایی نزدیک شد و برخلاف تصور ما به جای یک دام اهلی یک تشی را شکار کرد. این‌ها نشان می‌دهد که هر عبور پلنگ از کنار روستا لزوماً به معنای شکار دام اهلی نیست. الان به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که حضور پلنگ در نزدیکی روستا می‌تواند به دلیل حضور گونه‌هایی خاص مثل گرازها یا تشی‌ها باشد. یعنی پلنگ گرازی را که می‌تواند حاصل زحمات یک کشاورز را خیلی راحت نابود کند شکار می‌کند و، درست برخلاف باور عمومی، نه تنها به خاطر جوان بودن و قلمرو نداشتن از منطقه‌ی حفاظت شده خارج نمی‌شود، بلکه کمک‌رسان دامداران است. این، در واقع، طعمه است که باعث تغییر مسیر جابه‌جایی پلنگ می‌شود.»

پلنگ‌ها گاهی هفته‌ها شکار نمی‌کنند، آیا آن‌ها گرسنه نمی‌شوند؟

یکی از سؤالاتی که طی پروژه‌ی ردیابی پلنگ‌ها در پارک ملی تندوره برای متخصصان این پروژه شکل گرفت این بود که چرا پلنگ‌ها چندین هفته‌ی بی‌پای شکار نمی‌کنند. دکتر فرهادی‌نیا در این زمینه می‌گوید: «منظور از این که پلنگ چند هفته‌ی بی‌پای چیزی شکار نمی‌کند این نیست که در این مدت حیوانات کوچک جثه، مثل موش یا خرگوش، را هم شکار نمی‌کند. واقعیت این است که موش و حتی خرگوش وعده‌های غذایی چندان مهمی برای پلنگ محسوب نمی‌شوند. یک پلنگ در طول روز به سه تا چهار کیلوگرم گوشت نیاز دارد. بنابراین خرگوش یک کیلوگرمی کوچک وعده‌ی غذایی چندان مهمی نیست. البته این مسئله جدا از خرگوش‌هایی است که در ایران وزنشان گاهی به شش کیلوگرم هم می‌رسد. هنوز به درستی علت این مسئله را نمی‌دانیم، اما نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ظاهراً پلنگ‌ها برای بقا به تعداد طعمه‌ی کمتری از آنچه که پیش‌تر تصور می‌شد، نیاز دارند.» ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا این خبر خوبی است یا بد، چنین



«کاوه» پس از اثبات دارت بیهوشی - عکس از: کاوه حب‌علی



دستاوردهای تیم دامپزشکی پروژه در گفتگو با دکتر ایمان معماریان

مسئولیت تیم دامپزشکی پروژه ردیابی پلنگ ایرانی در شمال شرقی کشور بر عهده دکتر ایمان معماریان فارغ‌التحصیل رشته دامپزشکی دانشگاه تهران و فلوشیپ‌های بیهوشی، مقیدسازی و بیماری‌های حیات وحش از کشورهای نامیبیا، هلند و اسپانیا است.

بیهوشی در حیات وحش متفاوت با بیهوشی در انسان

دکتر معماریان درباره پروژه بیهوشی پلنگ‌های تندوره چنین می‌گوید: «در این پروژه بسته به شرایط مختلف، پروتکل‌های دارویی مختلفی نیز مورد استفاده قرار گرفت. اولین وظیفه دامپزشک در این مواقع ارزیابی درست از شرایط است. یک دامپزشک باید مسائلی از قبیل وزن حیوان، این که آیا حیوان غذا خورده و شکمش پر است یا این که چقدر استرس دارد را از پیش حدس بزند و سپس بر اساس آن ترکیب دارویی و میزان هر دارو را انتخاب کند. در مجموع لازمه یک بیهوشی موفق برآورد درست از شرایط است به عنوان مثال زمان لازم برای هر بیهوشی دقیقاً بستگی به شرایط دارد یا فرضاً اگر شکم حیوان پر باشد، دارویی باید استفاده شود که احتمال برگرداندن غذا یا وارد شدن غذا احیاناً به ریه‌هایش را کم کند. حتی مدت زمان ماندن حیوان در تله مخصوص زنده‌گیری نیز در تعیین پروتکل دارویی و حتی دوز دارو نقش دارد.»

وی یادآور می‌شود: «پس از تزریق داروی بیهوشی، تنها دو نفر اجازه

نزدیک شدن به حیوان را دارند و مدیریت این کار شاید به نوعی کمی سخت است چرا که طبیعتاً در دفعات اول، استرس همه زیاد است و در نتیجه، کمتر هم به حیوان نزدیک می‌شوند. اما پس از یکی دو بار که این کار انجام می‌شود، معمولاً از ترس افراد کاسته شده و بالطبع کنترل و مدیریت اندکی سخت می‌شود. اما یک دامپزشک باید همیشه به این نکته توجه کند که وظیفه کنترل کل این پروسه در زمان بیهوشی بر عهده اوست.

در مناطقی که روستاها به قلمرو پلنگ‌ها نزدیک هستند، پلنگ اغلب مجبور است سریع غذای خود را بخورد؛ چرا که حضور انسان‌ها بالطبع استرس‌زا است. پیامد این مسئله شکار مجدد است. یعنی اگر حیوان به دلیل حضور انسان از سر طعمه رانده شود، مجبور به شکار مجدد می‌شود

طبیعی است که مثل هر بیهوشی دیگری، بیهوشی حیات وحش هم همیشه قرار نیست که خوب پیش برود. حیوان همیشه آن موقعی که دامپزشک می‌خواهد بیهوش نمی‌شود و همیشه هم آن موقعی که او خواهد احیاء نمی‌شود. در

مجموع کل این فرآیند همیشه با خطر همراه است، گاهی دست حیوان در تله نمی‌ماند، گاهی حیوان خیلی عصبی است و ... همه این موارد باعث می‌شود که هر بیهوشی با بیهوشی دیگر متفاوت باشد و درست به همین دلیل است که مسئولیت دامپزشک خیلی زیاد است.»

دکتر معماریان از محدود دامپزشکان ایرانی است که پست‌توانه سالها

**یکسری
بیماری‌های
مشترک بین
دام‌های اهلی و
حیات وحش هستند
که از آن جمله
مواردی را داریم
که بر طعمه‌های
پلنگ مثل کل و
بز یا قوچ و میش
اثر می‌گذارند.
اما یکسری از
بیماری‌ها هم مثل
دیستمبر هستند
که به طور مستقیم
روی سلامت
خود پلنگ‌ها اثر
می‌گذارند**



انجام دادیم. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین نکات در مورد بیهوشی، مرحله احیاء و برگشت حیوان پس از تزریق آنتی‌دوت است چرا که به عنوان مثال مدت زمانی که طول می‌کشد تا حیوان احیاء بشود و یا این که با چه وضعیتی احیاء می‌شود، همه خیلی خیلی مهم هستند. همه این ملاحظات در طبیعت باید دوچندان اعمال شود و کوچکترین احتمال خطر برای حیوان باید به صفر برسد. مشکلاتی مثل این که حیوان به خوبی احیاء نشود یا احیاء آن بیش از اندازه زمان ببرد همه جزو آن خطراتی بودند که خوشبختانه توانستیم با به کار بستن بهترین پروتکل‌ها سایه آنها را کنار بزنیم. احتمالاً

سال آینده در کنگره دامپزشکان حیات وحش این دستاوردها را مطرح خواهیم کرد تا در نهایت این جمع‌بندی حاصل شود که بهترین حالت چه می‌تواند باشد و از نتیجه اینکار در کل دنیا هم استفاده شود.»

کارهای موازی

پروژه تحقیقاتی مذکور با انجام یکسری کارهای موازی از جمله مطالعه بیماری‌های تأثیرگذار بر سلامت پلنگ‌ها نیز همراه شده است. دکتر معماریان علت این کار را این گونه توضیح می‌دهد: «بدیهی است که حفاظت از پلنگ‌ها بدون شناخت صحیح از بیماری‌های آنها امکان‌پذیر نیست و در واقع تلاش ما هم در این راستا است که مرز ناشناخته‌ها را تا حد امکان در نورددیم و با اطلاعات درست و علمی به پرسشها پاسخ دهیم. یکسری بیماری‌های مشترک بین دام‌های اهلی و حیات وحش هستند که از آن جمله مواردی را داریم که بر طعمه‌های پلنگ مثل کل و بز یا قوچ و میش اثر می‌گذارند. اما یکسری از بیماری‌ها هم مثل دیستمبر هستند که به طور مستقیم روی سلامت

تحقیق و تجربه از جمله سابقه حضور در جراحی‌های اختصاصی حیات وحش مانند جراحی بر روی دندان ریکا پلنگ ایرانی با سابقه ۴ بار جراحی بالای ۸ ساعت و جراحی لمینکتومی لورا پلنگ ایرانی ماده (تنها جراحی موفق بر روی ستون مهره‌های پلنگ در خاورمیانه) را در کارنامه خود دارد. در عین حال در پروژه‌هایی همچون پروژه تحقیقاتی پلنگ برفی در قرقیزستان، پروژه تحقیقاتی گرگ خاکستری در همدان، مطالعه در زمینه شرایط تکثیر در اسارت پلنگ ایرانی و یوز آسیایی، معرفی قواعد و تکنیک‌های جدید برای بیهوش کردن حیواناتی نظیر گور آسیایی- گرگ‌های خاکستری و کفتارهای راه راه نیز دستاوردهای قابل توجهی داشته است. ایشان به عنوان یک دامپزشک حیات وحش معتقد است که همیشه باید همه مراقبت‌ها و پیش‌بینی‌ها را از قبل انجام داد چرا که حتی اگر یک دامپزشک ۱۰۰ بار هم اینکار را انجام دهد باز هم در دفعه ۱۰۱ احتمال خطر وجود دارد.

وی ادامه می‌دهد: «در کل این پروژه ما همیشه تلاش کردیم که بهترین پروتکل را انتخاب کنیم و البته بین آنها یکسری مقایساتی



لاشه ی قوچ شکار شده توسط «کاوه» - عکس از صمد فیروزی



نصب تله - عکس از آرش مودی

خود پلنگ‌ها اثر می‌گذارند.»

«دیستمپر» باید جدی گرفته شود

دکتر معماریان بر این باور است که حفاظت از پلنگ‌ها بدون شناخت بیماری‌هایی که می‌تواند حتی نسل آن‌ها را تهدید کند، امکان‌پذیر نیست: «دانشته‌های کنونی حاکی از آن است که دیستمپر سگ‌سانان قابلیت درگیر کردن طیف وسیعی از پستانداران از جمله حتی گربه‌سانان بزرگ را هم دارد. گربه‌سانان بزرگ معمولاً علائم خاصی در این بیماری نشان می‌دهند و در ضمن این بیماری برای آن‌ها به شدت کشنده است. به عنوان مثال در مورد شیر آفریقایی و ببر سیبری تلفات خیلی بالایی از این بیماری گزارش شده که می‌تواند تهدید خیلی جدی حتی برای نسل آن‌ها باشد. در مورد پلنگ هم گزارشات قابل تاملی داریم که از آن جمله می‌توان به فیلمی از یک پلنگ در استان گلستان اشاره کرد. در این فیلم دیده می‌شود که پلنگی خیلی آرام و بدون حالت تهاجمی یا حتی پر خاشگری در بین مردم راه می‌رود و بعد آن را می‌گیرند و در جنگل رها می‌کنند. آنچه که از این فیلم برمی‌آید، به نوعی نشانگر همان علائم بیماری دیستمپر است.»

وی علائم خاص بیماری دیستمپر سگ‌سانان را در گربه‌سانان بزرگ مثل پلنگ این چنین بیان می‌کند: «در گذشته تصور غالب این بود که دیستمپر سگ‌سانان فقط خاص سگ‌سانان است اما اکنون می‌دانیم که این بیماری می‌تواند طیف وسیعی از پستانداران را درگیر کند. چنانچه مواردی را هم در مورد فک‌های خزری داشته‌ایم لذا حساسیت ما الان نسبت به این مساله خیلی زیاد است. علائم این بیماری در سگ‌سانان با گربه‌سانان خیلی متفاوت است. در سگ‌ها علائم بیماری بین جوانترها و پیرترها با یکدیگر فرق دارد ولی در مجموع سگ‌ها در زمان ابتلا به این بیماری اغلب فرم عصبی تنفسی و گوارشی دارند اما در گربه‌سانان بزرگ، حیوان بیش از اندازه آرام می‌شود و خیلی هم سریع یا بعد از چند روز می‌میرد. یک پلنگ یا یک ببر یا یک شیر مبتلا به دیستمپر سگ‌سانان، می‌تواند حتی جثه خیلی خوبی داشته باشد اما این حیوان به شدت و به شکل نامتعارفی آرام است. از آنجایی که پلنگ‌ها از سگ‌های گله تغذیه می‌کنند و با آن‌ها ارتباط دارند لذا این احتمال که دیستمپر، پلنگ را تهدید کند خیلی زیاد است.»

دکتر معماریان در پایان افزود: «در حال حاضر برای انجام آزمایشات مختلف از پلنگ‌ها نمونه خون می‌گیریم اما جدای از این کار از سگ‌های گله‌های اطراف زیستگاه پلنگ‌ها نیز نمونه‌گیری می‌کنیم تا میزان شیوع دیستمپر سگ‌سانان را در این منطقه بررسی کنیم و بعد از آن بتوانیم بر اساس داده‌ها برای حفاظت از پلنگ‌ها راهکارهایی ارائه دهیم. امیدواریم که همه تلاش‌ها مرز دانشته‌های ما را از این گونه ارزشمند به حدی ارتقاء دهد که بتوانیم با اطمینان راسخ‌تری برای حفاظت از آن گام برداریم.»



لاشه‌ی پیدا شده از شکار «کاو» - عکس از صمد فیروزی



لاشه‌ی شکار مربوط به «بردیا» - عکس از عظیم دانشور

نهمین جشنواره‌ی «روز ملی یوزپلنگ ایرانی»



عکس از: محمدعلی رضوانی



فرنوش کوچالی

پارک ملت، میزبان نهمین جشنواره‌ی روز یوز

جلوی دوربین احساس خود را به آن بیان می‌کردند. چهره‌های محبوب مردمی و محیط‌زیستی، مانند سامان گلریز و مهندس درویش (مدیر دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست) و دکتر معماریان (دامپزشک باغ‌وحش تهران)، با قرار گرفتن در مقابل دوربین هفتاد بازمانده، به این کمپین پیوستند.

گرامیداشت روز یوز امسال با نام «نهمین جشنواره‌ی روز یوز» با شرکت تشکلهای محیط‌زیستی، حمایت رسانه‌ها و حضور گسترده‌ی چهره‌های محیط‌زیستی و مردم در روزهای پنجم و ششم شهریورماه، با همکاری شهرداری منطقه‌ی سه تهران، در پارک ملت برگزار شد. طبق روال سال‌های گذشته، اعضای تیم آموزش انجمن با ارائه‌ی بازی‌های آموزشی نظیر یوز و پله، کارت حافظه و پازل گربه‌سانان به آموزش کودکان و نوجوانان پرداختند.

از فعالیت‌های خاص جشنواره‌ی امسال می‌توان به غرفه‌ی کمپین «هفتاد بازمانده»، اجرای پرفورمنس مشکلات یوزپلنگ و چرخ کتاب اشاره کرد که توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد.

غرفه‌ی هفتاد بازمانده

ایده‌ی «هفتاد بازمانده» را بخش آموزش و مشارکت‌های مردمی انجمن ارائه کرد و در نهمین جشنواره‌ی روز ملی یوزپلنگ ایرانی برای اولین بار از آن رونمایی شد. هدف از این کمپین ایجاد فضایی جذاب بود تا بتوان به شکلی جدید آخرین داده‌ها را درباره‌ی وضعیت یوزپلنگ آسیایی به مخاطبان انتقال داد. مردم با شرکت در این کمپین بعد از خواندن واقعیتی درباره‌ی یوزپلنگ،

انجمن یوزپلنگ ایرانی از سال ۱۳۸۶ هرساله در شهر یوزماه جشنواره‌ای به نام «جشنواره‌ی روز ملی یوزپلنگ ایرانی» در یکی از مراکز عمومی تهران و سایر شهرستان‌ها برگزار می‌کند.

اما چرا شهر یوزماه؟ بیست و یک سال پیش در یکی از ظهرهای گرم تابستان، ماریتا، توله‌ی یوز ایرانی، به همراه مادر خود برای نوشیدن آب به سمت چشمه‌ای در یکی از روستاهای استان یزد می‌آید که متأسفانه اسیر ترس و عدم آگاهی مردم می‌شود و، بعد از متواری شدن مادر و کشته شدن خواهر و برادرش، جان سالم به درمی‌برد و باقی عمر خود را به تنهایی در پارک پردیسان تهران سر می‌کند.

۹ شهریور یادآور نجات ماریتا و آغاز قصه‌ی تلخ تنهایی اوست. توله‌یوزی که قربانی ترس و ناآگاهی و خودخواهی ما انسان‌ها شد. اما این اتفاق بهانه‌ای شد برای آن که آگاهی عمومی را به نسبت حیات‌وحش افزایش دهیم تا دیگر شاهد چنین حوادثی نباشیم. با همین هدف، انجمن یوزپلنگ ایرانی ۹ شهریورماه را «روز ملی یوزپلنگ ایرانی» نام‌گذاری کرد و هرساله با ارائه‌ی فعالیت‌های گسترده در تهران و شهرستان‌ها این روز را گرامی می‌دارد.

پرفورمنس مشکلات یوزپلنگ

ایده‌ی این بخش را گروه آموزش‌های مبتنی بر هنر انجمن یوزپلنگ ایرانی، به مدیریت علی خالقی، شکل دادند. هریک از اعضای این گروه یکی از مشکلات یوزپلنگ را به تصویر کشیدند و سعی کردند با استفاده از تاریکی شب، اوضاع مبهم و تیره و نامشخص یوز ایرانی را به نمایش بگذارند.

یوز نامه

چرخ کتاب

دو دوچرخه‌سوار دوره‌گرد با خورجین‌های مملو از کتاب بین کودکان و بزرگسالان بساط کتاب‌خوانی راه می‌انداختند و ساعتی با آن‌ها کتاب‌های محیط‌زیستی می‌خواندند.

عکس از: امیرعلی بختیاری



پوشش رسانه‌ای روز یوز

اخبار ساعت ۲۱ شبکه‌ی یک سیما، شبکه خبر، شبکه‌ی پرس تی‌وی، برنامه‌ی «نما دو» از شبکه‌ی دوم سیما، شبکه‌های رادیویی ایران، جوان، تهران، سلامت و سایت‌های اینترنتی و خبرگزاری‌ها، همه و همه، همراه شدند تا به عموم مردم یادآوری شود که برای حفظ میراث طبیعی این سرزمین همه باید مشارکت کنند.

گرامیداشت روز یوز نهم در سراسر ایران

سحر دادخواه، مسئول روز یوز در شهرستان‌ها



«عوامل خطر آفرین برای یوز و نقش سمن‌ها در حفاظت این گونه»، پاکسازی آبشخور، مسابقه‌ی فوتسال در ابوزیدآباد، اجرای تئاتر تولد یوزپلنگ در شیراز و رونمایی از لباس با طرح یوزپلنگ توسط گروه رفتگران طبیعت استان فارس از جمله برنامه‌های نهمین روز یوز در شهرهای مختلف ایران بود.

حرف آخر

هنوز هم یوزپلنگ‌ها در دشتهای ایران می‌دوند. اما باید بدانیم اگر دست از تلاش بشوییم و لحظه‌ای درنگ نکنیم، ممکن است داستان ماریتا باز هم تکرار شود. سرنوشت بازمانده‌های یوزپلنگ آسیایی در دستان ماست و ما ایرانیان آینده‌ی یوز را رقم خواهیم زد...

اگرچه یوزپلنگ آسیایی تنها در هفت استان ایران باقی مانده است، ۹ شهریور امسال ۱۴ استان کشور میزبان یوزپلنگ‌ها بودند. بدین منظور تیم مجزایی در انجمن، ویژه‌ی ارتباط با شهرستان‌ها، شکل گرفت و تلاش شد زمینه‌های برگزاری هر چه بهتر برنامه‌های این روز به کمک تشکلهای همکار و علاقه‌مندان در جای‌جای ایران با همکاری انجمن یوزپلنگ ایرانی فراهم شود.

برگزاری کارگاه‌هایی در زمینه‌ی آشنایی با محیط‌زیست و گونه‌های جانوری ایران -به‌خصوص یوزپلنگ آسیایی-، مسابقه برای کودکان، نقاشی با موضوع یوزپلنگ، تقدیر از محیط‌بانان نمونه‌ی پارک ملی توران در شاهرود، همایش آشنایی با یوزپلنگ آسیایی، ۲۰ کیلومتر رکاب‌زنی در اصفهان توسط گروه هم‌رکبان آسمان اسپادانا، کارگاه آشنایی با مباحث بازیافت و پسماند، خطرات هم‌زیستی حیات وحش و پسماند، احداث آبشخور در یخاب‌آران و بیدگل و پاکسازی آبشخورهای منطقه، همایشی با نام

عکس از: امیدطاری فرد



عکس از: نگار امیری



عکس از: نگار امیری



عکس از: محمدعلی رضوانی

بررسی وضعیت کفتار راه‌راه در شمال شرق ایران



پوزنامه

آلت تناسلی ماده کفتار شنیده می‌شود. این قبیل ترس‌ها و ناآگاهی‌ها سبب شده اکثر مردم کشورمان با این حیوان رفتار نامناسب و کینه‌توزانه‌ای داشته باشند.

نقش مهم این جانور در طبیعت، کم شدن جمعیت آن، تصادف‌های جاده‌ای، خرافات پیرامون آن، همه و همه، نشان‌دهنده‌ی مظلومیت این گونه است. باهمه‌ی این‌ها، هنوز مناطقی در کشور وجود دارد که جمعیت قابل توجهی از کفتار راه‌راه در آن زندگی می‌کند. اگر برای همین مناطق اندک هم اقدامات لازم حفاظتی و آینده‌نگرانه‌ای طراحی و اجرا نشود، قطعاً ایران هم جای مناسبی برای زندگی این گونه‌ی مفید نخواهد بود.

اولین قدم، برای ارائه‌ی طرح‌های حفاظتی و مراحل اجرایی آن، جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی زیست‌مندان یک محدوده‌ی خاص است. با وجود مشاهده‌ی آثار حضور گونه‌های مختلف، آمار دقیق تعداد گونه‌ها و زمان فعالیت آن‌ها و میزان حداقل گستره‌ی خانگی را فقط عکس و نقاط دوربین‌های تله‌ای به اثبات می‌رساند. بنابراین دوربین‌گذاری مستمر و پایش افراد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

استفاده از تکنولوژی دوربین‌های تله‌ای به محققان و مدیران مناطق این امکان را می‌دهد که از زیست‌مندان یک محدوده‌ی مطالعاتی خاص آمار نسبتاً دقیقی داشته باشند تا بتوانند طرح‌های حفاظتی نزدیک به واقعیتی برنامهریزی کنند. دوربین‌های تله‌ای ابزاری کارآمدند که باعث افزایش فعالیت محیط‌بانان می‌شوند. با استفاده از عکس‌های دوربین‌های تله‌ای می‌توان آموزش رادر جوامع

کفتار راه‌راه، گونه‌ای مظلوم و کمتر شناخته‌شده، در ایران هم زندگی می‌کند. این گونه عمدتاً لاشه‌خوار است و این عادت غذایی آن را به رفتگر طبیعت معروف کرده است. در واقع کفتارها از باقیمانده‌ی شکار سایر گوشتخواران تغذیه می‌کنند و با این کار طبیعت را پاک‌سازی می‌کنند. این گونه در رأس هرم غذایی قرار دارد و نقشی کلیدی در کنترل آلودگی و پاک‌سازی محیط زیست دارد. نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی کفتار راه‌راه این است که نبود آن در طبیعت می‌تواند توازن اکولوژیکی

اکوسیستم را برهم زند. یک ارزیابی از اطلاعات منتشر شده نشان می‌دهد که کفتار راه‌راه هم‌اکنون در بسیاری از نقاط منقرض شده و اندازه‌ی جمعیت آن به طور کلی کاهش چشمگیری داشته است. از دلایل اصلی این کاهش کمبود منبع غذایی است که به علت کاهش جمعیت دیگر گوشتخواران اتفاق افتاده است.

کفتار راه‌راه ترس‌های خرافاتی زیادی را تداعی می‌کند. متأسفانه، در کشور ما، به علت کمبود اطلاعات در مورد این نوع کفتار و عدم شناخت مردم از این گونه و عادات و رفتار آن، شایعه‌هایی واهی و ترس‌بی‌دلیل از این جانور وجود دارد که آدم‌دزدی، بچه‌خواری و خون‌آشام بودن از آن جمله است. همچنین، در برخی مناطق، خرافاتی درباره‌ی خوش‌یمن بودن

آدم‌دزدی، بچه‌خواری و خون‌آشام بودن از جمله تهمت‌هایی است که به کفتار نسبت می‌دهند. همچنین، در برخی مناطق، خرافاتی درباره‌ی خوش‌یمن بودن آلت تناسلی ماده کفتار شنیده می‌شود.

این پژوهش در قالب پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد است و در آن، با استفاده از نرم‌افزارهای آماری، علاوه بر تخمین اندازه‌ی جمعیت و تراکم گونه‌ی کفتار راه‌راه، تعامل این گونه با سایر گوشتخواران بررسی می‌شود تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا این جانور مطلقاً لاشه‌خوار است؟

محلی از حالت شنیداری به دیداری تبدیل کرد و با ایجاد حس مالکیت در آنان محیط‌بانان را در امر حفاظت یاری کرد. این دوربین‌ها تاریخ و ساعت هر عکس را ثبت می‌کنند و به کاربر این امکان را می‌دهند که محدوده و زمان فعالیت، رژیم غذایی، اکولوژی رفتار و تعامل گونه‌ها را با یکدیگر بهتر و دقیق‌تر بشناسد و اندازه‌ی جمعیت و تراکم گونه‌هایی

منطقه، راه‌های دسترسی، حدود قلمروی گونه‌ی هدف، منابع مورد نیاز گونه‌ها و داشتن امنیت کافی در منطقه متفاوت است. برای برآورد دقیق، دوربین‌ها باید به شکلی در منطقه پخش شوند که همه‌ی افراد توی مقابل دوربین قرار گرفتن شانس برابر داشته باشند.

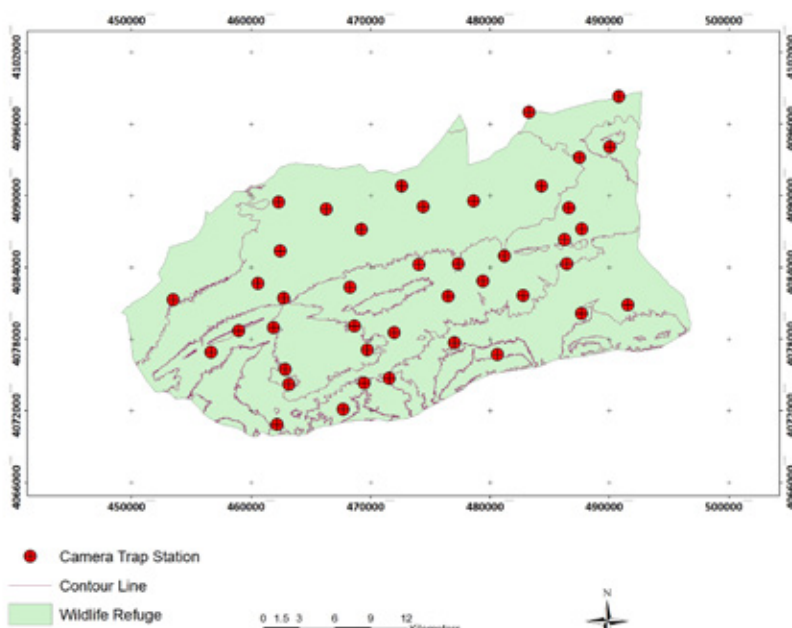
شناسایی افراد کفتار (Station)



مثل کفتار راه‌راه را شناسایی کند. این پژوهش در قالب پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد است و در آن، با استفاده از نرم‌افزارهای آماری، علاوه بر تخمین اندازه‌ی جمعیت و تراکم گونه‌ی کفتار راه‌راه، تعامل این گونه با سایر گوشتخواران بررسی می‌شود تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا این جانور مطلقاً لاشه‌خوار است؟

یکی دیگر از جنبه‌های جالب این تحقیق مقایسه‌ی زیستگاه دشتی و کوهستانی است که کفتار در هر دو آن‌ها زندگی می‌کند. پناهگاه حیات وحش میاندشت و پارک ملی ضامن‌آهو، به عنوان زیستگاه دشتی، و محدوده‌ی امن پناهگاه حیات وحش نایبندان، به عنوان زیستگاه کوهستانی، جزو محدوده‌ی مطالعاتی این پژوهش در شمال شرق ایران هستند. روش‌های استفاده از دوربین‌های تله‌ای بسته به توپوگرافی

با توجه به هدف پروژه، برآورد جمعیت کفتار راه‌راه، تمام عکس‌های این گونه دسته‌بندی می‌شود. به علت محدود بودن دسترسی به دوربین‌های تله‌ای در ایران، فقط امکان نصب یک دوربین در یک ایستگاه وجود دارد. بنابراین با توجه به مسیر حرکت این حیوان، تنها یک سمت بدن را مبنای شناسایی قرار می‌دهیم. الگوی خاص بدن کفتارها مثل اثر انگشت انسان است. با استفاده از این الگو افراد شناسایی و شناسنامه‌دار می‌شوند. سپس، داده‌ها بر اساس فرمت نرم‌افزارها مرتب و به نرم‌افزار معرفی می‌شوند. با تفسیر خروجی نرم‌افزارها تصویر واضح‌تری از وضعیت کفتار راه‌راه در محدوده‌ی مطالعاتی به دست می‌آید. از آنجایی که به تازگی کار میدانی این پژوهش به پایان رسیده، فقط می‌توان به تعداد کفتارهای شناسایی شده اشاره کرد که در میاندشت ۷ فرد و در نایبندان ۴ فرد است. امید است در شماره‌ی آینده‌ی یوزنامه شاهد اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری باشیم.



نقشه‌ی منطقه (Camera Trap Station)

عکس برداری از گربه پالاس در پارک ملی ساریگل و پارک ملی سالوک



گربه پالاس در پارک ملی ساریگل

بوزنامه

مسیر حرکت این جانور باعث شده که دوربین‌های تله ای ابزار کارآمدی برای بررسی وضعیت این گونه نباشند و تعداد تصاویری که در کشور های مختلف با استفاده از این دوربین های خودکار گرفته شده است، شاید به ۱۰ مورد هم نرسد.

تازه ترین عکس های به دست آمده از گربه پالاس در پاییز ۱۳۹۴ توسط یکی از دوربین های نصب شده انجمن یوزپلنگ ایرانی در پارک ملی ساریگل به دست آمده است. این گربه پالاس که با کنجکاوای دوربین تله ای را مورد بررسی قرار می دهد، پس از دقایقی از محل دور می شود.

اما چند روز بعد گربه پالاس دیگری در قلاب دوربینی دیگر در پارک ملی سالوک ظاهر می شود. کادر بندی بسیار خوب و زیبایی منحصر به فرد گربه پالاس، این عکس را بسیار دیدنی کرده است. پیش از این نیز در ساریگل گربه پالاس توسط محیط بانان و کارشناسان منطقه، مشاهده و تصویر برداری شده بود. لازم به ذکر است که این عکس ها در جریان پروژه پلنگ شمال شرقی ایران به دست آمده است.

کرمان نیز گزارش شده است. گربه پالاس عمدتاً در مناطق استپی مرتفع آسیای مرکزی و غربی زندگی کرده و صخره ای-کوهستانی بودن زیستگاهش باعث شده که به ندرت در طبیعت مشاهده شود. با این حال، در سال های اخیر، به صورت فزاینده ای در مناطق مختلف کشور رویت شده است. جثه کوچک و غیر قابل پیش بینی بودن

گربه پالاس در پارک ملی سالوک





لوکوموتیوران ناجی یوزپلنگ

**دو یوزپلنگی که در حال
عبور از ریل قطار بودند با
هوشیاری لوکوموتیورانان
قطار مشهد از مرگ حتمی
نجات پیدا کردند.**

◀ محمد گائینی

خبری که ثابت می کند فرهنگ سازی عمومی و اطلاع رسانی گسترده به صورت مستقیم هم می تواند در نجات حیات وحش موثر باشد. جهان آباد مرز بین استان های سمنان و خراسان شمالی است. با توجه به گزارش مهاجرت های یوزپلنگ آسیایی بین مناطق مختلف که در جریان برنامه پایش ملی یوزپلنگ آسیایی به ثبت رسیده است و همچنین قرار گرفتن این منطقه بین پناهگاه حیات وحش میاندشت و پارک ملی توران، این احتمال وجود دارد که این منطقه یکی از کوریدورهای یوزپلنگ آسیایی باشد.

اوایل پاییز در مسیر تهران - مشهد، حسین زارعی لوکوموتیوران قطار مسافری در نزدیکی ایستگاه جهان آباد، متوجه حیوانی بر روی ریل قطار می شود.

زارعی مواجهه اش با حیوان را چنین توصیف می کند: حدود ساعت ۹ شب در راه مشهد به تهران و نزدیکی ایستگاه جهان آباد بودیم که ناگهان بر روی ریل متوجه دو چشم شدم که برق میزد اول فکر کردیم گربه است اما جثه آن بزرگتر و کشیده تر از گربه های معمولی بود. سعی کردم با صدای بوق حیوان را بترسانم اما حیوان میخکوب شده بود، چون فاصله کم بود ترمز کردم و سرعت قطار کم تر شد، پروژکتور قطار را که نور بسیار زیادی دارد برای چند ثانیه خاموش کردم. گویا این کار باعث شد که حیوان فرصت فرار پیدا کند. بعد که به محل رسیدیم دو یوزپلنگ را در کنار خط دیدیم که در حال فرار بودند. با توجه به اهمیت موضوع بلافاصله به آقای شاکری در ایستگاه جهان آباد و اداره حفاظت محیط زیست جاجرم گزارش دادیم.

زارعی افزود: برای من زندگی تمام مخلوقات خدا ارزشمند است و به همین دلیل در تمام مسیرها حواسم را جمع می کنم که در مسیر خط آهن، زندگی جاندار را نگیرم و خوشحالم که این بار زندگی یکی از با ارزش ترین حیوانات وحشی ایران را نجات دادیم.

علی ساغری کمک آقای زارعی در این قطار می گوید: از قبل می دانستم که این منطقه یوزپلنگ دارد و درباره آن زیاد شنیده بودم. از طریق تلویزیون نیز بارها تصویر یوزپلنگ را دیده بودم اما این اولین باری بود که یوزپلنگ را از نزدیک می دیدم و خوشحالم که با آن برخورد نکردیم.

حسین هراتی رییس پارک ملی ضامن آهو که نقش عمده ای در انتشار این خبر داشت در این رابطه می گوید: بدون شک اطلاعات خوب این دو لوکوموتیوران و شناخت مناسب از رفتار گربه سانان، عامل اصلی نجات یوزپلنگ ها در این اتفاق بوده است.

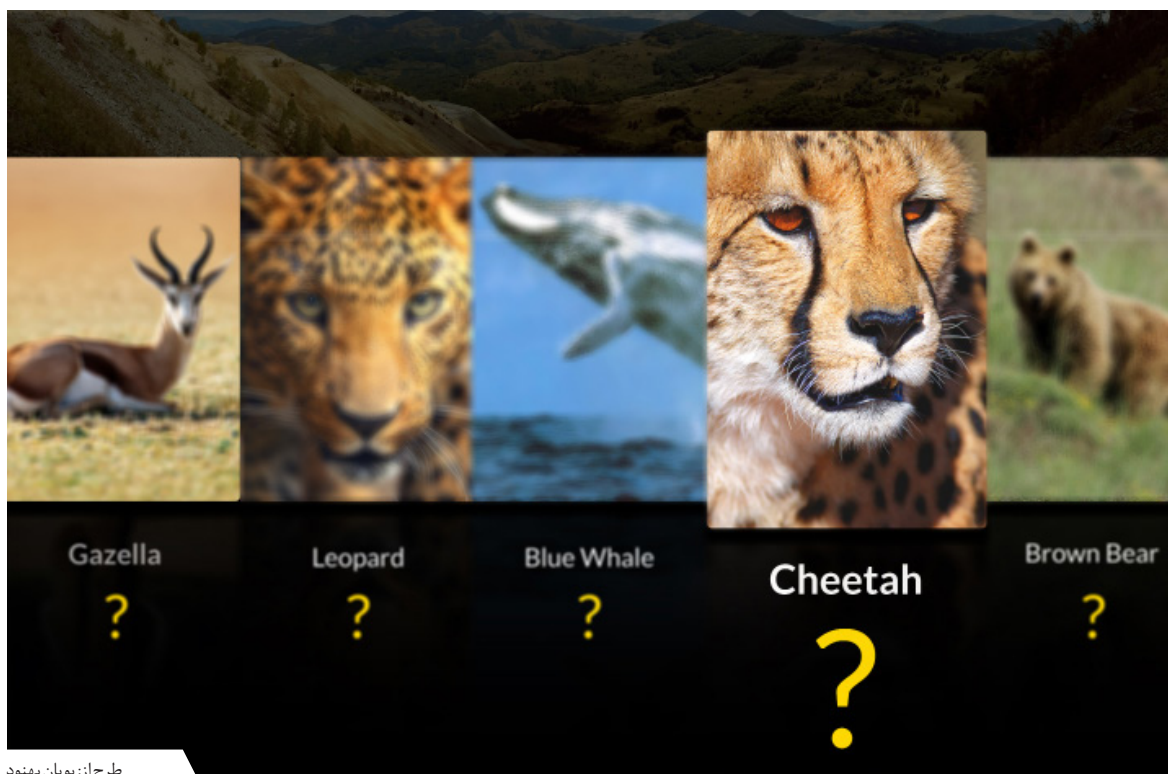
شماره ۲۲

ناجیان یوز، قهرمان هفته از نگاه مردم



در برنامه تلویزیونی پایش که از شبکه یک سیما پخش می شود، از میان ۳ موضوع مطرح شده، آقای زارعی لوکوموتیوران قطار تهران مشهد که با هوشیاری خود از تصادف با دو یوزپلنگ جلوگیری کرد بارای مردم به عنوان قهرمان ملی هفته انتخاب شد.

با منابع محدود، به کدام پستانداران باید توجه بیشتری نشان داد؟



پوزنامه

طرح از: پویان بهنود

حفاظتی را در ایران تشکیل می‌دهند. جوندگان و خفاش‌ها بیشترین درصد از گونه‌های با امتیاز بالای حفاظتی را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، در مجموع، چهل‌وسه عنوان پایان‌نامه در مقطع تحصیلات تکمیلی رشته‌ی محیط‌زیست (کارشناسی ارشد و دکتری) بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ درباره‌ی پستانداران با امتیاز بالای حفاظت انجام شده است و سمداران و گوشتخواران به ترتیب با ۲۴ و ۱۲ عنوان، بیشترین تعداد پایان‌نامه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین تعداد پایان‌نامه‌ی اجرا شده برای پستانداران، با اولویت بالای حفاظتی، مربوط به پژوهش‌های زیستگاهی و سپس بوم‌شناسی است. همچنین، بررسی‌ها نشان داد که بیشترین طرح‌های حمایت‌شده توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست به سمداران و گوشتخواران اختصاص یافته است. بر همین اساس، ضمن تأیید تناسب تلاش‌های صورت گرفته در قالب طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های اجرا شده با اولویت گونه‌های مهم، به‌ویژه به منظور تکمیل شکاف اطلاعاتی موجود در آن‌ها، لزوم توجه به پستانداران کوچک‌جثه مانند جوندگان، خفاش‌ها و حتی گوشتخواران کوچک‌جثه مورد بحث قرار گرفت.

جهت دریافت مقاله‌ی منتشرشده از نتایج این پژوهش به سایت انجمن یوزپلنگ ایرانی به آدرس wildlife.ir مراجعه فرمایید.

امروزه، حدود یک‌چهارم از پستانداران موجود جهان در معرض خطر انقراض قرار دارند. فقدان راهبرد مناسب حفاظتی منجر شده است به اختصاص نامتناسب منابع حفاظتی به شمار اندکی از گونه‌های بزرگ‌جثه و غفلت از سایر گونه‌های حائز اهمیت در پستانداران. با وجود آن که گونه‌های کوچک‌جثه بیشترین تنوع گونه‌ای پستانداران ایران را به خود اختصاص داده است (بیش از ۱۵۰ گونه)، بیشتر پژوهش‌ها، با رویکرد بوم‌شناسی و حفاظت، بر گونه‌های بزرگ‌جثه متمرکز بوده و گونه‌های کوچک‌جثه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به همین دلیل انجمن یوزپلنگ ایرانی، گروه محیط‌زیست دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران و دفتر حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست، با هدف اولویت‌بندی حفاظتی پستانداران در ایران بر مبنای تلفیق دو فاکتور تمایز تکاملی و وضعیت حفاظتی آن‌ها، پژوهشی انجام داد تا بتوان تصویری منطقی برای تخصیص منابع موجود، در راستای تضمین بقای بلندمدت گونه‌های پستانداران، ارائه داد. این فعالیت‌ها در قالب طرح‌های پژوهشی سازمان حفاظت محیط‌زیست و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها ارزیابی می‌شوند و اولویت‌های پژوهشی آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند.

در این مطالعه، ۵۰ گونه با امتیاز بالای حفاظتی معرفی شد که یوزپلنگ آسیایی و خرس سیاه و گاو دریایی، به ترتیب، گونه‌های با اولویت بالای

آهوهای جزیره خارگ



عکس ها از: حمیدرضا (پیمان) نوروزی

شماره ۲۲

خارگ، جزیره‌ای است به وسعت ۳۲ کیلومتر مربع و جمعیت بومی ۸۰۰۰ نفر و واقع در ۴۶ کیلومتری غرب بوشهر. این جزیره مخازن عظیم نفت و گاز را در خود جای داده است و در میان تمام ذخایر طبیعی انرژی، زیستگاه مناسبی برای آهوهای ایرانی نیز هست. با حمایت مردم بومی و کارکنان صنعت نفت و محیط زیست، زیستگاه آرام و مناسبی به دور از دست سودجویان و شکارچیان برای آهوهای ایرانی فراهم شده است. در سرشماری‌ای که محیط زیست استان بوشهر در سال ۱۳۹۲ انجام داد، ۴۱۱ عدد آهو شمارش شدند که ۲۰۳ عدد آن‌ها نر و مابقی ماده بوده‌اند.

بقای پلنگ‌های ایرانی در قفقاز در گروه همکاری‌های منطقه‌ای

گزارش پیش رو بخشی از مقاله زیر است:

Farhadinia et al. (2015) Leveraging trans-boundary conservation partnerships: Persistence of Persian leopard (Panthera pardus saxicolor) in the Iranian Caucasus. Biological Conservation 778-770, 191.



احسان محمدی مقانکی

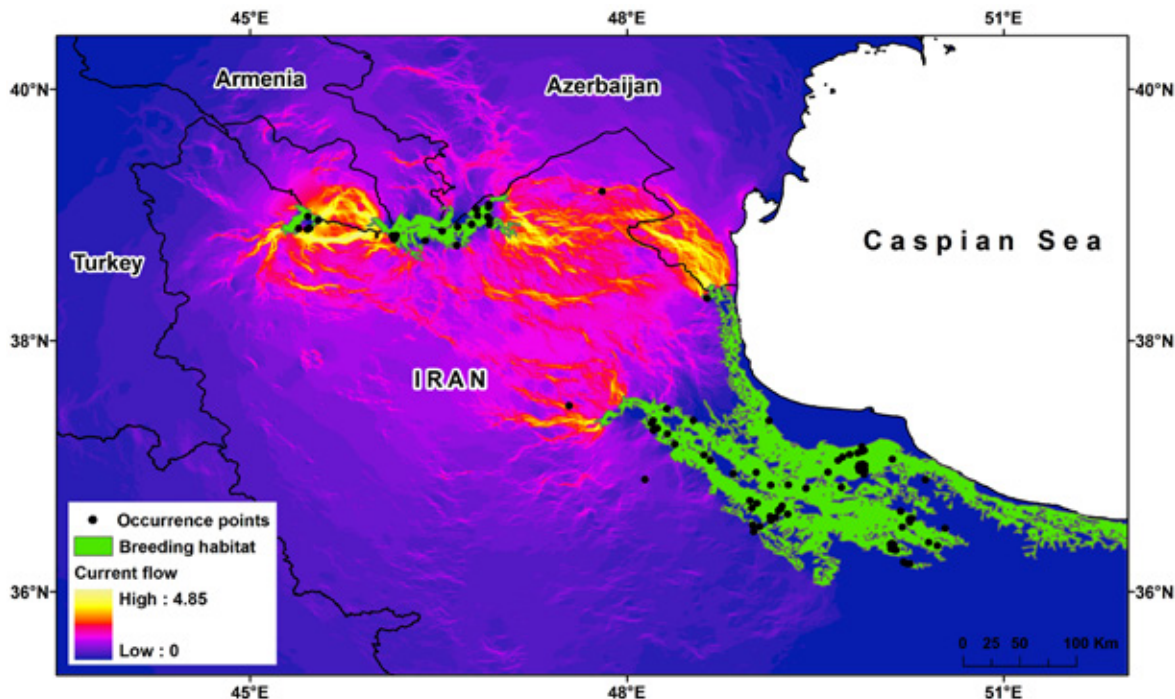
بوز نامه

گونه‌های کمیاب، ارزیابی پراکنش گونه‌ها در عرصه‌های ناشناخته، تخمین اندازه‌ی جمعیت در پهنه‌های وسیع جغرافیایی، اولویت‌بندی مناطق برای حفاظت و ارزیابی تأثیرات احتمالی تغییرات اقلیمی بر پراکنش گونه‌ها استفاده می‌شود. در این مطالعه تلاش شد ضعف دانش موجود پیرامون پراکنش بالقوه‌ی پلنگ ایرانی در شمال غربی کشور با کمک این روش‌ها ارزیابی شود. نتایج این مطالعه نشان داد که عوامل مؤثر بر پراکنش پلنگ ایرانی در منطقه‌ی قفقاز ایران شامل ناهمواری، دمای فصلی، شاخص پوشش گیاهی، دمای متوسط سالانه، مزاحمت‌های انسانی و نسبت زیستگاه‌های موزائیکی بوته‌زار-جنگلی است. با توجه به پارامترهای اقلیمی، مشخص شد که مناطق با اختلاف دمایی پایین در طول سال، که میانگین دمای متوسط سالانه‌ی آن بین ۱۰-۱۵ درجه‌ی سانتی‌گراد است، بالاترین احتمال حضور پلنگ ایرانی را دارند. با توجه به نتایج مدل مطلوبیت زیستگاه نهایی، محدوده‌ای به وسعت تقریبی ۲۳۸۰۹ کیلومتر مربع به عنوان زیستگاه مناسب برای پلنگ، در محدوده‌ی قفقاز ایران، محاسبه شد که ۱۶/۳ درصد از منطقه‌ی مطالعاتی (شامل استان‌های قزوین، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی) را شامل می‌شود. با حذف لکه‌های

مدل‌های پراکنش گونه‌ای (Species distribution models) کاربرد گسترده‌ای در مدیریت حیات‌وحش دارد. در روش‌های مدلسازی پراکنش می‌توان در مقیاس وسیع به تخمینی از مطلوبیت زیستگاه قابل اشغال گونه‌های حیات‌وحش دست یافت. برای حفاظت از گونه‌های در خطر، مانند پلنگ ایرانی، باید بدانیم که این گونه چه مکانی را ترجیح می‌دهد و برای بقا چه احتیاجاتی دارد. این اطلاعات در انتخاب زیستگاه گونه‌نیز مؤثر بوده و برای پژوهشگران و مدیران حیات‌وحش بسیار ارزش و کاربردی است. از این ابزار به شکل گسترده‌ای در شناسایی زیستگاه‌های مناسب برای

به جز ایران، تنها جمعیت‌های بسیار کوچکی از پلنگ در برخی کشورهای محدوده‌ی قفقاز باقی مانده‌اند که جمعیت‌های حاشیه‌ای در نظر گرفته می‌شوند. در ایران گمان می‌رود که جمعیت به نسبت بزرگ‌تری در شمال غرب کشور زیست می‌کند که تنها جمعیت زایای قفقاز به شمار می‌رود

منطقه‌ی قفقاز یکی از ۲۵ «نقطه‌ی داغ» دنیا از نظر تنوع زیستی است که دربرگیرنده‌ی کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، بخش‌هایی از جنوب روسیه، شمال شرقی ترکیه و شمال غربی ایران می‌شود. پلنگ ایرانی یکی از گونه‌های کلیدی برای حفاظت از این عرصه است که در گذشته در بخش وسیعی از مناطق کوهستانی و تپه‌ماهوری این محدوده حضور داشته است. تراکم پلنگ در این محدوده از اواسط دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی رو به کاهش گذاشت و در نهایت به قرارگیری پلنگ در طبقه‌ی «درخطر» فهرست سرخ اتحادیه‌ی جهانی حفاظت از طبیعت منجر گردید. به جز ایران، تنها جمعیت‌های بسیار کوچکی از پلنگ در برخی کشورهای محدوده‌ی قفقاز باقی مانده‌اند که جمعیت‌های حاشیه‌ای در نظر گرفته می‌شوند. در ایران گمان می‌رود که جمعیت به نسبت بزرگ‌تری در شمال غرب کشور زیست می‌کند که تنها جمعیت زایای قفقاز به شمار می‌رود. در سال‌های گذشته، تلاش قابل ملاحظه‌ای برای حفاظت از پلنگ در محدوده‌ی قفقاز شده است. اما در ایران ارزیابی حفاظتی مناسبی از جمعیت پلنگ و تهدیدهای اصلی آن صورت نگرفته است و کمبود اقدامات کارآمد حفاظتی مشهود به نظر می‌رسد.



پلنگ در کوه‌های قفقاز کوچک، پیشنهاد می‌کنیم که پهنه‌ی مرزی، شامل مناطق حفاظت‌شده‌ی ارسباران و کیامکی و دیزمار و مراکان، در چارچوب یک واحد مدیریتی دیده شوند و تلاش‌ها معطوف به حفاظت از اتصال زیستگاه‌های مناسب بین این مناطق باشد. خوشبختانه بیشتر این پهنه در حال حاضر تحت حفاظت سازمان محیط زیست قرار دارد. بنابراین تمرکز باید بر اعمال قانون و مبارزه با شکار غیرمجاز باشد تا جمعیت‌های پایدار از سمداران به عنوان طعمه‌ی اصلی پلنگ در این عرصه شکل گیرند.

مطالعه‌ی پیش رو بخشی از طرحی با عنوان «طرح ریزی حفاظتی برای پلنگ ایرانی در قفقاز ایران» است که به صورت رسمی از خردادماه ۱۳۹۴ زیر نظر و تحت حمایت دفتر تنوع زیستی و حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست آغاز به کار کرده است. مقاله‌ی اشاره شده حاصل همکاری پژوهشگران انجمن یوزپلنگ ایرانی و دانشگاه آکسفورد انگلستان با کارشناسان اداره‌های کل حفاظت محیط زیست استان‌های قزوین و گیلان بوده است.

شناسایی شد. با این حال، کیفیت پایین زیستگاه و تمرکز بالای فعالیت‌های انسانی این کریدور را تهدید می‌کند.

پهنه‌ی مرزی مناسب پلنگ ایرانی همراه با مناطق مناسب در جنوب جمهوری آذربایجان و ارمنستان میزبان جمعیت کوچکی برابر با تنها حدود ۱۰ عدد پلنگ است که جمعیت زنگزور-کیامکی نامیده می‌شود. همین جمعیت بسیار کوچک احتمالاً بخش مهمی از جمعیت پلنگ‌های مناطق کوهستانی در قفقاز کوچک به شمار می‌رود. به منظور حمایت از زیستایی پلنگ در این پهنه، حفاظت از کریدورهای موجود میان غرب البرز و محدوده‌های مرزی بسیار مهم است، چرا که لازمه‌ی آن پشتیبانی از جابه‌جایی آزادانه‌ی پلنگ‌ها در دو سوی مرزها از طریق جنوب جمهوری آذربایجان است. در دهه‌ی گذشته سه فرد پلنگ در مناطقی که این دو پهنه را به هم متصل می‌کنند شناسایی شدند که همگی نرهای بالغ بودند (دو فرد از کوه‌های تالش آذربایجان و دیگری که در گرمی اردبیل کشته شد). این گزارش‌ها می‌تواند نشان دهنده‌ی حضور گاه و بی‌گاه پلنگ‌ها بین این دو زیستگاه مناسب اصلی باشد. برای افزایش حداکثری شانس بقای

کوچک‌تر از ۲۵۰ کیلومتر مربع برای شناسایی زیستگاه‌های زادآور، سه لکه‌ی زیستگاهی، با مجموع وسعت ۲۰۰۲۶/۹ کیلومتر مربع، برای جمعیت‌های زادآور پلنگ ایرانی مناسب شناسایی شدند. در طول این مطالعه، اطلاعات مربوط به زادآوری پلنگ ایرانی در ۶ نقطه ثبت شد که همگی داخل مناطق حفاظت‌شده قرار داشتند. نزدیک به ۳۰ درصد از زیستگاه‌های مناسب زادآوری را سازمان حفاظت محیط زیست تحت عنوان مناطق حفاظت‌شده‌ی چهارگانه محافظت می‌کند. تنها ۱۰ درصد از محدوده‌ی مناسب در مناطق مرزی با کشورهای ارمنستان، آذربایجان و ترکیه قرار دارد (پهنه مرزی). در حالی که ۹۰ درصد در بخش‌های داخلی ایران هستند (پهنه البرز).

نقشه‌ی به دست آمده از بررسی ارتباط زیستگاهی، نشان دهنده‌ی ارتباط قوی در محدوده منطقه مرزی تالش بین ایران و جمهوری آذربایجان است. به علاوه، هیچ ارتباط مستمری بین دو لکه‌ی زیستگاهی اصلی در ایران شناسایی نشد. تنها اتصال محتمل بین پهنه‌های مرزی و البرز از طریق جنوب کشور جمهوری آذربایجان



تامین آب برای یوزپلنگ ها در تابستان ۱۳۹۴

برای تامین هزینه از مردم کمک خواسته
شد و با حمایت گسترده و سریع دوستداران
حیات وحش، در مدت ۱۰ روز مبلغ مورد نیاز
تامین و به رییس پارک تقدیم شد.

منطقه و همچنین دو پاسگاه دوشاخ و ضامن آهو، به صورت دستی و
توسط تانکر ۴۵۰۰ لیتری تامین می شود.
هر بار آبرسانی به وسیله تانکر، توسط محیط بانان منطقه انجام می
شود. از طرفی بر اساس استانداردهای جهانی، به ازای هر ۲،۰۰۰ هکتار
عرصه خشکی، به یک محیط بان نیاز است. این در حالی است که پارک
ملی ضامن آهو و پناهگاه حیات وحش میاندشت، با ۸۴،۴۳۵ هکتار
وسعت، توسط ۷ محیط بان در دو شیفت حفاظت می شود. با این
میزان کمبود نیرو، مشغول شدن یک محیط بان فقط برای انتقال آب،
حفاظت فیزیکی منطقه را دچار مشکل می کرد.

حل مشکل با کمک علاقمدان حیات وحش

اداره حفاظت از محیط زیست شهرستان
جاجرم، تصمیم گرفت به جای محیط بان، از
یک فرد بومی و مورد اطمینان برای آبرسانی
به منطقه کمک بگیرد. فرد مذکور از ابتدای
اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ شروع به کار کرد و مدت
شش ماه این تلاش ادامه داشت.

برای تامین دستمزد آبرسان میاندشت از مردم
کمک خواسته شد که خوشبختانه با حمایت
گسترده و سریع دوستداران حیات وحش در
مدت ۱۰ روز مبلغ مورد نیاز تامین و به رییس
پارک تقدیم شد.

حسین هراتی رییس اداره محیط زیست جاجرم
با ارسال نامه به حامیان یوزپلنگ ایرانی، ضمن
تشکر از ایشان، گزارشی از نحوه آبرسانی در طول
ماه های گرم سال را ارائه کرده است.

خوشبختانه دوربین گذاری های میاندشت
ادامه پیدا کرد و در همین ماه های گرم سال
تصاویر یک خانواده جدید یوزپلنگ آسیایی پای
آبشخورها به ثبت رسید که بدون شک نتیجه
مستقیم این اقدام و حمایت مردمی است.

پارک ملی ضامن آهو و پناهگاه حیات وحش میاندشت یکی از بهترین
زیستگاه های یوزپلنگ آسیایی است که هم اکنون حداقل دو خانواده
یوز در آن زندگی می کنند. خوشبختانه تلاش های شبانه روزی محیط
بانان باعث شده است تا منطقه از آرامش و امنیت خوبی برخوردار
باشد. منطقه ای دشتی و خشک با میزان بارندگی سالانه ۱۲۰ تا ۱۶۰
میلیمتر.

میاندشت منابع آبی مختلفی دارد که آب مورد نیاز ۱۰ آبشخور مهم

یوز نامه

عکس ها از: انجمن یوزپلنگ ایرانی، اداره کل محیط زیست خراسان شمالی، پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی



احداث آبشخور به عنوان مهریه

گاهی موضوعی شخصی بازتاب ملی پیدامی کند و فراتر از انتظار تأثیر گذار می شود. تصمیم مدیر گروه ابرو و برنامه های آموزشی انجمن یوزپلنگ ایرانی برای مهریه اش خیلی ها را تحت تأثیر قرار داد.

یکی از اعضای انجمن یوزپلنگ ایرانی مهریه اش را ساخت آبشخور در یکی از پناهگاه های حیات وحش ایران تعیین کرد.

وی، که تمایلی به اعلام نام خود ندارد، درباره ی این تصمیم می گوید: «با دیدی وسیع تر، می توانیم به مهریه نگاه خودخواهانه نداشته باشیم و آن را به کار خیر، از جمله برای انسان های نیازمند، اختصاص دهیم و یا آن را صرف حفظ محیط زیست کشور کنیم.» وی اعتقاد دارد که با ساخت آبشخور برای حیوانات حیات وحش و رهایی آنها از تشنگی، کائنات خیر و برکت بسیاری را به زندگی مشترکشان سرازیر خواهد کرد.

شکل گیری ایده

او می گوید: «هنگامی که تصمیم به ازدواج گرفتم، یکی از همکارانم گفت تو که این همه دوستدار محیط زیست هستی، مهریه ات چیست؟ همان لحظه به ساخت یک آبشخور فکر کردم، زیرا برای مسئله ی آب اهمیت زیادی قائل هستم.»

این عضو فعال انجمن یوزپلنگ ایرانی، در پاسخ به این سؤال که چه عاملی موجب شده چنین تصمیمی بگیرد، می گوید: «از کودکی به حیوانات علاقه ی بسیار داشتم، در سال های اخیر برای کسب اطلاعات بیشتر به فضای مجازی، از جمله سایت "فروم لاک پشتی"، مراجعه می کردم که با دکتر ایمان معماریان، دامپزشک حیات وحش، آشنا شدم و پی بردم



شماره ۲۲

پرورش گل و گیاه مشغول است و در کنار آن به پرورش حیوانات خانگی هم می پردازد.

احداث آبشخور در زیستگاه یوزپلنگ ایرانی

وی در رابطه با هزینه و چگونگی انجام کار می گوید: «برای احداث آبشخور با کارشناسان انجمن یوزپلنگ ایرانی مشورت کردیم و آن ها هزینه ی احداث هر آبشخور را، پس از بررسی، هفت میلیون تومان اعلام کردند. این مبلغ با ذکر جزئیات احداث در دفتر سند ازدواج در دفتر خانه ثبت شده است. این آبشخور در یکی از زیستگاه های یوزپلنگ ایرانی ساخته خواهد شد.»

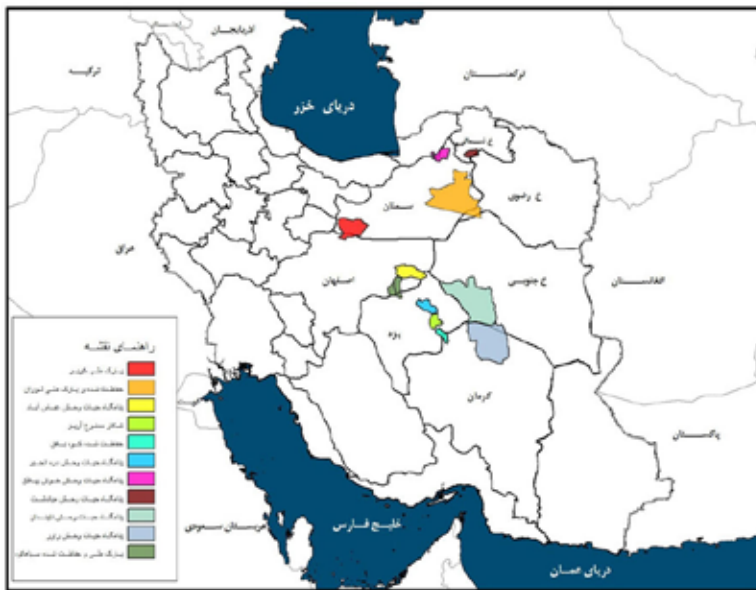
انجمن یوزپلنگ ایرانی، ضمن تبریک به این زوج دوستدار حیات وحش کشور، حرکت و اقدام ارزنده ی این دو عزیز را راجع نهاد و برای ایشان در تمام مراحل زندگی شان خوشبختی و شادکامی را آرزو می کند.

که هر گونه از لاک پشت ها در زیستگاه خاص خود در اقصی نقاط دنیا زندگی می کنند. متوجه شدم که لاک پشت های گوش قرمزی که در هشت سال گذشته نگهداری می کردم متعلق به اطراف رود می سی سی پی هستند و رهاسازی آنها در داخل کشور می تواند به اکوسیستم ماصدمه بزند.»

وی افزود: «از سال ۱۳۷۸ به طور جدی پیگیر مسائل زیست محیطی بودم، به طوری که در سال ۱۳۹۲ همیار باغ وحش ارم و بعد از آن همیار کلینیک بازپروی حیات وحش پارک پردیسان شدم. در کنار آن، با علاقهای که داشتم، در فضای مجازی اطلاعاتم را درباره ی حیوانات افزایش می دادم. در همین زمان با انجمن یوزپلنگ ایرانی آشنا شدم و فعالیتیم را به عنوان آموزشگر در این انجمن آغاز کردم.»

همسر این بانوی محیط زیستی نیز از علاقه مندان به حیات وحش است. او به کار

مناطق که در آن‌ها مطالعات قابل توجهی در مورد یوزپلنگ آسیایی انجام شده است



دره انجیر، شاهراه ارتباطی یوزپلنگ‌ها در کویر مرکزی ایران

نوید قلی‌خانی

یوزنامه

می‌کرد. سه توله (اردلان، ارسلان و اردوان) هم‌اکنون در دره‌انجیر حضور دارند.

- موقعیت استراتژیک دره‌انجیر در استان یزد:

پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر بین چهار منطقه‌ی استان یزد، که تصاویر متعددی از یوزپلنگ در آن‌ها گرفته شده، مهم‌ترین پل ارتباطی است. به طوری که تقریباً تمام یوزپلنگ‌های استان یزد از دره‌انجیر عبور کرده‌اند. یادار آن ساکن هستند. در حال حاضر بیشترین تعداد یوزپلنگ استان یزد (حداقل ۴ یوز نر) در زیستگاه دره‌انجیر حضور دارند.

- مهاجرت بین‌نابینان و دره‌انجیر: آن‌چه کارشناسان در مورد کریدورها و اهمیت آن‌ها برای بقای یوزپلنگ آسیایی دریافته بودند با ثبت یک مهاجرت عظیم دو چندان شد. از یک یوزپلنگ نر که برای اولین بار در پناهگاه حیات وحش نابیندان تصویربرداری شده بود، حدود ۲ سال بعد در دره‌انجیر و پس از ۶ ماه مجدداً در نابیندان تصویربرداری شد. این موضوع اهمیت جابه‌جایی برای یوزپلنگ رادر قلب کویر و نقش استراتژیک این منطقه را نشان می‌دهد.

تمامی مناطق در این استان قابلیت بالایی برای زیستن یوزپلنگ آسیایی دارند، اما در چهار منطقه بیش از سایر مناطق مطالعه انجام شده دارای نتایجی شایان ذکر است. این چهار منطقه شامل پارک ملی و منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی سیاهکوه، پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر، منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی کوه بافق و منطقه‌ی شکار ممنوع آریز است.

اهمیت پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر در شاهراه ارتباطی:

در بین این چهار منطقه، پناهگاه حیات وحش دره‌انجیر، بر اساس آخرین نتایج مطالعات، مهم‌ترین زیستگاه برای یوزپلنگ‌ها است. طبق تحلیل‌های نتایج دوربین‌گذاری در شش سال اخیر دلایل این اهمیت را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- زادآوری در استان یزد بین دره‌انجیر و سیاهکوه: آخرین زادآوری مستند زیستگاه‌های جنوبی، که از آن تصویربرداری شده، مربوط می‌شود به سال ۱۳۸۹؛ یوزپلنگ ماده‌ای که همراه سه توله‌ی نر خود بین دره‌انجیر و سیاهکوه تردد

از اواسط دهه‌ی ۱۳۸۰ تا امروز با افزایش حساسیت به وضعیت یوزپلنگ در ایران، گروه‌های مختلف دولتی و غیردولتی پروژه‌های تحقیقاتی بسیاری را برای ثبت حضور و تخمین جمعیت یوزپلنگ در زیستگاه‌های مهم کشور انجام داده‌اند. مطالعات در تمام این پهنه‌ی وسیع را می‌توان به دو تکه‌ی زیستگاه‌های شمالی و جنوبی تقسیم کرد. زیستگاه‌های شمالی شامل پارک ملی کویر، پارک ملی توران، پناهگاه‌های حیات وحش میاندشت و پناهگاه حیات وحش خوش‌یلاق است و زیستگاه‌های جنوبی که شامل پارک ملی و منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی سیاهکوه، پناهگاه‌های حیات وحش دره‌انجیر، عباس‌آباد، نابیندان، راور و مناطق حفاظت‌شده‌ی کوه بافق، سیاهکوه و منطقه‌ی شکار ممنوع آریز می‌شود.

استان یزد یکی از مهم‌ترین بخش‌ها برای پایداری وضعیت یوزپلنگ در زیستگاه‌های جنوبی است. انجمن یوزپلنگ ایرانی با همکاری اداره‌ی کل محیط زیست استان یزد و پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی از سال ۱۳۸۹ به طور مستمر مناطق این استان را پایش می‌کند.

در نقشه‌ی شماره ۲، جابه‌جایی‌هایی را که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در استان یزد از یوز پلنگ مستند شده است مشاهده می‌کنید. اهمیت دره انجیر در بین این مناطق مشهود است.

چرا «دره انجیر» زیستگاهی شکننده است؟

پناهگاه حیات وحش دره انجیر اهمیت بسیار بالا و مطلوبیت ویژه‌ای برای زیست یوز پلنگ در استان یزد دارد؛ با وجود این، زیستگاهی شکننده است. دلایل این امر را می‌توان به‌طور خلاصه عنوان نمود:

- معادن: کوه‌های این پناهگاه قابلیت بهره‌برداری برای معدن دارند و باید ارزیابی اختصاصی و ویژه‌ای برای این نوع فعالیت‌ها در منطقه صورت گیرد. با توسعه‌ی ناصحیح فعالیت معادن در حاشیه‌ی این پناهگاه، دیگر هیچ ضربه‌گیری برای آن وجود نخواهد داشت.

- جاده‌ها: جاده‌ی یزد-طبس از قلب منطقه عبور کرده و آمار تلفات وحوش در آن قابل توجه است. در سال‌های قبل، یوز پلنگی بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در این جاده از بین رفت. شایان ذکر است که در طول این جاده‌ی خطرناک هیچ



وضعیت جابه‌جایی‌ها از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بر اساس اطلاعات دوربین‌های تله‌ای

خشکسالی‌های اخیر در منطقه نیازمند ارزیابی‌های مستمر اکولوژیکی است که هر گونه دخالت انسانی را بتواند در جهت پایداری وضعیت به کار بندد. اگر با نگاهی غیر اکولوژیک دخالتی در منطقه صورت گیرد، می‌تواند پایداری فعلی را نیز به خطر بیندازد.

- کمبود نیروی حفاظتی: نیروی حفاظتی این منطقه، با توجه به وسعت و اهمیت آن، کافی نیست. با وجود تلاش‌های شبانه‌روزی محیط بانان این پناهگاه، در زیستگاهی چنین حساس و مهم، می‌بایست تعداد محیط بان به مراتب بیش از این باشد.

این‌ها نمونه‌های بارزی از مشکلات این منطقه است. اگر به هر کدام از این خطرات ویژه نگاهی جامع و علمی صورت نگیرد و اگر نگاه مسئولان مربوط معطوف به این منطقه نشود، امیدها برای احیای یوز پلنگ در استان یزد و زیستگاه‌های جنوبی با سرعت زیادی خاموش خواهد شد.

علائم هشدار دهنده‌ی مناسبی برای خودروهایی عبوری وجود ندارد.

- شترداری: شترها با وجود داشتن منابع آب در حاشیه‌ی پناهگاه، به دلیل وجود مرتع مناسب داخل زیستگاه از منابع آب وحوش تغذیه می‌کنند که این مسئله در تابستان‌های خشک و کم‌آب دره انجیر رقابت نابرابری را بین شتر و یوز پلنگ پدید می‌آورد.

- خشکسالی: دره انجیر به‌طور کلی در ناحیه‌ای خشک‌تر از مناطق مجاور قرار گرفته است. مقابله‌ی صحیح و اصولی با



تصویر ثبت شده از یوز ماده و توله‌ها سال ۱۳۸۹ در سیاهکوه - عکس از: جواد شکوهی

گردشگری مسوولانه در تالاب عشق آباد



حامد موسوی

است از روی کم اطلاعی آسیب هایی به محیط زیست وارد نمایند و به دلایل خاص خود، راضی به حضور گردشگران نباشند رابه حامیان و حافظان اصلی طبیعت مبدل نمود؟

تالاب عشق آباد

تالاب عشق آباد در ۲۵ کیلومتری مرکز شهرستان ری، در منطقه قلعه نو و مجاور روستای عشق آباد قرار گرفته است. مساحت کل تالاب ۱۸۵ هکتار شامل دریاچه و حوضچه ها و زمین های اطراف است.

در حال حاضر عشق آباد به منظور پرورش ماهی اجاره داده شده است!

"عشق آباد" به دلیل وجود دریاچه، ثبت و مشاهده حدود ۲۰۰ گونه پرند مهاجر و بومی، جاذبه های تاریخی نزدیک به آن و همچنین مسافت کم تا پایتخت، دارای پتانسیل بسیار بالایی برای مطرح شدن به عنوان یکی از مقاصد گردشگری اطراف پایتخت است. قرار گرفتن تالاب عشق آباد در مسیر (Corridor) مهاجرت پرندگان سال هاست که این دریاچه مصنوعی رابه یک زیستگاه مناسب برای پرندگان مبدل ساخته است.

این تالاب در هیچ یک از مناطق چهار گانه تحت حفاظت سازمان محیط زیست جای نگرفته است، از طرفی حضور پرندگان و تغذیه برخی از آن ها از ماهی های تحت پرورش، قطعاً به نفع مستأجری که هدف اصلی او از اجاره دریاچه، پرورش ماهی است، نخواهد بود. این شرایط منطقه را مستعد شکار کنترل نشده یادر بهترین حالت، توسعه گردشگری عمومی کنترل نشده و نهایتاً آسیب و تخریب زیستگاه می نماید. پس چه انگیزه حفاظتی برای مالکان خصوصی

گردشگری مسوولانه

میان گردشگری عام (Tourism) و گردشگری مسوولانه یا بوم گردی (Eco-Tourism) مرز حساسی است و آن چه باعث حفظ یک زیستگاه می شود توسعه «گردشگری مسوولانه» خواهد بود. گردشگری مسوولانه، طبیعت گردی با رویکرد عدم آسیب رسانی و حفظ گونه های جانوری و گیاهی، کمک به جامعه محلی یا جامعه میزبان و ایجاد انتفاع برای ایشان به منظور حفظ محیط زیست و تنوع زیستی می باشد. چگونه می توان جامعه محلی را که ممکن

بوز نامه



فلامینگو در تالاب عشق آباد - عکس از: بشیر شریف نیا



تالاب و چه اهرم کنترلی برای حفاظت آن منطقه می توان در نظر گرفت؟

پیوند اکوتوریسم با عشق آباد

باشگاه پرندنگری ایرانیان که باهدف توسعه پرندنگری، آموزش، آگاهی بخشی عمومی و حفاظت از زیستگاه ها توسط عده ای از علاقمندان این رشته تأسیس شده است، معتقد است قدم های آهسته و منطقی در راستای آگاهی بخشی و همچنین منفعت آفرینی برای ذینفعان تالاب اقدامی پیشگیرانه خواهد بود که ما را از درمان های آتی بی نیاز خواهد نمود. در این راستا با بررسی های به عمل آمده توسط باشگاه پرندنگری

پیک نیک، ماهیگیری و... که به طور غیر کارشناسی برای این منطقه در نظر گرفته شده است گر چه ممکن است از نظر عوام مطلوب به نظر برسد اما آسیب های احتمالی که آنها به این منطقه به عنوان زیستگاه و مامن پرندگان مهاجر وارد می کنند نیاز به بررسی و اظهار نظر کارشناسانه تری دارد.

مانمی دانیم چه کمکی میتوانیم به فریدونکنارها، هامون ها، گاوخونی ها و دریاچه ارومیه ها بکنیم اما معتقدیم توسعه اکوتوریسم و پرندنگری پایدار در عشق آباد باعث حفاظت آن مکان ارزشمند خواهد شد.

بر اساس آنچه آموخته ایم و تجارب کشورهای پیشرو در این زمینه، قاعده بر این اساس است که مطالعات امکان سنجی بر مبنای آمایش سرزمین توسط مراجع ذیربط بر روی منطقه انجام گیرد، لیکن چه کنیم که جای این مطالعات در ابر پروژه های ملی خالیست چه برسد به این تالاب. از سویی برای ایجاد یک رویه حساب شده و مطالعاتی، دستمان خالی و بضاعتمان اندک است.

این که بهینه ترین حالت تالاب برای داشتن یک زیستگاه مناسب چیست جای بررسی و همکاری دست اندر کاران و صاحب نظران به عنوان یک اقدام خیر خواهانه را دارد.

با ما همراه باشید اگر عملگرایی را مقدم بر هیجانات و فرمایشات حاشیه ساز می دانید:

iranianbirdingclub.com

ایرانیان و پس از مشورت با صاحب نظران و هم چنین مذاکرات انجام شده با مستاجر تالاب، شناسایی انتظارات و دغدغه های ایشان و نیز شفاف سازی خدمات گردشگری مسولانه، به این جمع بندی رسیدیم که اخذ ورودی از گردشگران، که رویه ای مرسوم در تمام دنیا برای حفاظت از مناطق با ارزش و زیستگاه های باشد، نخستین گامی است که برای ایجاد رویکرد گردشگری مسوولانه در تالاب ارائه خواهد شد. بدیهی است در ادامه با اقداماتی ساختاری، امنیت منطقه و الزامات یک زیستگاه مناسب تأمین شود. حضور پرندنگران و برگزاری تورهای تخصصی پرندنگری با قواعد و اصول خاص این رشته گامی مثبت برای حصول نتایج دلخواه خواهد بود.

توسعه دیگر جنبه های گردشگری نظیر قایق رانی، ایجاد فضای



دم جنبانک سر زرد - عکس از: از بشیر شریف نیا



www.wildlife.ir





به استقبال «آفتاب» بعد از پنج سال گفتگو با دکتر ایمان معماریان دامپزشک باغ وحش تهران

اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ دو پلنگ ایرانی به روسیه منتقل شدند و در عوض، دو ببر سیبریایی از روسیه وارد ایران شدند. در خبرها عنوان شد که این تبادل پلنگ با ببر در راستای احیای گونه‌های از دست رفته‌ی دو کشور صورت گرفته است، اما کارشناسان حیات وحش ایران، در آن زمان، با این ایده بسیار مخالفت کردند. ببر سیبریایی که قرار بود در زیستگاه ببر مازندران رهاسازی شود، در باغ وحش تهران سرنوشت چندان خوبی پیدا نکرد. ببر نر بر اثر بیماری جان خود را از دست داد و ببر ماده، به دلیل این که مشکوک به بیماری مسری مسمومه بود، به قرنطینه منتقل شد. اما یکی از داغ‌ترین خبرهای روزهای پایانی پاییز ۱۳۹۴، در بین علاقه‌مندان حیات وحش ایران، رهاسازی ماده‌ببر سیبریایی از قرنطینه بعد از پنج سال بود. هرچند این رهاسازی در واقع انتقال این ببر از قرنطینه به محوطه‌ی باز باغ وحش بود. برای دستانداران حیات وحش تصور پنج سال حبس یک حیوان در فضایی به دور از شرایط مناسب زندگی گونه وحشتناک و دردآور است. این که چرا این قرنطینه پنج سال طول کشید و آیا نمی‌شد زودتر از این کاری برای این گونه‌ی ارزشمند کرد یا اصلاً چرا این ببرها میهمان سرزمین ما شدند و سؤالات بسیار دیگری ما را بر آن داشت که با دکتر ایمان معماریان، دامپزشک باغ وحش تهران، گفت‌وگو کنیم.



پویان بهنود

پوزنامه

عکس‌ها از: علی‌رضا شهرداری





هدف از انتقال دو پلنگ ایرانی به کشور روسیه و همین طور انتقال ببرهای سیبریایی به ایران چه بود؟
در جریان پروژه‌ی بازپروری پلنگ قفقاز در جنوب روسیه، روسیه دو پلنگ نراز تر کمستان وارد کرده بود و از ایران نیز دو پلنگ ماده درخواست کرده بود. در ازای دو پلنگ ایرانی که به روسیه منتقل شد، دو ببر سیبریایی نر و ماده وارد کشور شدند که سرنوشت ببرها با اتفاقاتی همراه بود.

چرا با وجود مخالفت بیشتر کارشناسان با این انتقال بر این کار اصرار شد؟
ظاهراً در پی صحبت‌های رئیس‌جمهور وقت ایران و روسیه قرار این انتقال گذاشته شده بود و رئیس‌جمهور ایران

هم قبول کرده بود این پلنگ‌ها به روسیه بروند. بعدتر متخصصان

محیط‌زیست متوجه این موضوع شدند و به این نتیجه رسیدند که این، که پلنگ را از طبیعت بگیریم و به روسیه بدهیم، ممکن است عملکرد درستی نباشد. چرا که پلنگ ایرانی در طبیعت کشورمان وضعیت مشخصی ندارد و اطلاع دقیقی از جمعیت این گونه نداریم. متخصصان احتمالاً

خیلی فی‌البداهه تصمیم گرفتند در عوض پلنگ‌های ایرانی ببر سیبریایی بگیرند، زیرا حدس می‌زدند از نظر ژنتیکی به ببر هیرکانی، که در گذشته منقرض شده، نزدیک باشد. صحبت‌هایی هم شد مبنی بر این که ببر سیبریایی را می‌آوریم و در آینده در طبیعت احیا می‌کنیم.

البته این فرضیه کاملاً غیرممکن است. به علت این که اولاً، ببرها زیرگونه‌ی سیبریایی‌اند. ثانیاً ببرهای باغ وحشی، که از روسیه به ایران آمدند، هیچ‌وقت قابلیت رهاسازی در طبیعت را نخواهند داشت؛ حتی در نسل‌های بعدی. زیرا امکان رهاسازی ببر در طبیعت راحت نیست. اصلاً ببر شباهتی با پلنگ و یوز پلنگ ندارد که در کنار انسان زندگی کند. با توجه به زیستگاه‌ها، که انسان‌های زیادی در حاشیه‌ی آن‌ها زندگی می‌کنند، ببر حتماً تعارض بسیاری با انسان خواهد داشت و فقط کافی است یک انسان را بکشد. چنین اتفاقی باعث می‌شود که دیگر هیچ کس به داشتن ببر در ایران فکر نکند، چون زیستگاهش وجود ندارد. البته افرادی که ببرها را به ایران آوردند از این موضوع مطلع بودند. ولی در عمل انجام شده قرار گرفته بودند. دیگر قرار شده بود دو فرد پلنگ به روسیه فرستاده بشود و امکان بازپس‌گیری آن‌ها هم وجود نداشت

و باید در قبالش، برای وجهه‌ی عمومی، ببرهای باغ وحشی را دریافت می‌کردند. پلنگ‌ها در شرایطی از ایران رفتند که از قبل برایشان فضایی طراحی شده بود و یک پروژه‌ی هدفمند آغاز شده بود. با وجود این، یکی از پلنگ‌های ایرانی در روسیه مرد. متأسفانه زمانی که ببرها به ایران آمدند هیچ جایگاهی برایشان در نظر گرفته نشده بود و هیچ پروژه‌ی از قبل تعریف شده‌ای هم در کار نبود.

دو پلنگ ایرانی، که به روسیه فرستاده شدند، از کدام منطقه در ایران زنده‌گیری شده بودند؟
یکی از مینودشت استان گلستان و دیگری از سوادکوه استان مازندران.

از زمانی که دو ببر سیبریایی از روسیه به ایران منتقل شدند چه اتفاقاتی رخ داد؟

بنا به تصمیم سازمان محیط‌زیست، ببرها به باغ وحش تهران منتقل شدند. شرایط باغ وحش تهران در سال ۱۳۸۸ غیراستاندارد بود و در آن جا از گربه‌سانان بسیاری، مثل شیر آفریقایی، نگهداری می‌شد. ببرها هم در شرایط مشابه شیرها نگهداری شدند. در آن زمان، گربه‌سانان باغ وحش عمدتاً از گوشت الاغ تغذیه می‌شدند. هیچ‌گونه نظارتی هم از سوی سازمان دامپزشکی و سازمان حفاظت محیط‌زیست وجود نداشت. متأسفانه یکی از همین الاغ‌ها به بیماری مسموم شده آلوده بود. با توجه به این که مسموم شده در ایران آمار بالایی دارد، همیشه ممکن است این بیماری در باغ وحش مشاهده بشود. تعدادی از گربه‌سانان از گوشت الاغ آلوده تغذیه کردند و متعاقباً بیمار شدند. متأسفانه تعدادی از شیرها و همچنین ببر سیبریایی نر علائم بیماری مسموم شده را نشان دادند. البته، از آن جایی که آن زمان من دامپزشک باغ وحش نبودم، فرضیه‌ام این است که مسموم شده در باغ وحش تهران وجود داشت؛ چرا که جز این نمی‌تواند رخ داده باشد. به طور کلی،

متأسفانه در مدت این پنج

سال آزمایشی صورت

نگرفته است. در این مدت،

وزارت بهداشت تأکید

بر معدوم سازی داشته،

ولی بر خلاف تصمیم این

وزارت خانه معدوم سازی

انجام نمی شد! هیچ

بررسی ای در خصوص

بیماری مسمشه بر روی

این ببر انجام نمی شده و در

حقیقت دلیلی علمی مبنی بر

معدوم سازی این ببر وجود

نداشته است.

گرچه مسمشه می تواند علائم بسیار شدیدی داشته باشد، میان گربه سانان به راحتی کشنده نیست. در بین همه ی گربه سانان آلوده به مسمشه، فقط یکی از شیرهای نر آفریقایی و ببر سیبریایی نر تلف شدند که آن هم به دلیل استفاده ی بیش از اندازه ی کورتون و در نتیجه ضعیف شدن سیستم ایمنی بدن آن ها بود. به خاطر تلف شدن ببر نر، ببر ماده نیز مشکوک اعلام شد و در

نهایت سازمان دامپزشکی دستور قرنطینه ی ببر را در فضایی کوچک، خارج از باغ وحش تهران، صادر کرد. ببر ماده پنج سال در قرنطینه ماند. بررسی وجود بیماری مسمشه بسیار زمان بر بود، زیرا در گونه ی ببر هیچ نمونه ای از این بیماری در دنیا ثبت نشده بود. آزمایشی روی ببر سیبریایی ماده انجام شد که امکان اشتباه در آن وجود داشته است. همچنین احتمالاً باکتری Burkholderia mallei و بیماری مسمشه در محیط وجود داشته و بنابراین سطح آنتی بادی این باکتری در بدن ببر بالا رفته بوده است. البته متأسفانه آزمایش ها شفاف نیستند و مشکلات زیادی دارند. پروسه های مختلفی طی شد. متأسفانه بعضی لجبازی های سازمانی دلیل در قرنطینه ماندن ببر بوده است. همچنین، به خاطر مشترک بودن بیماری مسمشه بین حیوان و انسان، وزارت بهداشت برای پیشگیری از این بیماری و رعایت بهداشت عمومی اصرار بر معدوم کردن ببر داشته. در سه سالی که بنده به عنوان دامپزشک حیات وحش به باغ وحش تهران آمده ام، بسیار تلاش کردیم تا از نظر علمی ثابت کنیم که ببر سیبریایی ماده عاری از هر گونه بیماری است و بیشتر اوقات با مخالفت وزارت بهداشت مواجه بودیم. با توجه به اهمیت حفاظتی این گونه ی ببر در دنیا و ارزش ژنتیکی آن در باغ وحش های دنیا، از اتحادیه ی باغ وحش های اروپا و همچنین انگلستان و استرالیا پیشنهاد های مختلفی به ایران ارسال شد و با هم جلسات متعددی داشتیم. ولی متأسفانه هر بار به در بسته ی وزارت بهداشت می خوردیم

که اگر یک درصد هم ببر آلوده به مسمشه باشد، می تواند برای بهداشت عمومی خطرناک باشد. البته مشخص بود ببر به این بیماری آلوده نیست.

خوشبختانه در مهرماه ۱۳۹۴، بالاخره در آخرین جلسه ای که با کمک دکتر ماکنعلی، دکتر رستمی و دکتر بازرگانی برگزار شد به شکلی توانستیم ثابت کنیم ببر آلوده نیست. اگر هم مشکوک به مسمشه است، اجازه بدهید در این زمینه آزمایش هایی انجام بدهیم که به نتیجه ای قطعی برسیم. خوشبختانه مجدداً از ببر سیبریایی آزمایش بیماری مسمشه گرفته شد. در آزمایش اولی که انجام شد، تمام فاکتور ها نشان دادند که کاملاً پاک است. هیچ گونه تیترا آنتی بادی ای وجود نداشت، هیچ آنتی ژنی جدا نشد و کشت باکتری هم مثبت نبود. نتایج آزمایش اول باعث شد آزمایش های بعدی هم انجام نشود و مشخص شود که ماده ببر سیبریایی کاملاً سالم و عاری از بیماری مسمشه است. از دو سال گذشته، جایگاه استاندارد ی در باغ وحش تهران ساخته شده بود که موفق شدیم ببر را با سلامت به آن جانتقل کنیم.

واقعاً نیاز بوده پنج سال آزمایش های متعددی روی ببر انجام شود و با این که وزارت بهداشت و سازمان دامپزشکی می توانستند با توجه با فاکتور های منفی زودتر به این نتیجه برسند؟

متأسفانه در مدت این پنج سال آزمایشی صورت نگرفته است. در این مدت، وزارت بهداشت تأکید بر معدوم سازی داشته، ولی برخلاف تصمیم این وزارت خانه معدوم سازی انجام نمی شد! هیچ بررسی ای در خصوص بیماری مسمشه بر روی این ببر انجام نمی شده و در حقیقت دلیلی علمی مبنی بر معدوم سازی این ببر وجود نداشته است. این ببر از پنج سال گذشته هیچ علامتی از بیماری مسمشه یا فاکتور های مثبت هیچ بیماری دیگری را نیز نداشته است. به جز آزمایش هایی که اوایل قرنطینه انجام شد، تا مهرماه امسال هیچ آزمایشی صورت نگرفته بود. خوشبختانه در آزمایش اخیر فاکتور ها نشان دادند که این ببر در سلامت کامل و به دور از بیماری مسمشه است.

خیلی خوشحال کننده است که نتایج آخرین آزمایش ها نشان دهنده ی سلامت «آفتاب»، ماده ببر سیبریایی، هستند. لطفاً در خصوص محل نگهداری فعلی «آفتاب» و آخرین



پلنگ ایرانی و توله اش در روسیه



پلنگ ایرانی در آغوش «پوتین» رئیس جمهور روسیه

وضعیتش در باغ وحش تهران بفرمایید؟

«آفتاب» وضعیتش هر روز نسبت به روز قبل خیلی بهتر می شود. در حالت استاندارد، در باغ وحش برای گربه سانان دو جایگاه وجود دارد: جایگاه درونی و بیرونی (indoor and outdoor) که دومی، به دلیل مدیریت راحت تر جایگاه، برای تغذیه و نظافت در نظر گرفته می شود.

آفتاب در دو هفته ای که از قرنطینه به باغ وحش تهران منتقل شده،

به هیچ عنوان دوست ندارد به جایگاه

درونی منتقل بشود، زیرا فکر می کند

این جایگاه همان قرنطینه است. فعلاً

به علت این که در قرنطینه تحرکی

نداشته و دور از نور خورشید بوده و

همچنین بدون شک کمی کمبود

ویتامین های مختلف دارد، اندام های

خلفی اش کمی ضعیف اند. ولی در

حال حاضر از دارو استفاده می کند

و روز به روز هم در حال بهبود است.

وضعیت راه رفتنش بهتر شده و بیشتر

غذا می خورد. ولی هر چه قدر هم که

غذا بخورد، تا وقتی تحرک نداشته

باشد، به عضلاتش کمکی نمی شود. به

همین دلیل، شکار زنده در اختیارش

قرار می دهیم تا اندام های خلفی اش برای تحرک بیشتر تقویت بشوند و

خوشبختانه خیلی سریع در حال پیشرفت است.

تلفظ «اولسیا» برای ایرانی ها

شاید کمی سخت باشد

و از این به بعد این ببر در

باغ وحش تهران خواهد

بود و بازدید کنندگان

و طرفداران خودش را

خواهد داشت. همچنین،

پنج سال آفتاب رانده

بود. به این دلایل تصمیم

گرفتیم نامش را آفتاب

بگذاریم.

شجاع در زبان روسی، رادر استار بوک ای.ای.پی. ثبت کرده ایم. تصمیم گیری درباره ی آفتاب با اتحادیه ی باغ وحش های اروپا و همچنین ای.ای.پی. ببر سیبریایی است. با توجه به این که آفتاب در حال حاضر حدوداً ده ساله است، شاید این سازمان ها تصمیم داشته باشند از آن برای تقویت ژن ببر های سیبریایی باغ وحش های دنیا استفاده ی ژنتیکی بکنند. با توجه به تصمیم اتحادیه ی باغ وحش های اروپا و ای.ای.پی. ببر سیبریایی و این که باغ وحش تهران هم در حال طراحی جایگاه و گسترش جایگاه ببرها است، یک ببر نر سیبریایی باید برای جفت گیری با آفتاب به باغ وحش تهران منتقل شود.

در صورت موفقیت جفت گیری ببر نر سیبریایی و آفتاب، توله بره ایی که به دنیا می آیند مستقیماً زیر نظر اتحادیه ی باغ وحش های اروپا و ای.ای.پی. ببر سیبریایی خواهند بود و آن هادر خصوصشان تصمیم گیری خواهند کرد.

دلیل نام گذاری ماده ببر سیبریایی از «اولسیا» به آفتاب چی بود؟

تلفظ «اولسیا» برای ایرانی ها شاید کمی سخت باشد و از این به بعد این ببر در باغ وحش تهران خواهد بود و بازدید کنندگان و طرفداران خودش را خواهد داشت. همچنین، پنج سال آفتاب رانده بود. به این دلایل تصمیم گرفتیم نامش را آفتاب بگذاریم.

تصمیم باغ وحش تهران درباره ی آفتاب چیست؟

از زمانی که در قرنطینه بود، از اتحادیه ی باغ وحش های اروپا نامه ای داشتیم مبنی بر این که این ببر از لحاظ ژنتیکی ارزش بسیاری دارد. بعد از این مدت و از زمانی که به باغ وحش تهران منتقلش کرده ایم، شماره ی میکروچیپ و همچنین اسم جدیدش، آفتاب، و اسم قبلی اش، «اولسیا» به معنای زیبایی

شکار غیرقانونی در پارک ملی گلستان

بیست و چهارمین سمینار حیات وحش،
با محوریت انگیزه‌های شکار
غیرقانونی و خرس سیاه بلوچی
در ایران، با حضور علاقه‌مندان و
کارشناسان برگزار شد.



عطیه تک‌تهرانی

نکته‌ی مهم دیگر آن است که تصویری که شکارچیان از مدیران پارک دارند، خیلی می‌تواند روی عملکرد آن‌ها تأثیر بگذارد. بنابراین اعتمادسازی، ایجاد حس تعلق در شکارچیان، اشتغال‌زایی، ایجاد تفریح و کنترل بازار می‌تواند در کنترل و کاهش شکار غیرقانونی در پارک ملی گلستان تأثیرگذار باشد.

عکس از: شیدا عشایری



مصاحبه‌ها در محدوده‌ی سنی ۳۰ تا ۶۹ سال بودند و اکثریت آن‌ها شغلی غیر از شکار داشته‌اند. در نتیجه‌ی گفت‌وگوها، انگیزه‌ی شکار غیرقانونی در پنج دسته قرار داده شده است که هیچ کدام به تنهایی عامل شکار نبوده و با یکدیگر هم‌پوشانی دارند: فقر، تفریح و خوشگذرانی، شکار برای بازار، سنت یا شکار از روی عادت و شکار برای انتقام از محیط‌بانان که مخرب‌ترین نوع شکار است.

گاهی هر پنج دسته دست‌به‌دست هم می‌دهند و فرد را به شکار وامی‌دارند و گاهی چهار عامل اول با عامل انگیزشی انتقام، مجدداً روشن می‌شوند. با کمی توجه به دلایل شکار می‌توان فهمید که بیشتر این افراد ملاحظات اقتصادی و اجتماعی دارند و نمی‌توان با زور جلوی آن‌ها را گرفت.

شکار غیرقانونی همواره خسارت‌های جبران‌ناپذیری به حیات وحش ایران وارد نموده است. پارک ملی گلستان نیز از این قاعده مستثنی نیست و همواره به دلیل اهمیت بالایی تنوع زیستی، مورد بهره‌برداری‌های غیرقانونی، از جمله شکار، قرار گرفته است. مؤسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان از پنج سال پیش مطالعه‌ی روی پلنگ‌های پارک ملی گلستان را آغاز نموده و در آن از طریق دوربین‌گذاری، ۲۴ فرد پلنگ شناسایی شده است.

در این دوره‌ی دوربین‌گذاری از تعداد بالایی شکارچی محلی عکس‌برداری شده که به معنای ناامنی منطقه است. به سرقت رفتن ۲۴ دستگاه دوربین تله‌ای و بازگشت تعدادی از آن‌ها توسط شکارچیان، گواهی بر این ادعاست. تهدید شدن گونه‌های علف‌خوار و به دنبال آن گوشت‌خواران بزرگ‌جثه، از جمله پلنگ، به دلیل ناامنی و شکار علت شکل‌گیری این مطالعه، «انگیزه‌های شکار غیرقانونی در پارک ملی گلستان»، بوده است.

در این پژوهش کیفی، با ۱۵ نفر از معروف‌ترین شکارچیان پارک در ۸ روستا مصاحبه و گفت‌وگو شد. شکارچیان مخاطب



عکس از: عطیه تک‌تهرانی

خرس سیاه بلوچی

خرس سیاه بلوچی موضوع سخنرانی دوم بود که هادی فهیمی با عنوان «مروری بر وضعیت خرس سیاه بلوچی در ایران» به آن پرداخت. خرس سیاه آسیایی یکی از هشت گونه خرسی است که در دنیا وجود دارد. زیرگونه‌ی خرس سیاه بلوچی، که در ایران زندگی می‌کند، در آستانه‌ی انقراض قرار دارد.

استان کرمان

در سال ۱۳۸۷ در منطقه‌ی زیراب، در جنوب استان کرمان، از خرس سیاه فیلمبرداری می‌شود که شروعی است برای انجام پروژه‌ای مطالعاتی و پژوهشی بر روی این گونه که تا سال ۱۳۹۰ ادامه می‌یابد. این پروژه روی شناسایی زیستگاه‌های خرس سیاه در استان، رژیم غذایی، تعارضات، مطلوبیت زیستگاه و برآورد تراکم گونه کار کرده است.

بیشترین مواد غذایی‌ای که خرس در فصل بهار استفاده می‌کند بنه و پس از آن گیاهان علفی و حشرات بوده است. در فصل تابستان، از محصولات باغی بیشتر استفاده می‌کند و بعد از آن بنه. همچنین در پاییز نیز بنه بالاترین جایگاه را در رژیم غذایی او دارد. مطالعات مطلوبیت زیستگاه نشان داده است که بیش از ۴۰ درصد منطقه‌ی مورد مطالعه برای خرس سیاه مطلوب به حساب می‌آید. در مدت مطالعه، شش مورد حمله‌ی خرس به انسان اتفاق افتاده که دو نفرشان زن و بقیه مرد بوده‌اند. مصاحبه با افراد محلی نشان داده است که بیشترین زمان بر خورد انسان

با خرس، فصل تابستان است که خرس سیاه برای استفاده از مواد غذایی باغ‌ها به آبادی نزدیک می‌شود.

مهم‌ترین دستاوردهای این پروژه معرفی چهار منطقه‌ی تحت مدیریت با اولویت حفاظت از خرس سیاه در استان کرمان، آموزش محیط‌بانان و آموزش و مشارکت نوزده همیار محلی بوده است.

استان سیستان و بلوچستان

از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ پژوهش‌ها به استان سیستان و بلوچستان منتقل می‌شود که در طی آن به تعارضات و رژیم غذایی پرداخته شده است. از طریق نصب دوربین‌های تله‌ای و صحبت با جوامع محلی، جمعیت خرس بین ۳۳ تا ۵۱ فرد برآورد شده است. مواد غذایی مصرف شده تقریباً شبیه رژیم غذایی خرس‌های کرمان بوده است که بیشترین مقدار را میوه‌ها، مخصوصاً خرما، سپس گیاهان علفی و بی‌مهرگان و در نهایت مهره‌داران تشکیل می‌دهند. تعارض در این استان به دلیل معیشت ضعیف

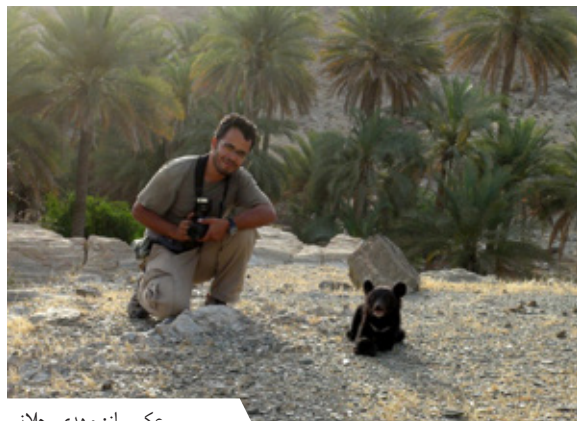
عکس از: هادی فهیمی

شدیدتر است و افراد به خسارت وارد شده واکنش بیشتری نشان می‌دهند. بیشترین رویارویی در فصل تابستان و پاییز بوده و میزان از دست دادن دام در فصل پاییز و محصولات کشاورزی در فصل تابستان بیشتر بوده است.

پیگیری برای تعلق گرفتن بسته‌های حمایتی به دامداران و کشاورزان خسارت دیده، جلب مشارکت جامعه‌ی محلی شهرستان نیکشهر با محوریت صنایع دستی بومی و رویکرد حفاظت از این گونه از نمونه دستاوردهای این پروژه بوده است.

استان هرمزگان

تیم دیگری در استان هرمزگان بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ مطالعاتی بر روی این گونه انجام داده که شامل وضعیت پراکنش و زیستگاه‌ها، تعارضات و رژیم غذایی است. در هرمزگان رژیم غذایی را خرما و بعد از آن زنبورها تشکیل می‌دهند و از دست دادن دام و روبه‌رو شدن با خرس از مهم‌ترین دلایل تعارض‌هاست.



عکس از: مهدی چلانی



عکس از: باربد صفایی



روستای متروکه علی آباد - عکس از: محمد گائینی

رهگذری در نایبندان

سفری آموزشی تفریحی با هدف

کمک به محیط زیست



حبیبه زیدآبادی

یوز نامه

نایبندان بود حرکت کردیم. در جاده خاکی مسیر در تاریکی شب، خرگوش و روباه و شتر دیدیم و گاهی برق چشم‌هایی که مشخص نبود کدام گونه است، هیجانی برای دقت بیشتر به مسیر شبانه می‌داد. توقف مینی بوس و اعلام تماشای آسمان باعث شد همه بر کف زمین طاق باز دراز شویم و یاد توصیف شب کویر از دکتر شریعتی افتادم. حتی نسیم در گذر نیز صدایی گیرداشت و آسمان گویا برای ما چراغانی شده بود و اگر دست دراز میکردی شاید ستاره‌ای یا شهابی در کف دستانت جای میگرفت. جذاب ترین بخش آسمان برای من دیدن کهکشان راه شیری که چون جاده‌ای در دل تاریکی در مسیر پیاده روی من پهن شده بود و باز یاد خالق بی‌همتای آن افتادم. این دقایق برای همیشه در ذهنم خواهند ماند و در اولین سفری که به روستای پدری داشته باشم در پشت بام خواهیم خوابید.

روستای علی آباد

در ادامه مسیر به سمت محل اقامت رفتیم. میزبان پرانرژی‌مان مرضیه خانم است که باغی در این روستا دارد و از معدود اهالی روستا است که هنوز هم گهگاهی همراه پسرش به خانه و مزرعه خود در علی آباد سر می‌زند. خانه‌ی خود را در این روستای متروکه در اختیار ما قرار داده بود بدون برق، آب لوله کشی، گاز و تلفن. آب از قنات می‌آوردیم و چای و غذاها را بر روی آتش هیزم تهیه می‌کردیم.

صبح روز دوم را با عکاسی از بیداری خورشید از پس کوه، و بعد از آن قوچ و میش‌هایی که از

روی بلندی‌ها، برج‌های دیده‌بانی از گذشته‌های دور هنوز پا بر جا است. با صدای یکی از همراهان همه چشم‌انمان به آسمان برگشت و شاهد پرواز دو عقاب دشتی بودیم که گویا فقط به خاطر ما به این مکان آمده بودند، چند دقیقه‌ای بالای سر ما و در قاب دوربین‌های عکاسی در حال پرواز بودند.

رد پای جبیر هادر جنگل عراقی

کمی از ظهر گذشته بود که به جنگل عراقی رسیدیم و با دو تن دیگر از همراهان تور و میزبانمان آشنا شدیم. مرضیه خانم میزبان ما برای ناهار کله‌جوش آماده کرده بود و پس از آن به میان جنگل رفتیم، رد پای جبیر و نخل‌هایی که محصولاتش فقط برای احشام مورد استفاده قرار می‌گرفت، فراوان بود و تک درخت کهنسالی وجود داشت که میشد مانند خانواده دکتر ارنست خانه‌ی درختی بزرگی داخل آن ساخت! اینجا قرار بود جبیر ببینیم. هر چند ردپاها تازه بود اما خود جبیر‌ها را ندیدیم.

در جنگل عراقی چشمه آب گرم طبیعی از دل سنگی جاری بود که به نیزاری ختم می‌شد. در طول مسیر رسوبات گوگرد و نمک به رنگ‌های سبز و زرد، زیبایی خاصی به جویبار داغ این جنگل می‌داد. غروب سرخ خورشید در دل آسمان در کنار نخل‌های جنگل عراقی در دوربین‌های ما ثبت شد.

شب کویر

به سوی محل اقامت خود در روستای متروکه علی آباد که در دل پناهگاه حیات وحش

اطلاع رسانی تور آموزشی انجمن یوزپلنگ ایرانی، زمینه سفر به دل کویر ایران، جهت بازدید از پناهگاه حیات وحش نایبندان شد. مقصد شهرستان طیس در استان خراسان جنوبی است. ویژگی خاص نایبندان دورافتادگی کامل آن و محصور شدنش از هر سو توسط کویر است. نایبندان منطقه‌ای با کمترین تعارضات انسانی و حداقل فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی است و این شرایط طبیعی نسبتاً بکری را برای جانوران پناهگاه فراهم آورده است.

بهترین زمان برای سفر به دل کویر فصل پاییز و ابتدای بهار است و مادر بهترین زمان در کویر بودیم. سفر ما از تهران و با قطار شروع شد و ادامه راه در جاده راور به طیس بامینی بوس...

در توصیف کویر باید بگویم راهی دور در افقی بی پایان که خورشید طلایی در دل آبی آسمانش تابیدن بی مثالی دارد. تماشای این چشم‌انداز در طبیعت برای من که در کنار کویر زندگی کردم و هرگز این شگفتی خدا را به این وسعت ندیده بودم هیچ‌انگیز تر از همسفرانم بود و به این باور رسیدم که جاده‌های کویری با تک درخت‌های طاق و گزو گاهی باغهای پسته دست کاشت انسان، دل انگیزی خاصی دارد. سمت دیگر جاده زرد به راور، یکی از جاذبه‌های زمین شناسی وجود دارد که به صورت دیواره‌ای با لایه‌های رنگارنگ طلایی و قرمز و کبود کنار هم ایستاده بودند که در یک قاب از کادر دوربین جان نشدند. در نقاط مختلفی بر

ما سحر خیز تر بودند و آمده بودند تا باغ مرضیه خانم را به تاراج ببرند، آغاز کردیم.

مرضیه خانم در جلوی خانه خود باغی دارد که مدتی است چراگاه حیات وحش منطقه شده است. حیوانات را دوست دارد و بارها و بارها آن ها را زبان بسته خطاب می کند اما در عین حال عصبانی است که محصولش را از بین می برند. از محیط زیست شاکی است و انتظار دارد برایش کاری بکنند. چند بار عبارت حیوانات محیط زیست را به کار می برد و گویا با آن ها هم زیستی مسالمت آمیزی ندارد!

ابتدای سفر "محمد گائینی" تورلیدر انجمن برایمان توضیح داد که اقامت در علی آباد علی رغم امکانات پایین دلیل مشخصی دارد. ما قصد داریم با اجاره خانه و سفارش غذا و خرید صنایع دستی از مرضیه خانم و هم ولایتی هایش به آن ها نشان بدهیم که اگر این قوچ و میش ها محصولش را خراب می کنند اما حضور گردشگری که برای تماشای همین حیوانات می آیند می تواند خسارت را جبران کند. حس خوبی دارم از این که این سفر لذت بخش قرار است برای مردم و حیات وحش این منطقه مفید باشد.

پیش به سوی دوربین ها

همگی بدون استفاده از هر ماده ی بوزایی مانند کرم و عطر به دل پناهگاه حیات وحش رهسپار شدیم، محیط بان نیز همسفر ما شد. تا جایی

که می شد با مینی بوس رفتیم و در طی مسیر همگی از پنجره ها بیرون را نظاره گر بودیم و دوربین به دست که ناگاه قوچی با حداقل ۱۷ میش در اطرافش بر روی بلندی ها دیدیم، توقف کرده و با دوربین های عکاسی، شکاری و تلسکوپ این گله ی وحشی را در فصل مستیشان نگاه میکردیم، بار دیگر یک قوچ و دو میش در کنار مینی بوس مادر حال دویدن بودند که ناگاه از ما پیشی گرفته و عرض جاده را فقط با یک جهش رد کردند، به سرعت باداز کوه بالا رفتند و زمانی که احساس کردند زمین زیر پایشان مکان امنی است توقف کردند.

پیاده روی خود را به سمت گردنه ای که یکی از دوربین تله ای انجمن یوزپلنگ ایرانی در آنجا کار گذاشته شده بود شروع کردیم. در طی مسیر رد پای حیوانات متعددی را دیدیم و صدای تیهو، پرواز غراب ها و وزش باد تنها موسیقی های مان بودند. در کنار درختی شاخ های قوچی ۱۲ ساله که طعمه یوز شده بود و شاخ های یک کل ۷ ساله، دقایقی ما را به استراحت واداشت.

بالاخره به دوربین تله ای انجمن رسیدیم. چک کردن حافظه دوربینی که از یک ماه پیش هر گونه رفت و آمدی را در این منطقه ثبت کرده بود بسیار هیجان انگیز بود. "آرش مودی" از کارشناسان بیرجندی انجمن فایل ها را روی تبلت ریخت و چندین قطعه ۳۰ ثانیه ای فیلم برداری از قوچ و میش و روباه و شاه روباه و

کبک را نظاره کردیم و به ناگاه با دیدن یوز در قاب دوربین همگی با هیجانی فراوان فریادی از شوق سردادیم. حضور باشکوه و ۳۰ ثانیه ی فراموش نشدنی در ساعت ۷ و ۴۸ دقیقه صبح اول مهر ۹۴ به ثبت رسیده بود. حرکت به موقع یوزپلنگ آسیایی و کادر مناسبی که یوز درون آن قرار گرفت با پس زمینه ای از کوههای اطراف و نور صبحگاهی این قطعه فیلم را دیدنی کرده بود.

چهار محیط بان برای دومیلیون هکتار!

در هنگام ناهار و صحبت با محیط بان منطقه متوجه شدم، این پناهگاه حیات وحش که بیش از دومیلیون هکتار وسعت دارد فقط ۴ محیط بان و تنها یک ایستگاه محیط بانی دارد که هر دو نفر ۶ شبانه روز شیفت کاری دارند و در ماه فقط ۳۰ لیتر سهم بنزین برای موتورسیکلت خود برای گشت زنی دارند که اگر بخواهند کامل گشت زنی کنند طی سه روز این بنزین را می سوزانند. هیچ کدام اسلحه ندارند و خوش شانسی شان این است که مردم منطقه غریب به اتفاق طبیعت دوست هستند و در همه حال در کنار محیط بانان هستند. پس از صرف ناهار، تمامی همسفران زباله های خود را دوباره در کوله ها یا بر دست به همراه خود به مینی بوس رساندند تا طبیعت بکر این منطقه که در طول مسیر حتی یک تکه زباله ندیدیم را بهم نزنیم.

آب بنه

به سوی روستای بدون سکنه آب بنه رفتیم و در بلندی کنار قلعه ی این روستا غروب زیبایی را دوباره تجربه کردیم. شب هنگام و در منزل مرضیه خانم کارشناسان انجمن به شناسایی یوز پلنگی که فیلم آن توسط دوربین تله ای ثبت شده بود پرداختند و با بررسی خال هایش مشخص شد که یوز پلنگ نر به نام "پویان" است که همیشه بین این جا و دره انجیر در سفر است.

روز آخر سفر برای بازدید قلعه مک شور و روستای نایبندراهی می شویم و پس از تماشای ماسوله کویر، راه بازگشت به سمت طبس و از آن جا خانه و کاشانه خویش می گیریم.



دسته قوچ و میش ها - عکس از: محمد گائینی

جمعیتی بزرگ‌تر از تصور اولیه

نتایج نخستین دور سرشماری پلنگ‌ها در شمال شرقی ایران



محمدصادق فرهادی نیا

@WILDCRU/ICS/DOE/PANTHERA

پوزنامه

دوربین‌های تله‌ای؛ ابزاری حیاتی برای کشف زندگی پلنگ‌ها

مشاهده‌ی پلنگ‌ها و سایر گوشتخواران در طبیعت بسیار دشوار است و از همین رو، برای کسب اطلاعات درباره‌ی رفتار و جمعیت به فناوری‌های پیشرفته نیاز داریم تا بتوانیم برای حفاظت از آن‌ها در طبیعت برنامه‌ریزی مؤثرتری بکنیم. یکی از این ابزارهای ارزشمند دوربین تله‌ای است که اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی موقعیت و رفتار پلنگ‌ها و سایر گونه‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد. تصاویر به‌دست‌آمده از این دوربین‌ها موقعیت و مسیر حرکتی جانوران را به ما نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند بفهمیم که آیا تلاش‌های حفاظتی توانسته‌اند نتایج اثربخشی داشته باشند.

در هر منطقه، به‌طور متوسط ۲۰ تا ۴۰ دوربین مختلف به مدت حداقل دو ماه نصب می‌کنیم تا بتوانیم تصویری از وضعیت جانوران، به‌خصوص گوشتخواران، مانند تعداد و جابه‌جایی‌ها به‌دست آوریم. تلاش می‌کنیم این فناوری پیشرفته و رایج در دنیا را در هر منطقه‌ای که امکان‌پذیر باشد به کار بندیم، زیرا

هر چیزی وقتی پسوند «ایرانی» می‌گیرد بالطبع برای ایرانیان معنی دیگری پیدا می‌کند. مثلاً این اواخر ماهواره‌ی ایرانی، فضایی ایرانی، گوشی موبایل ایرانی را داریم. یا پیش از آن تمدن ایرانی، فرش ایرانی، غذای ایرانی، زعفران ایرانی، باغ ایرانی، اقلیم ایرانی و اینک، پلنگ ایرانی. با این حال، درباره‌ی این گونه‌ی جذاب کمتر بررسی دقیق علمی صورت گرفته و ما حتی به‌درستی نمی‌دانیم چه تعداد از آن را در ایران داریم. فقدان دانش علمی در این زمینه می‌تواند انجام هر گونه اقدام حفاظتی را با چالش روبه‌رو کند، زیرا بدون دانستن جمعیت پلنگ و نیازهای آن چه‌طور می‌توان برای برآورده شدن نیازهای آن برنامه‌ریزی نمود و درعین حال تأثیر اقدامات حفاظتی را بر جمعیت پلنگ‌ها ارزیابی کرد؟ از همین رو، پاسخ دادن به این چالش دیرینه در قالب «پروژه‌ی پلنگ ایرانی در شمال شرقی ایران» یکی از اهداف پراولویت قرار گرفت تا بتوان به ارتقای حفاظت از پلنگ در مناطق مختلف کمک نمود.

در هر منطقه، به‌طور متوسط ۲۰ تا ۴۰ دوربین مختلف به مدت حداقل دو ماه نصب می‌کنیم تا بتوانیم تصویری از وضعیت جانوران، به‌خصوص گوشتخواران، مانند تعداد و جابه‌جایی‌ها به‌دست آوریم



@WILDCRU/ICS/DOE/PANTHERA

برگزاری اولین مسابقه عکس دوربین تله‌ای ایران

انجمن یوزپلنگ ایرانی اولین
مسابقه عکس دوربین تله‌ای ایران
با عنوان «پلنگ‌ها در قاب
تصویر» را برگزار می‌کند.
مسابقه دوربین‌های تله‌ای به
صورت اینترنتی برگزار می‌شود
و کاربران فارسی زبان در هر
نقطه‌ای از دنیا امکان رای‌دهی
به عکس‌های منتخب را خواهند
داشت. طی این مسابقه، بهترین
عکس‌های دوربین‌های تله‌ای که از
سرشماری پلنگ‌ها به دست آمده
است، به رای عمومی گذاشته می
شود. برای شرکت در این مسابقه به
آدرس Cameratrap.ir مراجعه
فرمایید.

تشکر و قدردانی

جا دارد از همکاری صمیمانه‌ی اداره‌ی حفاظت محیط‌زیست شهرستان اسفراین و اداره‌ی کل حفاظت محیط‌زیست خراسان شمالی و همچنین دفترهای حیات وحش و تنوع زیستی و مدیریت شکار و صید سازمان حفاظت محیط‌زیست برای پیشبرد این پروژه تشکر و قدردانی گردد. همچنین باید از همراهی‌های آقایان فخرانی، فرجی، مرادیان، گریوانی، باکنگ، سجاد علیزاده، زحمتی، وهب علیزاده، شاکری، رستگار، منفردی، حسینی، شاهمادی، احمدی، فروغ زاده، عفت شاهی، ایمانی، حسین زاده و سیرغانی سپاسگزاری کرد.

شمال شرقی ایران محسوب می‌شوند و در کنار آن، کل و بز و خوک وحشی نیز زیست می‌کند. این سه گونه مهم‌ترین طعمه‌های پلنگ ایرانی، بزرگ‌ترین گربه‌سان فعلی ایران، را در این مناطق تشکیل می‌دهند.

نتایج مقدماتی

از اواخر مهرماه لغایت پایان آذرماه ۱۳۹۴، تعداد ۴۰ دستگاه دوربین تله‌ای پیشرفته در این دو منطقه نصب شد و در پایان بیش از ۲۰۰ تصویر از پلنگ‌ها به دست آمد. مقایسه‌ی خال‌های پلنگ نتایجی باورنکردنی در اختیار تیم پروژه قرار داد. در پایان حداقل ۱۱ پلنگ مختلف در پارک ملی ساریگل و ۱۰ پلنگ در پارک ملی سالوک تصویربرداری شد که در نوع خود جمعیت بزرگی محسوب می‌شود. این درحالی است که اکثر مناطق حفاظت‌شده در کشور جمعیت پلنگ کوچک‌تری دارند و به ندرت از ۱۰ فرد فراتر می‌رود. نکته‌ی قابل توجه آن است که محیط‌بانان و کارشناسان مجرب این مناطق انتظار حضور ۴ تا ۷ پلنگ را در منطقه‌ی ساریگل داشتند، درحالی که جمعیت واقعی پلنگ در این منطقه یک و نیم برابر تصور عمومی بود. همچنین در سالوک انتظار جمعیتی بالغ بر ۹ تا ۱۳ فرد می‌رفت که جمعیت به دست آمده در این پژوهش با آن منطبق است. نتایج مقدماتی این پروژه با محیط‌بانان، کارشناسان و مدیران اداره‌ی کل حفاظت محیط‌زیست خراسان شمالی به اشتراک گذاشته شده و درباره‌ی رهیافت‌های حفاظتی آن بحث شده است تا بتوان به پیشبرد حفاظت از پلنگ و سایر گونه‌ها در این دو منطقه کمک کرد.

بدون اطلاعات کافی امکان کسب اطمینان از موفقیت برنامه‌های حفاظتی وجود ندارد. تصاویر به دست آمده را کارشناسان ما تجزیه و تحلیل می‌کنند. هر تصویر از پلنگ با سایر تصاویر موجود در بانک عظیم تصاویر مقایسه می‌شود تا آن فرد شناسایی شود. پلنگ‌ها دارای الگوی خال‌هایی هستند که مانند اثر انگشت در هر فرد منحصر است. به این طریق می‌توان تعداد آن‌ها را کشف کرد. همچنین تصاویر دارای زمان هستند، پس الگوی زمانی فعالیت این گونه‌ها نیز قابل سنجش است. بدون این تصاویر نمی‌توان به درستی فهمید کدام منطقه برای زیست پلنگ‌ها مناسب و نیازمند حفاظت است.

محل اجرای پروژه

در فاز نخست این پروژه، برای برآورد جمعیت پلنگ‌ها، دو پارک ملی سالوک و ساریگل میزبان این تلاش بودند. این مناطق کوهستانی‌اند و عموماً از آب و هوای معتدل نیمه خشک برخوردارند. همچنین، این مناطق از زیستگاه‌های اصلی قوچ و میش اورپال در

مقایسه‌ی خال‌های پلنگ‌ها،

نتایجی باورنکردنی در

اختیار تیم پروژه قرار

داد. در پایان حداقل ۱۱

پلنگ مختلف در پارک

ملی ساریگل و ۱۰ پلنگ

در پارک ملی سالوک

تصویربرداری شد که در

نوع خود جمعیت بزرگی

محسوب می‌شود



@WILDCRU/ICS/DOE/PANTHERA

گرگ‌ها چگونه رفتار رودخانه را تغییر دادند؟

طبیعتی بی‌نظیر و حیات وحشی غنی است و انواع گونه‌های گیاهی و جانوری منحصر به فرد را در خود جای داده. اما گرگ‌های یلواستون داستان دیگری دارند. این پارک هر ساله پذیرای بسیاری از علاقه‌مندان حیات وحش است و گرگ‌ها از مهم‌ترین دلایل جذب گردشگران به این نقطه هستند. علاوه بر آن، مستندهایی که از طبیعت این منطقه تهیه شده در



احسان سلیمانی

پارک ملی یلواستون، واقع در شمال ایالات متحده، یکی از غنی‌ترین مناطق به لحاظ حیات وحش است و اولین منطقه‌ای حفاظت‌شده در سراسر کره‌ی زمین شناخته می‌شود. یلواستون دارای

گله‌ی 8mile، یکی از قدیمی‌ترین گله‌های حال حاضر در یلواستون - عکس مربوط به: پروژه‌ی تحقیقاتی گرگ‌های یلواستون



آبشار canyon، پارک ملی یلواستون - عکس از: nps

بسیاری از کشورها به نمایش درآمده و خود باعث افزایش شهرت این گرگ‌ها شده است. تعداد قابل توجه گرگ‌های یلواستون، ظاهر زیبا، وزن زیاد و جثه‌ی بزرگشان از جمله ویژگی‌های آن‌هاست. اما این تنها دلیل شهرت آن‌ها نیست! بلکه بازگشت دوباره‌ی آن‌ها به طبیعت است که این گرگ‌ها را تا این حد محبوب کرده است. گرگ‌ها از سال ۱۹۲۶ به مدت هفتاد سال در طبیعت منطقه‌ی یلواستون منقرض شدند، تا این که سال ۱۹۹۵ با تلاش بی‌وقفه‌ی مسئولان پارک و حمایت همه‌جانبه‌ی دولت مرکزی ایالات متحده دوباره به طبیعت بازگشتند و تا به امروز هر ساله به تعداد آن‌ها افزوده شده است. پروژه‌ی بازگرداندن گرگ‌ها به یلواستون یکی از سرشناس‌ترین پروژه‌های حیات وحش است؛ چرا که این پروژه علاوه بر احیای نسل گرگ‌ها به رشد سایر گونه‌های منطقه نیز کمک قابل توجهی نموده است.

در هفتاد سال غیبت گرگ‌ها، تعداد گوزن‌های پارک به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد، به شکلی که حتی با

دخالت انسان و شکار مداوم آن‌ها از سرعت رشدشان کاسته نشد. گوزن‌ها پوشش گیاهی منطقه را با چرای بی‌رویه‌شان تقریباً از میان برده بودند. با بازگشت گرگ‌ها این روند تغییر یافت. گرگ‌ها با شکار کردن گوزن‌ها کنترل جمعیت آن‌ها را در دست گرفتند؛ به طوری که زاد و ولد آن‌ها نظم طبیعی خود را باز یافت. تأثیر به مراتب مهم‌تر گرگ‌ها بر گوزن

تغییر عادت‌های آن‌ها بود. گرگ‌ها به طور طبیعی در دامنه‌ی کوه، به ویژه در دره‌ها، شکار می‌کنند و این ویژگی باعث شده گوزن‌ها دیگر به مناطقی که در آن به راحتی به دام گرگ‌ها می‌افتند پانگذازند! بدین ترتیب با کوچ گوزن‌ها از دره‌ها و نقل مکان به سمت ارتفاعات، پوشش گیاهی این مناطق از نو احیا شد و درختان پارک در بخش‌هایی طی شش سال پنج برابر رشد نمودند! دره‌های بایر به سرعت تبدیل به جنگل‌های انبوه شدند و سپس نوبت پرندگان مهاجر بود که این جنگل‌ها را برای مأمن خود انتخاب کردند. جدا از

پرنده‌ها، بر جمعیت سگ‌های آبی که به خوردن درخت علاقه‌ی بسیار دارند نیز افزوده شد. با افزایش جمعیت سگ‌های آبی، تعداد آبگیرهایی که می‌سازند افزایش یافت. این آبگیرها تبدیل شدند به مکانی برای تجمع مرغابی‌ها، ماهی‌ها، خزندگان و دوزیستان. بارش گیاهان، به ویژه تمشک، خرس‌ها به جای درگیری با گرگ بر سر شکار، پا به مناطق جنگلی گذاشتند و از گیاهان تغذیه کردند. بارش منظم گیاهان در دره‌ها، از فرسایش خاک کاسته شد و

در نتیجه پیچ و خم مسیر رودخانه‌ها نیز کمتر شد، مجاری رودخانه‌ها باریک‌تر شد و بدین ترتیب، آبگیرهای بیشتری شکل گرفتند. این امر برای رشد حیات وحش اهمیت به‌سزایی داشت و این گونه شد که گرگ‌ها رفتار رودخانه‌ها را تغییر دادند!

پروژه‌ی بازگرداندن گرگ‌ها به یلواستون یکی از سرشناس‌ترین پروژه‌های حیات وحش است؛ چرا که این پروژه علاوه بر احیای نسل گرگ‌ها به رشد سایر گونه‌های منطقه نیز کمک قابل توجهی نموده است.



کشمکش گرگ‌ها و کایوت‌ها، امری طبیعی در یلواستون - منبع: animaljam



پرواز یوزپلنگ ایرانی در آسمان

بوز نامه

پیگیری کرد. وی با اشاره به نهایی شدن کار نقاشی یوزپلنگ ایرانی بر روی دو فروند هواپیمای مسافرتی این شرکت اظهار کرد: در حال حاضر دو هواپیمای ایرباس ۳۲۰ و ایرباس ۶۰۰-۳۰۰ هواپیمایی معراج با استفاده از نقش یوزپلنگ ایرانی پرواز می کنند. مهرآور با بیان اینکه این طراحی برای نخستین بار در جهان اتفاق می افتد اظهار کرد: در گذشته برخی ایرلاین های خارجی با طرح های موقت این گونه نمادها را به تصویر کشیده بودند اما هواپیمایی معراج برای نخستین بار توانسته یک طرح دایمی برای این موضوع تصویب کند.



دومین هواپیمای یوزپلنگی

هم زمان با نهمین گرامیداشت روز ملی یوزپلنگ ایرانی، اولین هواپیمای مسافرتی با طرح یوزپلنگ آسیایی در آسمان ایران پرواز کرد.

این حرکت فرهنگی توسط هواپیمایی معراج و با همکاری انجمن یوزپلنگ ایرانی شکل گرفته است. هواپیمای Airbus a320 متعلق به شرکت هواپیمایی معراج در طول شش ماه گذشته در خطوط مختلف هوایی ایران به پرواز در آمده است.

هواپیمایی معراج در راستای مسئولیت های اجتماعی خود، از زمستان سال گذشته فعالیت های فرهنگی و آموزشی مشترک خود با انجمن یوزپلنگ ایرانی را آغاز کرده و تا کنون در چندین شماره از نشریه داخلی خطوط پروازی معراج نیز بانشر مطالب و عکس هایی از یوزپلنگ ایرانی و حیات وحش ایران، در جهت فرهنگ سازی عمومی تلاش کرده است.

خبر جدید این که دومین هواپیما نیز برای خطوط خارجی در نظر گرفته شده است و در سفرهای نوروزی رونمایی می شود. کاپیتان علی مهرآور، معاون بازرگانی شرکت هواپیمایی معراج ضمن بیان این خبر تصریح کرد:

از چند ماه قبل روابط عمومی شرکت هواپیمایی معراج در راستای پیگیری اهداف زیست محیطی خود در جهت حمایت از توسعه پایدار، طراحی نقش یوزپلنگ ایرانی بر روی هواپیماهای مسافرتی خود را



رکورد گونه‌ی غیربومی نوتریا در شمال ارسباران

◀ بهنام قربانی

شماره ۲۲

به احتمال زیاد، به همین دلیل به کشور شوری نیز آورده شده‌واز طریق کشور آذربایجان وارد نواحی شمال و شمال غرب ایران شده‌است. عامل اصلی بازدارنده‌ی این گونه برای گسترش مناطق حضور، یخبندان‌های دوره‌ای در نواحی زیست این گونه‌است. طبق مشاهدات ذکر شده در راهنمای صحرایی پستانداران ایران، نوشته‌ی مهندس هوشنگ ضیایی، این گونه تا به حال در آستارا، تالش، جلفا و تالاب آق گول و حواشی رود ارس مشاهده شده‌است. این اولین بار است که از آن در شمال ذخیره گاه زیست کره‌ی ارسباران و اطراف رودخانه‌ی ارس عکسبرداری شده‌است.

نوتریا (myocastrocoypus) گونه‌ای ساکن در منطقه‌ی آمریکای جنوبی و نواحی کارائیب است، با طول ۴۲ تا ۶۳ سانتی متر. تنها گونه از خانواده‌ی myocastoridae است و در مناطق تالابی و نواحی "آرام رودها" زیست می‌کند. از گیاهان آبی تغذیه می‌کند و معمولاً در تمام طول سال امکان تولیدمثل دارد و در هر زایمان یک تادوازه بچه می‌زاید. در شش ماهگی بالغ می‌شود و معمولاً در اجتماع و گروهی زندگی می‌کند. نوتریا به کشور های دیگر آورده شده تا از پوستش استفاده شود. در برخی نواحی با سوءمدیریت و فرار این گونه از اسارت، در ناحیه‌هایی از اروپا و آسیا به صورت کلنی‌های وسیعی پراکندگی یافته‌اند.





جمشید پرچی زاده

نقش تکنولوژی در افزایش کارآیی مناطق حفاظت شده



دوربین تله‌ای استتار شده در میان سنگ‌ها - عکس از جمشید پرچی زاده

بوزنامه

است. نداشتن اطلاعات کافی، در زمینه‌ی بوم‌شناسی گونه‌های جانوری و عواملی که زندگی این حیوانات را تحت تأثیر قرار می‌دهند، موجب عدم مدیریت صحیح می‌گردد. بنابراین، یکی از اهداف استراتژی‌های حفاظت از حیات وحش به دست آوردن دانش است برای تلاش در محافظت از گونه‌های جانوری. لذا حفاظت از گونه‌هایی که از نظر معیار جهانی بالارزش‌اند، ولی در سطح داخلی ارزش پایینی دارند، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در محافظت از تنوع گونه‌ای در عصر حاضر مطرح می‌گردد. مناطق حفاظت شده در سرتاسر دنیا یکی از مهم‌ترین ابزار حفاظت از گونه‌های

مشاهده‌ی گوناگونی لباس‌ها و داشتن یانداشتن سلاح صورت می‌پذیرد. اطلاعاتی که با استفاده دوربین‌های تله‌ای جمع‌آوری می‌شود، برای انجام کارهای حفاظتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چرا که تخمین جمعیت در منطقه‌ای پهن‌آور عملی است وقت گیر و نیازمند نیروی انسانی فراوان. لذا ترجیح پژوهشگران بر آن است که این عمل را در منطقه‌ای کوچک انجام بدهند و سپس از اطلاعات به دست آمده برای مناطق بزرگ‌تر استفاده کنند. این در حالی است که یکی از نقاط ضعف استفاده از این دوربین‌ها فاصله‌های طولانی بین جایگاه‌های دوربین‌های تله‌ای و همچنین نبود جاده در برخی مناطق

دوربین‌های تله‌ای ابزار ارزشمندی هستند که می‌توانند اطلاعات مفیدی در مورد گونه‌های مختلف جانوری و گروه‌های متنوع انسان از جمله محیط‌بانان، شکارچیان غیرمجاز، مردم محلی و گردشگران در اختیار پژوهشگران قرار دهند. اطلاعات مختص گونه‌های جانوری عبارت‌اند از: غنا (تعداد گونه‌ها در محل مورد مطالعه)، الگوی حرکتی، محل زندگی، رنگ، جفت داشتن یا نداشتن، فرزند داشتن یا نداشتن، لنگیدن (شلیدن)، سایز، اثر زخم و غیره. اطلاعاتی که در هر دوی گونه‌های جانوری و گروه‌های انسانی مشترک هستند عبارت‌اند از: توزیع، فراوانی، تراکم و حضور فصلی. تشخیص گروه‌های انسانی نیز با



شکارچی‌های غیرمجاز در ایران



شماره ۲۲

راه‌اندازی کانال انجمن یوزپلنگ ایرانی در تلگرام

کانال انجمن یوزپلنگ ایرانی در تلگرام جهت ارتباط سریع‌تر و نزدیک‌تر با اعضای انجمن، در سراسر دنیا، راه‌اندازی شد. بدین ترتیب تمام اعضا می‌توانند از طریق تلفن همراه خود و یا کامپیوتر شخصی عضو این کانال شوند و در جریان رویدادها و اتفاقات انجمن قرار گیرند.

سعی خواهیم کرد با جدیدترین اخبار و اطلاعات از یوزپلنگ آسیایی و سایر گونه‌هایی که در جهت حفاظت از آن‌ها فعالیت می‌کنیم در خدمت شما باشیم. ضمن این‌که این کانال اتفاقات غیررسمی ترانجمن رانیز پوشش خواهد داد تا اعضا، که صاحبان اصلی انجمن هستند، بیش از پیش در جریان امور این نهاد مردمی قرار گیرند. آدرس کانال انجمن یوزپلنگ ایرانی در تلگرام:

<https://telegram.me/IranianCheetahSociety>

- شکارچیان و سگ‌هایشان؛
- ابزار آلات شکار؛
- پوکه‌های فشنگ مورد استفاده برای تفنگ؛
- صدای شلیک‌های شنیده شده؛
- مواجهه با شکارچیان غیرمجاز مسلح؛
- دستگیر شدن شکارچیان غیرمجاز توسط محیط‌بانان؛
- تله‌های نصب‌شده توسط شکارچیان غیرمجاز؛
- اطلاعات در زمینه‌ی توزیع، فراوانی، تراکم و حضور فصلی شکارچیان غیرمجاز توسط دوربین‌های تله‌ای.

پیشگیری از جرایم حیات وحش به‌امری ضروری برای جلوگیری از انقراض گونه‌های جانوری مبتدل گردیده و این جاست که بهره‌جویی از تکنولوژی‌هایی همچون دوربین‌های تله‌ای، نقشی مؤثرتر در محافظت از حیوانات مناطق حفاظت‌شده به خود می‌گیرند و به خودی خود نیز در افزایش کارایی این مناطق نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. بنابراین، دوربین‌های تله‌ای قادرند به‌طور مستقیم در نحوه‌ی مدیریت صحیح مناطق حفاظت‌شده و در نتیجه پیشگیری از انقراض گونه‌های جانوری نقش داشته باشند.

جانوری و گیاهی به‌شمار می‌آیند و تأمین امنیت این مناطق به مسئله‌ای حیاتی تبدیل شده است. در مناطقی که به‌خوبی مدیریت می‌شوند، جمعیت گونه‌های جانوری افزایش یافته و در نتیجه می‌توان از کاهش و نهایتاً انقراض حیوانات جلوگیری کرد. این درحالی است که کارایی این مناطق به‌ندرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای ارزیابی بهتر کارایی مناطق حفاظت‌شده، پاسخ به دو پرسش زیر الزامی است:

۱. چه تنوع گونه‌ای و به چه اندازه در مناطق حفاظت‌شده وجود دارد؟

۲. آیا مناطق حفاظت‌شده به‌درستی مدیریت می‌شوند؟

برای پاسخ به این دو سؤال، دوربین‌های تله‌ای نقش پررنگ‌تری به خود می‌گیرند. یک‌پنجم گونه‌های پستاندار دنیا به علت فعالیت‌های انسان، از قبیل شکار غیرمجاز و تخریب زیستگاه، در خطر انقراض قرار گرفته‌اند. پاسخ پستانداران به این فعالیت‌های انسان تغییر رفتار و محیط زندگی خود است. یکی از این فعالیت‌ها شکار غیرمجاز نام دارد و به این صورت تعریف می‌شود: «هر عمل عمدی که باعث نقض قوانین ثبت‌شده برای محافظت از گونه‌های جانوری می‌شود.» این نوع شکار عمدتاً به دلیل وجود تقاضا برای پوست جانوران برای تهیه‌ی قالیچه‌های تزئینی و پالتوپوست‌های مردانه و زنانه و همچنین به قصد تفریح صورت می‌پذیرد. شکار غیرمجاز مهم‌ترین خطر برای بقای گونه‌های جانوری و آشکارترین عامل برای کاهش تعداد گونه‌های پستاندار در مناطق حفاظت‌شده محسوب می‌شود. کم‌اثر بودن قوانین ضد شکار غیرمجاز مدیران حیات وحش را بر آن داشته که به جای مجازات‌های شدید، روی روش‌های یافتن شکارچیان غیرمجاز تمرکز کنند. این روش‌ها عبارت‌اند از:

گالشی ها و حیات وحش

معرفی پیشه ای قدیمی



پیمان مقدس

یکی از مشکلات بزرگ حیات وحش ایران در سال‌های اخیر هم‌پوشانی چراگاه دام‌ها با قلمرو حیات وحش است. شناخت هر چه بیشتر و بهتر شغل‌های سنتی و شیوه‌های قدیمی، ولی مر سوم در گوشه گوشه‌ی ایران زمین، به پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب برای کاهش این تعارضات کمک خواهد کرد



بوزنامه

گالش

گالش به زبان گیلکی همان دامدار و یا چوپان است؛ با این تفاوت که در غرب مازندران گالشی و دامداری کاملاً با دانسته‌های مادر مورد پرورش دام متفاوت است. جایی که از آن صبحت می‌کنیم غرب مازندران است، یعنی دوهزار و سه‌هزار و داکو، هر سه جزء مناطق کوهستانی و جنگلی شهرستان تنکابن اند.

گالش‌ها جزء سکنه‌ی باستانی تنکابن هستند و شغل اصلی شان این است که، به شکل سنتی، در مراتع و جنگل‌ها گاو و گوسفند و بز پرورش بدهند. همچنین، به کارهایی مثل کشاورزی و باغداری نیز می‌پردازند.

گالش‌ها از لحاظ جسمی بسیار قدرتمندند. کمتر کسی در جنگل و کوه توانایی هم‌قدم شدن با آن‌ها را دارد. شرایط زندگی و دامداری آن‌ها بسیار دشوار است. ییلاق و قشلاق و میان‌بند دارند. ییلاق آن‌ها جزء مرتفع‌ترین نقاط ایران و هم‌مرز با الموت و طالقان، در دوردست‌ترین مناطق البرز، است؛ مناطقی با ارتفاع بیش از ۲۵۰۰ متر و مراتعی مشترک با کل و بز و کبک دری!

زندگی بسیار ساده و در عین حال سختی دارند. غذای یکنواختی شامل برنج و شیر و ماست دارند که گهگاهی کره نیز به آن اضافه می‌شود. اگر گوسفندی از کوه پرت شود، ذبحش می‌کنند و با طبخ مخصوص خودشان چلوگوشتی با رویه‌ی ماست می‌پزند.

کلوم، خانه ییلاقی

منزلشان در ییلاق کلوم (kolom) نام دارد. دیوارهای سنگی و سقف پلاستیکی دارند و فرشی محقر و پاخورده در آن پهن است. قسمتی نیز برای بره‌های تازه متولد شده تعبیه شده که همین فضای محدود را هم تقسیم می‌کند. همیشه آتشی زیر کلوم برپاست و دود داخل را احاطه کرده است. شاید دلیل نبودن کنه و مگس و پشه همین دود باشد.

گوسفندان نیز در اطراف کلوم هستند (مالنگاه). در بعضی مراتع آب و چشمه وجود ندارد. ارتفاع آن قدر زیاد است که چوب و هیزم رانیز باید از جنگل بیاورند. مسیر فقط مال‌رواست. این جا اهمیت قاطر و اسب در عصر ماشینی نمایان می‌شود.

هر سرا (کل مجموعه‌ی دامداری و مرتع)، بسته به تعداد دام و میزان تولید لبنیات، از یک تا پنج اسب و قاطر دارد که وظیفه‌اش حمل مایحتاج گالشان است.

اسب و قاطر هر چند روز باید مسافت چندده کیلومتری تا نزدیک‌ترین روستا را طی کنند. لبنیات ببرند و مایحتاج بیاورند. بسته به تعداد دام و وسعت مرتع، از سه تا پانزده گالش کار مشارکتی دامداری را به عهده دارند.

حضور گالشان در حاشیه‌ی جنگل با ویلاسازی و هجوم شهرنشینان به روستاها، دیگر آغلی در روستا وجود ندارد که جای دام باشد. بنابراین گالشان مجبورند



دام‌های خود را در حاشیه‌ی جنگل و دور از مناطق مسکونی نگاه دارند. گالشی آداب و رسوم خاص خود را دارد. ابزار و لباس و غذای مخصوص دارند، آواز و ترانه‌های جالب و دیرینه‌ای دارند. گالشان را کمتر کسی می‌شناسد. حتی کمتر کسی آن‌ها را می‌بیند. کمتر کسی یارای رفتن به محل کارشان را دارد. کمتر کسی به کلوم آن‌ها سر می‌زند. در دنیای امروز، کسی از اهمیت کار آنان آگاهی ندارد و دیگر کمتر به مشکلات و نیازهای آنان توجه می‌شود.

حیات وحش

دامداری در تنکابن با همزیستی حیات وحش عجین شده است. در تمامی فصل‌ها در ییلاق و قشلاق و میان‌بند اکثر گونه‌های وحشی در محدوده‌ی دامداری قابل مشاهده‌اند. از

انواع حشرات و پرندگان کوچک و بزرگ گرفته تا انواع خزندگان و مارهای سمی و غیر سمی؛ تاجایی که معضل افزایش مارهای سمی، مثل افعی البرزی، گریبان دامداران را در فصل ییلاق و در مراتع مرتفع گرفته و سالیانه باعث تلف شدن تعداد قابل توجهی از دام‌ها می‌شود.

گالشان محل زندگی و کسب و کار خود را از دیرباز با گونه‌های گوشتخواران بزرگ جثه از قبیل پلنگ و گرگ و خرس و لینکس و گربه‌ی جنگلی تقسیم کرده‌اند. این تقسیم محل زندگی به ناچار مشکلاتی در پی دارد.

هر از چندگاهی حیوانی به دام‌ها حمله می‌کند و تلفاتی بر جای می‌گذارد و متعاقباً اعمال تلافی‌جویانه‌ی گالشان و صاحبان احشام گریبانگیر حیوان متعارض می‌شود. این جا است که بحث جدی تعارض و راهکارهای مدیریت تعارض پیش می‌آید.

مکان قشلاق و میان‌بند همپوشانی زیستگاهی کاملی با مرال و شوکا و گراز دارد و مراتع ییلاقی دقیقاً در شکارگاه‌ها و زیستگاه‌های کل و بز و پرندگی زیبا و بالبهت کبک دری واقع است.

در حال حاضر، جمعیت وحش رو به تنزل گذاشته، ولی به هیچ عنوان نباید از اهمیت

گالشان محل زندگی

و کسب و کار خود را

از دیرباز با گونه‌های

گوشتخواران بزرگ جثه

از قبیل پلنگ و گرگ و

خرس و لینکس و گربه‌ی

جنگلی تقسیم کرده‌اند.

این تقسیم محل زندگی

به ناچار مشکلاتی در پی

دارد. هر از چندگاهی

حیوانی به دام‌ها حمله

می‌کند و تلفاتی بر جای

می‌گذارد و متعاقباً

اعمال تلافی‌جویانه‌ی

گالشان و صاحبان احشام

گریبانگیر حیوان متعارض

می‌شود.

وجود گالشان در زیستگاه حیات وحش غافل شد. مسئله‌ی کاهش جمعیت بخشی جدید و مربوط به چند سال اخیر است، ولی شیوه‌ی دامداری و حضور گالشان در طبیعت قدمت چند صد ساله دارد.

همین تعداد کم حیات وحش منطقه با گالشان ارتباط تنگاتنگی دارد و شناخت هر چه بیشتر آن‌ها و پیشه‌شان می‌تواند کمک زیادی به حفظ گونه‌های منطقه نماید.

مکان قشلاق و میان‌بند همپوشانی زیستگاهی کاملی با مرال و شوکا و گراز دارد و مراتع ییلاقی دقیقاً در شکارگاه‌ها و زیستگاه‌های کل و بز و پرندگی زیبا و بالبهت کبک دری واقع است



سیاه‌گوش‌های انگوران کجا هستند؟

انتشار نتایج نخستین
پژوهش میدانی پیرامون
لینکس‌های ایران



که، در چند سال گذشته، از جمع‌آوری گزارش‌های پراکنده و مشاهده‌های غیررسمی به‌دست آمده است. هر چند، بر اساس مطالعات مقدماتی انجمن یوزپلنگ ایرانی، پیشنهاد شده است جمعیت سیاه‌گوش ایران «آسیب‌پذیر» در نظر گرفته شود، در شرایط کنونی به دلیل نبود داده‌های حاصل از پژوهش‌های میدانی امکان هیچ‌گونه برآوردی از وضعیت حفاظتی این گربه‌سان در ایران وجود ندارد.

مجموعه‌ی حفاظتی انگوران در استان زنجان از معدود مناطق حفاظت‌شده در کشور با گزارش‌های متعدد حضور سیاه‌گوش است و یکی از زیستگاه‌های بالقوه‌مهم این گونه در ایران به شمار می‌رود. انجمن یوزپلنگ ایرانی، در فاصله‌ی مهرماه ۱۳۸۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۰، نخستین پایش میدانی پیرامون سیاه‌گوش را با اهداف (۱) سنجش اعتبار گزارش‌های تأییدنشده‌ی حضور سیاه‌گوش؛ (۲) تخمین حداقل اندازه‌ی جمعیت این گربه‌سان؛ و (۳) بررسی نیازهای حفاظتی جمعیتی بالقوه از سیاه‌گوش در مجموعه‌ی حفاظتی انگوران انجام داده است. نتایج این مطالعه در فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی محیط زیست جانوری انتشار یافته است و اکنون در دسترس

سیاه‌گوش یا لینکس اوراسیایی، با وجود پراکنش وسیع در دو قاره‌ی اروپا و آسیا، به ندرت در زیستگاه‌های خارج از اروپا و سیبری مطالعه شده است. دانش کنونی از سیاه‌گوش در ایران نیز به معدود ارزیابی‌های اولیه‌ی پراکنشی محدود می‌شود



بوزنامه

چه خبر از چیتبال‌ها؟

همراهی چیت‌بال‌ها با کنوانسیون راهنمایان گردشگری جهان WFTGA ۲۰۱۷



◀ عکس‌ها از: مریم قرایی



«چیت‌بال» نام دو عروسک است، یکی دلبر و یکی کوشکی. ما بهشان می‌گوییم «چیت‌بال دلبر» و «چیت‌بال کوشکی». قرار هم نیست فعلاً تعدادشان بیشتر از این باشد. حداقل تا وقتی که این دو چیت‌بال بچه‌دار نشده‌اند. بعدتر شاید تشکیل خانواده دهند و تعداد چیت‌بال‌ها زیاد شود. دقیقاً مثل کوشکی و دلبر واقعی.

ماموریت چیت‌بال‌ها این است که سفر کنند و به همه جا سر بکشند. چون کوشکی و دلبر نمی‌توانند سفر کنند و در شرایط اسارت نگهداری می‌شوند، چیت‌بال‌ها به جایشان سفر می‌کنند.

آن‌ها سفر می‌کنند به نقاط مختلف این کره خاکی تا به انسان‌ها یادآوری کنند که هنوز هستند و امید دارند به بودن و حیات...

این بار چیت‌بال‌ها همسفر رکاب‌زان برنامه از نوشهر تا بوشهر شدند تا با همراهی راهنمایان گردشگری ایران، آمادگی خود را برای میزبانی نمایندگان راهنمایان گردشگری جهان در ایران که زمستان سال آینده خواهد بود اعلام کنند.

گزارش کاملی از چگونگی خلق چیت‌بال‌ها، رسالت آن‌ها و سفرنامه هایشان در یوزنامه شماره ۲۰ آمده است.

معرفی محیط بانان زیستگاه یوز

از سال‌های نوجوانی مشغول به دامداری بوده و علاقه زیادی به حیات وحش و طبیعت داشته است. در حین دامداری، آبشخورها و چشمه‌ها را برای استفاده حیات وحش لایروبی می‌کرده و از سال ۱۳۸۹ به طور داوطلبانه با محیط زیست شهرستان طبس همکاری خود را آغاز می‌کند.

محمدرضا رمضان

۳۶ ساله

اهل طبس

محل خدمت: پناهگاه حیات وحش دره انجیر

سابقه محیط بانی: ابتدای ۱۳۹۴

تعریف میکرد: "با این که چندین سال در مناطق مختلف همیار بودم و خودم دامدار بوده‌ام، اما روبرو شدن با رد تازه یوزپلنگ در رودخانه که گویی فقط چند قدم جلو تر از من حرکت کرده بود حس عجیب و ماندگاری برایم داشت."

اولین تجربه اش در دره انجیر برای دستگیری شکارچیان غیر مجاز را این گونه نقل می‌کند: "برای گشت زنی در کوه‌های جنوب دره انجیر با موتور راهی شدم. برای اولین بار به این قسمت از منطقه آمده بودم. در پای کوه ردپایی تازه دیدم. مشخص بود که مدت زیادی از آن نمی‌گذرد." پس جایی در کوه کمین کردم و همه منطقه را زیر نظر گرفتم. بعد از کمی دوربین کشی، دو نفر را دیدم که از روبرو به من نزدیک می‌شدند. آن‌ها من را ندیده بودند. متوجه شدم که تقریباً بین گله کل و بز و شکارچی‌ها هستم!

محمدرضا ادامه می‌دهد: "چندین بار سعی کردم با پاسگاه تماس بگیرم و درخواست نیروی کمکی کنم اما آنتن نداشتم. شکارچی‌های با فاصله ای نه چندان زیاد روبرویم نشستند و به سمت گله کل و بز که پشت سرم بودند نشانه گیری کردند. با خودم گفتم چرا من باید تماشاگر این لحظه باشم! ای کاش می‌توانستم کاری کنم اما متأسفانه چنین اجازه‌ای نداشتم. چندین تیر به گله شلیک و ۲ کل وحشی را شکار کردند. بیشتر از این نمیتوانستم صبر کنم. به پایین کوه برگشتم، با پاسگاه تماس گرفتم و نیروی کمکی آمد. دوباره به سمت کوه رفتم. با همکاران نقشه ای کشیدیم تا شکارچی‌ها را به دام بیندازیم. نقشه‌ای که مولای درزش نمی‌رفت. بعد از مدتی عملیات آغاز شد و مثل چشم به هم زدن رفتیم بالای سر شکارچی‌ها. یکی از آن‌ها فرار کرد و به کوه زد اما فرد دیگر دستگیر شد و او به پاسگاه منتقل کردیم. بعد از چند ساعت متوجه شدیم شخصی که فرار کرده بود دچار مشکل جسمانی شده و نمی‌تواند از کوه پایین بیاید. با توجه به اینکه آن محدوده بسیار سرد بود و آن فرد هم تجهیزات با خودش نداشت احتمال مرگ برایش وجود داشت؛ بنابراین با هماهنگی سرپرست منطقه، من دوباره راهی کوه شدم و آن شخص را در حالت نذاری پیدا کردم و کمکش کردم که از کوه پایین بیاید."

به گفته مرتضی عزیزی، رئیس اداره محیط زیست شهرستان اردکان و جواد شکوهی، سرپرست سابق پناهگاه حیات وحش دره انجیر محمدرضا رمضان از ابتدای حضورش بسیار با ذکاوت، کوشا و علاقمند فعالیت کرده و برای این منطقه موثر است.

استعداد و توانایی اش در همان چندسال همیاری و اعتمادی که در محیط زیست نسبت به او پیدا شد، موجب شد تا ابتدای سال ۱۳۹۴ که اداره محیط زیست شهرستان اردکان در استان یزد برای جذب محیط بان به دنبال فردی قابل اعتماد و سخت کوش بود، محمدرضا رضای از طبس را انتخاب کند.

به این ترتیب برگ جدید در زندگی محمدرضا رقم خورد و در پناهگاه حیات وحش دره انجیر به عنوان محیط بان مشغول به کار شد. اتفاقی که به گفته خودش از آن بسیار راضی است و تمام تلاشش را در این منطقه به کار بسته است.

اتفاقاتی که در حدود یک سال برای محمدرضا در منطقه دره انجیر رخ داده برایش جالب بوده است. روزی از اولین مواجهه اش با رد یوزپلنگ



یوزنامه

از آبشار ویکتوریا تا کرگدن سفید زامبیا!

تجربه سفر به زامبیا

بدون شک سفر به افریقا برای عاشقان حیات وحش، رویایی همیشگی است. ما هم از این قاعده مستثنی نبودیم و دل به دریا زدیم برای رسیدن به این رویا... مقصد ما زامبیا بود در جنوب قاره سیاه... طبیعت و حیات وحش در کنار مردمان زامبیا تجربه ای متفاوت بود...



◀ ریحانه روحی

خواستن و توانستن!

پس از بازدید از آبشار ویکتوریا، راهی پارک ملی Mosi-oa-tunya از دیگر جاذبه های توریستی شهر لیوینگ استون می شویم. در زامبیا برخلاف ایران، نمی توان پیاده وارد پارک ملی شد و ورود افراد حتما باید با ماشین های مخصوص و راهنماهای پارک باشد.

تصورم از پارک ملی در آفریقا، چیزی شبیه به مستندهایی بود که دیده بودم؛ ساوان و گله های بزرگ حیوانات. اینجا سرسبز بود با پوشش گیاهی عالی پارک جنگلی. این پارک ملی گوشتخوار بزرگ نداشت. انتظار دیدن حیواناتی مثل فیل، زرافه، بوفالو و کرگدن سفید را داشتیم. پرنده های مختلفی دیدیم. ایمپلا هم بسیار زیاد بود، به حدی که بعد از مدتی نه تلاشی برای عکس گرفتن داشتیم و نه توقف طولانی برای بیشتر دیدنشان. دیدن ناگهانی بوفالو هیجان انگیز بود. آرام و با ابهت نشسته بود و خونسرد به ما نگاه می کرد. کمی جلوتر چند زرافه دیدیم. دور بودند و خیلی واضح دیده نمیشدند.

هیچ یک از حیوانات از صدای ماشین نمی ترسیدند، به عبور ماشین عادت کرده بودند، می ایستادند، تماشای کردند و به محض اینکه از ماشین پیاده می شدیم فرار می کردند. البته چون این کار مجاز نبود فقط یکی از دوستان یکی دو بار برای عکاسی پیاده شد که فایده ای هم نداشت.

در طول مسیر «ایمپلا» و یک گونه زوج سم دیگر که

عکس ها از: حامد تیز رویان



پرنده ها را به وفور دیدیم. در حال خارج شدن از پارک، در نزدیکی جاده سه زرافه در حال خوردن سرشاخه درخت ها بودند. امنیتی که حیوانات حس میکردند خیلی جالب بود.

وارد بخش دیگری از پارک شدیم که کرگدن های سفید آن جا نگهداری می شدند. یک محیط بان در این فاصله ما را همراهی کرد. به این محیط بان و محیط بانانی که مسئول نگهداری از کرگدن ها بودند مبلغی جدا از هزینه تور باید داده می شد. دیدن کرگدن سفید از فاصله حدود ۶ متری فراموش نشدنی است. محیط بان برایمان توضیح داد که کرگدن سفید (White Rhino) در اصل کرگدن دهن گشاد (Wide Rhino) بوده که به اشتباه در ترجمه از زبان آلمانی به انگلیسی به این شکل در آمده است. سه کرگدن سفید بودند، دو کرگدن بالغ و یک بچه کرگدن. یکی از کرگدن ها همان طور که مشغول چریدن بودند، در یک لحظه به ما خیره می شد و چند قدمی جلو می آمد. با اینکه پشت یک تنه افتاده درخت ایستاده بودیم، باز هم ترسناک بود. ایستادن پشت تخته چوب برای امنیت بیشتر بود، چون کرگدن نمی تواند از روی آن بپرد. گورخرها را نیز از فاصله نزدیک دیدیم، بامزه و دوست داشتنی بودند، حرکت نمی کردند و به ما خیره می شدند، شاید رفتار دفاعی شان بود. از میان حیواناتی که دیدم گورخر و کودو فوق العاده بودند و هنوز نمی دانم کدام یک برایم جذاب تر بود.

در مسیر برگشت زمانی که دوباره وارد پارک شدیم، راهنما از ما پرسید که چه حیوان دیگری می خواهید ببینید و ما گفتیم «فیل». در کمتر از چند دقیقه دو فیل در مسیر جاده مشغول خوردن برگ درخت ها بودند. راننده سعی می کرد از فیل ها دور شود اما فیل به ما نزدیک می شد و هیجان ما را زیادتر می کرد. این هیجان زدگی و عقب رفتن ماشین چندین بار تکرار شد تا نهایتاً عبور کردیم و رفتیم.

تنها حیوانی که میتوانستیم در این پارک ببینیم و ندیده بودیم اسب آبی بود. دوباره راهنما از ما پرسید که حیوان دیگری هست که بخواهید ببینید؟ هنوز کلمه «اسب آبی» را کامل ادا نکرده بودیم که راننده ایستاد و به

در طول مسیر «ایمپلا» و یک گونه زوج سم دیگر که نامش «بوش باک» بود، «گراز زیگیل دار» و انواع پرنده ها را به وفور دیدیم. در حال خارج شدن از پارک، در نزدیکی جاده سه زرافه در حال خوردن سرشاخه درخت ها بودند. امنیتی که حیوانات حس میکردند خیلی جالب بود.

سمت رود اشاره کرد. این اراده کردن و دیدن حیوانات حس لذتبخشی داشت. حرفی از آن زده نشد ولی زبان مشترک تمام دنیا «خنده» نشان از این حس مشترک داشت. راهنما این بار با اقتخار پرسید "حیوان دیگری هست که بخواهید ببینید؟" از اینکه توانسته بود تمام حیوانات منطقه را به ما نشان دهد، راضی و خوشحال به نظر می رسید. به دلیل حسن وطن دوستی یا شاید رضایت از به انجام رساندن ماموریتش.

لوساکا

آشنایی با «بردزیل» در آبشار ویکتوریا باعث شد ما این بخش سفر را طراحی کنیم. مرد میانسال زامبیایی به اسم بردزیل که ساکن لوساکا بود و به ما پیشنهاد داد تا لوساکا را به ما نشان دهد.

بردزیل ما را به یک مرکز بازپروری شیر برد. در این مرکز از یک جفت شیر زال نگهداری می شود و ۴ شیر آفریقایی هم در اسارت دارند. شیرهای زال کاملاً دستی شده اند و با انسان انس گرفته اند اما شیرهای دیگر هنوز به انسان عادت نکرده اند. به هر حال دولت اجازه رهاسازی این شیرها را در زیستگاهشان نمی دهد.

دیدن «کودو» برای اولین بار آن هم از فاصله ۱ متری توصیف شدنی نیست. زیبا بود و با ابهت. از بین انبوه شاخه های خشکیده به ما نگاه میکردند و ناگهان ناپدید میشدند. استتارشان فوق العاده بود. طرفی دیگر دیدن گله های بزرگ گورخر آفریقایی و بوفالو و ایمپلا حس در آفریقا بودن را بیشتر میکرد.

بعد از سرخوشی های بسیار از دیدن حیوانات هیجان انگیز، برای دیدن اسب آبی راهی رودخانه کافوئه شدیم. منظره کنار رود سرسبز بود، دم غروب هوا خنک بود. صدای ساز و آواز باز هم به گوش می رسید. مردم





استون خیلی خوشحال بودم. شاید چون شهر را بیشتر میشناختم.

آخرین شب گشتی در کوچه های لیوینگ استون زدیم، شاید برای وداع، رفتن به نظر سخت می رسید. به هاستل برگشتیم تا وسایل را جمع کنیم. استرس اضافه بار و اینکه وسایلمان بیشتر از فضایی بود که در چمدان ها داشتیم. بالاخره همه چیز جمع شد و صبح روز بعد راهی فرودگاه شدیم. در فرودگاه مشغول صحبت بودیم. بحث بر سر این بود که می

توانیم ادعا کنیم اولین ایرانی هایی هستیم که... در همین حین یک آقای میانسال پرسید شما ایرانی هستید؟! در کانادا زندگی میکرد و بعد از دیدن آفریقای جنوبی لذت دیدن آبشار ویکتوریا را از دست نداده بود. به این ترتیب ما اولین ایرانی هایی نبودیم که...

خوشبختانه فاصله بین پروازهای برگشت کم بود. دقیقا بعد از رسیدن به فرودگاه ژوهانسبورگ بود که واقعا احساس کردم نیاز دارم که هر چه زودتر به خانه برگردم. در عین حال دلتنگ لیوینگ استون بودم و سفری که هنوز تمام نشده بود.

نزدیک تهران توده ابر عجیبی روی شهر بود. حتی تصورش را هم نمی کردم که حجم آلودگی زیر این توده ابر چقدر زیاد است. هوای خاکستری تهران بعد از ۲۱ روز دیدن آسمان آبی و هوای پاک هیچ خوشایند نبود اما دیدن خیابان ها و کوچه هایی که می شناختم حس خوبی بود. به خانه رسیدم و سفر با یک دنیا تجربه به پایان رسید.

حیوانات به عبور ماشین عادت کرده بودند، می ایستادند و نگاه می کردند. به محض اینکه از ماشین پیاده می شدیم فرار می کردند. البته پیاده شدن، مجاز نبود.

آفریقا علاقه زیادی به موسیقی دارند. موسیقی های پر ضرب و آهنگ آفریقایی پیوسته همه جا شنیده می شد. در کشور زامبیا روزی ۸ ساعت برق قطع می شود. در شهر لوساکا که پایتخت بود، از ساعت ۱۲ شب تا ۸ صبح ولی در بقیه شهرها زمانش متفاوت بود. به قدری گوش دادن به موسیقی جدی بود که قطع و وصل شدن برق را می شد از صدای موسیقی فهمید. با شنیدن صدای موسیقی آفریقایی اول صبح متوجه می شدیم که برق وصل شده است. کنار رود هم از این قاعده مستثنی نبود و صدای موسیقی فضا را پر کرده بود.

باقایق موتوری به میان رودخانه رفتیم. کمتر از ۵ دقیقه طول کشید تا یک اسب آبی را با بچه اش دیدیم. نفس می گرفت و سریع سرش را به زیر آب می برد.

کمی جلوتر یک قایق کروز منتظر ما بود. از دوستان بردزیل بود. بردزیل دوستان و آشنایان زیادی داشت. معلوم بود مرد سرشناسی است. غروب رود کافوئه را هم از روی کروز دیدیم. لحظات، واقعا لذت بخش و سرشار از آرامش بود. لطف و محبت بردزیل ناشی از حس وطن دوستی اش بود. کشورش را دوست داشت و دلش می خواست بهترین و زیباترین شکل لوساکا را ببینیم.

خورشید پشت ابرهای همیشه در صحنه آسمان آرام گرفت و یک روز پر هیجان دیگر به پایان رسید.

روزهای آخر در لیوینگ استون

پایان سفر نزدیک بود. تنها ۴ روز به برگشت باقی مانده بود. به چوما برگشتیم و برای آخرین بار اتوبوس های لیوینگ استون - لوساکا را سوار شدیم تا به لیوینگ استون برگردیم. از بازگشت به لیوینگ

کوکریا باقرقره رنگین کمان خوش آواز



مهدی جلالپور

عکس از: بهنام قربانی

شماره ۲۲

رادارشن و ماسه مخفی می کند و هنگام احساس خطر از تخم های خود فاصله می گیرد و با این کار، شکارچی را از محل لانه و تخم گذاری دور می کند. کوکرها تک همسر هستند. بعد از تخم گذاری، شب ها پرندۀ نر و روز ها پرندۀ ماده بر روی تخم می خوابد.

شیوه فرار از دست پرندگان شکاری

باقرقرها آسیب پذیری زیادی در هنگام نوشیدن آب دارند و با تعداد زیادی از پرندگان فرزند بر سر آب حاضر می شوند و با این روش پرندۀ شکارچی برای انتخاب یک پرندۀ هدف به مشکل می افتد و به احتمال زیاد قبل از نزدیک شدن به گله باقرقره ها خال به خال می شود و به اشتباه می افتد. باقرقره ها برای فرار از پرندگان شکاری و پستانداران و شکارچیان از منابع آبی که در اطراف آنها پوشش گیاهی زیاد وجود دارد اجتناب می کنند. آنها برای استفاده از منابع آب سنتی مسافت زیادی را پرواز می کنند و نسبت به منابع آبی موقت تمایل کمتری نشان می دهند. این موضوع می تواند بخاطر جلوگیری از بی آب شدن و تلف شدن در بیابانهای خشک باشد.

طراحی تانکر آب در زیر سینه

یک لایه پر میکروسکوپی در زیر سینه پرندۀ وجود دارد که عایق سرما و گرما است، همچنین پرهای زیر سینه به طور خاصی برای حمل و نگهداری آب طراحی شده است و به والدین به خصوص جنس نر این امکان را می دهد که آب را به جوجه ها که ممکن است کیلومترها دورتر باشند، برسانند.

جنس نر در هنگام نوشیدن آب، پرهای سینه خود را در داخل آب قرار می دهد و در حدود ۱۵-۲۰ میلی لیتر آب را انتقال می دهد که در نهایت این آب توسط جوجه ها استفاده می شود. جنس ماده هم در هنگام بزرگ شدن جوجه ها به جنس نر در حمل آب کمک می کند. باقرقره ها می توانند آب را تا ۶۰ کیلومتر دورتر از منبع آبی، انتقال دهند.

کنترل حشرات و پراکنش گیاهان

باقرقرها با تغذیه از حشرات به تعادل جمعیت آنها در طبیعت کمک می کنند. این پرندۀ با خوردن دانه های گیاهان و دفع کردن آنها در مناطق دورتر، به پراکنش این دانه ها کمک می کنند. حمداله مستوفی مورخ قرن هشتم کوکرا پرندۀ ای زیرک می داند که تخم های خود

کوکر (بر وزن کوثر) یا باقرقره یا سنگ خوارک پرندۀ ای است دانه خوار که زیستگاه آن در ایران مناطق بیابانی، نیمه بیابانی، استپی و نواحی صخره ای، ریگزارهای بیابانی، زمین های کشاورزی و یابایر و خشک است. به طور خلاصه همسایه یوزپلنگ هاست! در کویر مرکزی ایران «کُکری»، در جنوب غرب استان هرمزگان «خوتوک» و در زبان محلی شهرستان لار «چگور» نامیده می شود. در هنگام پرواز شبیه کبوتر است.

پرندۀ آرایشگر

اعتقاد عمومی مردم بر اینست که کوکریا با شاپرک دم خود همانند میله سرمه، چشم خود را سرمه کشی می نماید و شاید زیبایی چشمش بدین لحاظ باشد. کوکریا همچنین جزو پرندگان پر صداست چه به هنگام پرواز و چه در وقت دانه چینی و جفت گیری با صدایی شبیه به غوغو کردن به نحو دلنشینی آواز می خواند و روح دشت و آسمان را زنده نگه می دارد. باقرقره ها را می توان یکی از منابع غذایی پرندگان شکاری برشمرد که در مناطق بیابانی زندگی می کنند.

داغ‌ترین‌ها

◀ احسان محمدی مقانکی

موفقیت برنامه‌های تکثیر در اسارت گوزن
زردایرانی

Goudarzi, F. et al. Assessing translocation success of the endangered Persian fallow deer using a Bayesian Belief Network. *Ecosphere* 6 (10): art191 (2015).

جمعیت جغد شاخدار در ایران
Khaleghizadeh, A. et al. Population increase of the Long-eared Owl, *Asio otus* (Linnaeus, 1758), in Iran (Aves: Strigidae). *Zoology in the Middle East* 61 (3): 215-219 (2015).

انتخاب زیستگاه پرندگان در جنگل‌های
هیرکانی

Bani Assadi, S. et al. Habitat selection of cavity-nesting birds in the Hyrcanian deciduous forests of northern Iran. *Ecological Research* 30 (5): 889-897 (2015).

خزندگان

جابه‌جایی زیستگاه افعی‌های کوه‌زی

Yousefi, M. et al. Upward altitudinal shifts in habitat suitability of mountain vipers since the Last Glacial Maximum. *PLoS ONE* 10 (9): e0138087 (2015).

پرندگان

وضعیت میش‌مرغ در ایران

Barati, A. et al. Recent status and population decline of the Great Bustard *Otiscarda* in Iran. *Bird Conservation International* 5 (3): 377-384 (2015).

بقای پلنگ ایرانی در قفقاز

Farhadinia, MS. et al. Leveraging trans-boundary conservation partnerships: Persistence of Persian leopard (*Panthera pardus saxicolor*) in the Iranian Caucasus. *Biological Conservation* 191: 770-778 (2015).

یوزنا



انتشار خبرنامه‌ی انگلیسی

دومین شماره‌ی خبرنامه‌ی انگلیسی‌زبان انجمن یوزپلنگ ایرانی منتشر شد. خبرنامه‌ی انگلیسی انجمن یوزپلنگ ایرانی ویژه‌ی متخصصان و کارشناسان و مخاطبان بین‌المللی منتشر می‌شود تا در جریان فعالیت‌ها و تلاش‌های حفاظتی صورت گرفته برای حیات وحش ایران قرار گیرند. در این شماره از خبرنامه‌ی انگلیسی، که بهار و تابستان سال ۲۰۱۵ منتشر شده، آخرین اخبار شش ماه گذشته مرور شده است. پیش از این خبرنامه‌ی انگلیسی‌زبانی با عنوان «خبرنامه‌ی پلنگ» در هشت شماره منتشر شده بود. شماره‌ی جدید خبرنامه در ۸ صفحه به صورت الاحسان محمدی مقانکی‌ار اختیار مخاطبان انگلیسی‌زبان و بروی سایت انجمن قرار گرفته است.

تقدیر از محیطبانان پارک ملی کویر در جشنواره‌ی سینما حقیقت



پخش مستند زنده‌گیری پلنگ تندوره از تلویزیون هلند و بلژیک

در جریان زنده‌گیری چهارمین پلنگ ایرانی در پارک ملی تندوره، یک گروه مستندساز هلندی دو هفته گروه را همراهی می‌کرد تا جزئیات این اتفاق را ثبت کند. این گروه هلندی در حال تهیه‌ی یک مجموعه‌ی چندین قسمتی است درباره‌ی تلاشهای یک دامپزشک شناخته‌شده‌ی هلندی، به نام ژاک کاندورپ.

حضور این تیم هلندی منجر به تولید دو اپیزود ۱۵ دقیقه‌ای از ایران شد که در پاییز ۹۴ از تلویزیون هلند و بلژیک پخش شده است. به گفته‌ی آرتور مارس، تهیه‌کننده‌ی این فیلم، جذاب‌ترین اپیزودهای این مجموعه‌ی هفت فصلی تا به حال ایران بوده و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است.

محمدفرهادی‌نیا، مدیر این پروژه و مدیر بخش پایش انجمن یوزپلنگ ایرانی، در این باره می‌گوید: «خوشحالیم که در این پروژه توانسته‌ایم در شناسایی جاذبه‌های طبیعت‌گردی کشورمان به بخشی از مردم اروپا مؤثر واقع شویم.»

درخشش «در جست‌وجوی پلنگ ایرانی» در نیویورک

مستند «در جست‌وجوی پلنگ ایرانی»، ساخته‌ی فتح‌اله امیری و محصول مشترک مؤسسه‌ی تصویر حیات وحش و انجمن یوزپلنگ ایرانی، در پنجمین جشنواره‌ی حفاظت حیات وحش نیویورک به عنوان بهترین فیلم خارجی‌زبان انتخاب شد.

در این جشنواره که فیلم‌هایی از کشورهای کانادا، آمریکا، بلژیک، سوئد، آلمان، انگلیس، نیپال، هندوستان، اوکراین، چک و... حضور داشتند، در نهایت ایران جایزه‌ی فیلم برگزیده را دریافت کرد.

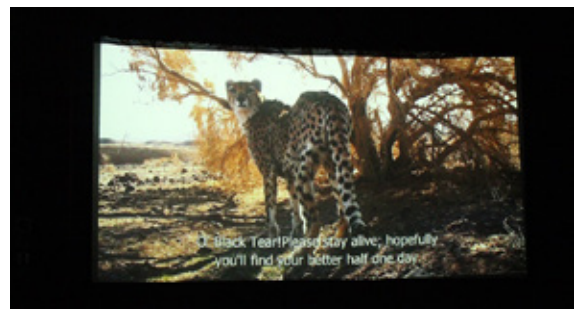


مستند «آشک سیاه»، به کارگردانی فتح‌اله امیری، با حضور جمعی از محیطبانان پارک ملی کویر و تقدیر از آنان در جشنواره‌ی سینما حقیقت رونمایی شد.

در این مراسم، که با حضور گسترده‌ی علاقه‌مندان و اعضای انجمن یوزپلنگ ایرانی برگزار شد، امیری با بیان این که محیطبانان عوامل اصلی این مستند محسوب می‌شوند تعدادی از آن‌ها را برای حضور روی سن دعوت کرد و آن‌ها در میان تشویق ممتد تماشاگران روی سن رفتند.

در این جلسه‌ی رونمایی همچنین هدایایی از طرف کارگردان به محیطبانان اهدا شد که به گفته‌ی امیری در دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین نقطه‌ی کویری مشغول به حفاظت از زیست‌بوم ایران هستند.

کارگردان مستند «آشک سیاه» در توضیح کوتاهی درباره‌ی ساخت فیلم گفت: «دوربین‌گذاری این مستند از سال ۱۳۸۸ و درست در زمانی آغاز شد که در خبرها اعلام شد فقط یک قلاده یوزپلنگ ایرانی در پارک ملی کویر باقی مانده است. اما من احتمال می‌دادم چنین نباشد. بنابراین تحقیق و پژوهش و دوربین‌گذاری را آغاز کردیم و کار تا سال ۱۳۹۳ طول کشید.»



نمایش مستند «کوشکی، یک یوزپلنگ آسیایی»

کوشکی نام یوزپلنگی است که زمانی که توله بود به دام انسان‌ها افتاد و از آن پس زندگی‌اش دست‌خوش اتفاقات بسیاری شد.

فیلم «کوشکی، یک یوزپلنگ آسیایی»، در قالب مستند داستانی، تصاویری کمتر دیده‌شده از زندگی کوشکی و محل زندگی‌اش را به نمایش می‌گذارد.

اوایل زمستان امسال، سالن اجتماعات انتشارات فنی ایران میزبان سعید آقایی، کارگردان فیلم، و جمع بسیاری از اعضای انجمن بود تا ضمن تماشای فیلم، تجربیات و خاطرات سازنده‌ی فیلم را از ساخت آن بشنوند.

سفرهای حیات وحش

بازدید از پارک های ملی
پناهگاه های حیات وحش
مناطق حفاظت شده
و جاذبه های طبیعی



با تورهای آموزشی انجمن یوزپلنگ ایرانی
زیستگاه های حیات وحش ایران را به بهترین شکل بینیم...





بهترین مدل دوربین تله ای دنیا وارد ایران شد

Cuddeback 

محصول ۲۰۱۵ طراحی شده در آمریکا



ویژگی های متمایز:

۱. مقرون صرفه: یک سال کار با ۸ باتری قلمی و ثبت ۳۰ هزار تصویر
۲. بالاترین کیفیت عکس: ۲۰ مگاپیکسل
۳. سریعترین شاتر: ۱/۴ ثانیه، حدوداً ۴ برابر سریعتر از اکثر مدلهای دوربین ها
۴. قدرت فلاش فوق العاده: ۵۰ فوت در شب
۵. توانمندی های عکسبرداری مختلف: تا ۵ تصویر در هربار عبور جانور از روبروی جانور می گیرد.
۶. قابلیت تایم لپس: به مدت ۲۴ ساعت می توان آنرا روی فواصل ۱۰ ثانیه قرار داده و از محلی که موردنظر است تصویر گرفت تا روند تغییرات آنرا مورد سنجش قرار داد.
۷. دارای دو قابلیت واید و متمرکز برای تصویر برداری: واید برای عرصه های وسیع مانند یک آبشخور یا دشت و متمرکز برای عکس برداری از یک مسیر یا خط الرأس بکار می آید.
۸. امکان استتار و حمل ساده به دلیل اندازه کوچک و رنگ خاکی

شما می توانید با مقایسه تصاویر گرفته شده از پلنگ ایرانی با مدل های مختلف دوربین های تله ای، خود درباره کیفیت تصاویر هریک قضاوت نمایید:



عکس از اداره گل محیط زیست کیلان

ای کورن Acorn



بوشنل Bushnell



اسکوت گارد Scoutguard



www.ladybird7.com



محصولات روستایی و عشایری دوستدار محیط زیست

کفشدوزک یک کسب و کار اجتماعی ست که توسط یک NGO به نام "موسسه فرهنگ و توسعه پایدار ایرانیان" پایه گذاری شده و تلاش می کند گروه های تولید کننده خرد روستایی و عشایری را همراهی کند، که می خواهند روش هایی را برای گذران زندگی خود پیش بگیرند تا آسیب کمتری به منابع طبیعی و محیط زیست وارد شود. در راه جایگزین شدن این روش های جدید، نیاز به همراهی دارند که کفشدوزک با در نظر گرفتن: بهره برداری پایدار، دستمزد منصفانه و معیشت پایدار، سلامت و کیفیت محصول، ارائه مناسب و قیمت مناسب، پایداری منابع آب و خاک، عدم استفاده از سموم شیمیایی، حفظ مراتع، جنگلها و تنوع زیستی تحت عنوان "تجارت عادلانه"، این همراهی را با ۷ گروه روستایی و عشایری از سه استان از آذر ۱۳۹۲ آغاز و امروز پس از دو سال افتخار همراهی با ۵۸ گروه روستایی و عشایری از ۲۰ استان کشور را دارد.

این گروه های محلی عموماً توسط پروژه های بزرگ مقیاس برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) و برنامه کمک های کوچک (SGP) در ایران برخی از آنها توسط کارآفرین ها و خیریه های مستقل حمایت می شوند.

اقداماتی که کفشدوزک جهت دستیابی به این تجارت عادلانه انجام می دهد عبارتند از:

- توانمندسازی و آموزش گروه های تولیدکننده خرد جهت دسترسی به بازاری عادلانه
- کمک و حمایت در بهبود محصولات تولیدی و عرضه بهتر آنها
- فروش محصولات در دو دسته مواد غذایی و دست ساخته ها از طریق فروشگاه دائمی، بازاریابی محلی و فروش اینترنتی
- آگاه سازی و اطلاع رسانی به جامعه شهری



عسل طبیعی
نان سالم
شیره میوه های جنگلی
کلوچه محلی با شیرینی طبیعی
ادویه آچار
خلواش
چای سبز
روغن زیتون
سرکه سیب

تهران، خیابان ولیعصر، باغ فردوس
موزه سینما، دکانهای چوبی ۳ و ۶
۰۲۱ ۲۶۸۵۲۰۷۳
۰۲۱ ۲۶۸۵۲۰۸۱
۰۹۳۳ ۰۴۴۴ ۸۰۰
۰۹۳۳ ۰۴۴۴ ۸۰۸

مواد غذایی سالم و طبیعی دست ساخته های بومی و ناب

پارچه های دستبافت
پوشاک دست ساز
گلیم
نمد
حصیر
سفال
مس
کپوبافی
عروسک های محلی
اسباب بازی های سنتی
کبف های دست دوز
زیورآلات دست ساز
سوزندوزی های سنتی
رومیزی
چهل تیکه
عروسک حیوانات
در معرض خطر انقراض



Telegram.me/ladybird7

Ladybird7shop

آسمان‌نما

دوماهنامه دوستداران علم و طبیعت زمین و آسمان



توزیع در:

شهر کتاب‌ها و کتابفروشی‌های معتبر (تهران و شهرستان‌ها)

کیوسک‌های مطبوعاتی (تهران و شهرستان‌ها)

فروشگاه‌ها و نمایندگی‌های مؤسسه طبیعت آسمان شب (تهران و شهرستان‌ها)

فروشگاه شماره ۱: خیابان میرداماد، مجتمع تجاری پایتخت، جنب در ورودی، پلاک ۴۹۴

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خیابان انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۴۲

لقد دوماهنامه آسمان‌نما، شریعتی،

بالا ترازیل سید خندان، خیابان مجتبیایی،

خیابان جلفا، پلاک ۴۹

تلفن: ۲۲۸۷۵۲۱۱

asmannama.com



روزشمار کودکی ۱۳۹۵

کودک
خواند
میگزین

یوز تیزپای ایرانی و بسیاری دیگر از جلوه‌های زیست و بوم زیبای این سرزمین
به میهمانی روزشمار کودکی آمده‌اند
تا به ما یادآوری کنند این خاک زیستگاه آن‌ها نیز هست!



انتشارات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان
مرکز پخش هدهد: ۰۲۱-۸۸۵۵۳۵۲۸



SWAROVSKI OPTIK



CL Pocket



HABICHT



CL Companion



SLC Hd inside



EL



EL Range



TELESCOPE

دفتر مرکزی: تهران، خیابان
انقلاب، خیابان بهار جنوبی
مرکز اداری تجاری بهار، طبقه
اول اداری، واحد ۵۰۸
تلفن: ۵۱ - ۷۷۶ ۱۷۲۵۰
فکس: ۷۷۶ ۱۷۲۵۲

دنا

قله ای زیر پای شما

- نسل جدید سیستم هشدار دهنده هوشمند با قابلیت ها و امکانات ویژه
- صندلی جدید ۶ حرکتی برقی راننده (در چهار محور افقی، عمودی، زاویه نشیمن گاه و پشتی صندلی)
- صندلی جدید ۶ حرکتی برقی سرنشین جلو (در سه محور افقی، زاویه نشیمن گاه و پشتی صندلی)
- دکمه های کنترل روی فرمان (کنترل سیستم صوتی و پاسخگویی به تلفن همراه و ...)
- سیستم حرفه ای رادیو و تلویزیون دیجیتالی
- امکان پخش فرمتهای مختلف صوتی و تصویری
- دارای بلندگوهای قوی و توپتر
- سیستم رهیاب
- تهویه اتوماتیک
- پاور ویندو با سامانه ایمنی برگشت خودکار
- آینه های جانبی برقی راهتمادار و تاشونده اتوماتیک
- کامپیوتر سفری جلو آمپر



مرکز تماس ایران خودرو

۰۹۶۴۴۰

www.ikco.ir



راه تو را میخواند ...

آخرین اخبار ایران خودرو را در: www.ikcopress.ir بخوانید